

اسناد نهضت آزادی ایران

جلد ۳۳

اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها، و تحلیل‌های سیاسی ۱۳۸۱

### فهرست اسناد سال ۱۳۸۱

- ۸۱/۰۱/۲۳ -۱ اطلاعیه به مناسبت درگذشت دکتر یدالله سبحانی و اعلام مراسم تشییع
- ۸۱/۰۱/۲۵ -۲ اعلام مراسم بزرگداشت دکتر سبحانی
- ۸۱/۰۱/۲۶ -۳ پیام دکتر یزدی دبیرکل نهضت در سوگ دکتر سبحانی
- ۸۱/۰۱/۲۹ -۴ اطلاعیه دبیرکل نهضت در بازگشت به میهن
- ۸۱/۰۲/۱۱ -۵ اطلاعیه تشکر از تجلیل‌کنندگان از شادروان دکتر سبحانی
- ۸۱/۰۲/۲۵ -۶ گزارش مراسم بزرگداشت چهل و یکمین سالگرد نهضت آزادی ایران
- ۸۱/۰۲/۳۱ -۷ اطلاعیه به مناسبت چهلمین روز درگذشت دکتر سبحانی
- ۸۱/۰۴/۰۸ -۸ اظهار همدردی با آسیب‌دیدگان زلزله استان‌های قزوین و همدان
- ۸۱/۰۴/۲۰ -۹ وفاق ملی، مبانی نظری و راه‌کارهای عملی، چرا و چگونه؟
- ۸۱/۰۴/۲۵ -۱۰ پیام به سومین کنگره جبهه مشارکت ایران اسلامی
- ۸۱/۰۴/۳۱ -۱۱ ارسال نشریه وفاق ملی جهت مقام رهبری
- ۸۱/۰۵/۱۱ -۱۲ محاکمه نهضت آزادی ایران - گزارش به ملت
- ۸۱/۰۵/۱۵ -۱۳ نامه به رئیس مجلس و درخواست تفسیر قانون احزاب
- ۸۱/۰۵/۱۷ -۱۴ نامه به رئیس جمهور در مورد رأی دادگاه انقلاب درباره نهضت آزادی و نقض اصول قانون اساسی
- ۸۱/۰۵/۱۷ -۱۵ سه سند تاریخی برای پاسخ به تبلیغات علیه نهضت
- ۸۱/۰۵/۲۰ -۱۶ ارسال دادنامه دادگاه انقلاب علیه نهضت جهت آیت‌الله صانعی
- ۸۱/۰۵/۲۲ -۱۷ ارسال دادنامه دادگاه انقلاب علیه نهضت جهت آیت‌الله موسوی اردبیلی
- ۸۱/۰۶/۱۰ -۱۸ ارسال دادنامه دادگاه انقلاب علیه نهضت جهت آیت‌الله شاهرودی
- ۸۱/۰۶/۱۰ -۱۹ ارسال دادنامه دادگاه انقلاب علیه نهضت جهت آیت‌الله بهجت
- ۸۱/۰۶/۱۴ -۲۰ ارسال دادنامه دادگاه انقلاب علیه نهضت جهت آقای سید کاظم بجنوردی
- ۸۱/۰۶/۱۴ -۲۱ ارسال دادنامه دادگاه انقلاب علیه نهضت جهت آقای دکتر سروش
- ۸۱/۰۶/۱۴ -۲۲ ارسال دادنامه دادگاه انقلاب علیه نهضت جهت آقای دعایی
- ۸۱/۰۶/۱۴ -۲۳ درخواست طرح پرونده نهضت در شورای امنیت ملی از رئیس جمهور
- ۸۱/۰۶/۱۴ -۲۴ ارسال دادنامه دادگاه انقلاب علیه نهضت جهت رئیس مجلس
- ۸۱/۰۶/۱۴ -۲۵ شکایت از قوه قضاییه به کمیسیون اصل ۹۰
- ۸۱/۰۶/۱۴ -۲۶ شکایت از شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی به کمیسیون اصل ۹۰
- ۸۱/۰۷/۰۳ -۲۷ ارسال نشریات مورد استناد دادگاه انقلاب جهت ریاست جمهوری
- ۸۱/۰۷/۰۳ -۲۸ ارسال دادنامه دادگاه انقلاب جهت دادستان کل کشور و درخواست وقت ملاقات
- ۸۱/۰۸/۰۲ -۲۹ اعتراض به حکم دادگاه تجدیدنظر آقای دادخواه
- ۸۱/۰۸/۰۲ -۳۰ نامه سرگشاده به دبیران کل جبهه مشارکت ایران اسلامی و جمعیت مؤتلفه اسلامی
- ۸۱/۰۸/۰۷ -۳۱ اعتراض به محکومیت آقای یوسفی اشکوری

- ۳۲- در سوگ دو نماینده مجلس ۸۱/۰۸/۱۲
- ۳۳- اعتراض به حکم دادگاه بدوی دکتر هاشم آغاچری ۸۱/۰۸/۲۰
- ۳۴- اطلاعیه اعتراض آقای دکتر یزدی به روند بازجویی از ایشان ۸۱/۰۸/۲۳
- ۳۵- اطلاعیه شرکت دبیرکل و چهار تن از اعضای شورای مرکزی در کمیسیون اصل ۹۰ ۸۱/۰۹/۱۱
- ۳۶- پاسخ دبیرکل نهضت دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی ۸۱/۰۹/۱۴
- ۳۷- در آستانه دومین دوره انتخابات شوراها ۸۱/۱۰/۰۵
- ۳۸- محکومیت طرح آمریکا برای جنگ علیه عراق - همه‌پرسی به جای جنگ ۸۱/۱۰/۰۸
- ۳۹- نامه به رئیس خانه احزاب درخصوص شرکت نمایندگان نهضت در طرح تحقیقاتی وفاق ملی ۸۱/۱۰/۰۷
- ۴۰- بیانیه پیرامون اظهارات اخیر مقامات دادگاه انقلاب اسلامی تهران ۸۱/۱۰/۱۲
- ۴۱- ادامه بازجویی آقای دکتر یزدی و احضار آقای دکتر توسلی ۸۱/۱۰/۱۷
- ۴۲- درخواست ایجاد موجبات آزادی آیت‌الله منتظری از رئیس‌جمهور ۸۱/۱۱/۰۳
- ۴۳- اعتراض به بازداشت آقای دادخواه وکیل جمعی از اعضای نهضت آزادی ۸۱/۱۱/۰۵
- ۴۴- نامه ریاست دادگستری استان تهران در مورد پلمپ ساختمان نهضت ۸۱/۱۱/۲۱
- ۴۵- انگیزه شرکت در انتخابات و محورهای برنامه نهضت برای شوراهای شهر ۸۱/۱۱/۲۸
- ۴۶- اطلاعیه تشکیل ستاد انتخاباتی نهضت آزادی ۸۱/۱۲/۰۲
- ۴۷- پیرامون انتخابات اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ۸۱/۱۲/۰۳
- ۴۸- درخواست رفع محدودیت استفاده از دفتر نهضت از رئیس‌جمهور ۸۱/۱۲/۰۳
- ۴۹- گزارش کنفرانس مطبوعاتی کاندیداهای نهضت در شورای شهر - بیانیه مطبوعات ۸۱/۱۲/۰۵
- ۵۰- هشدار ملی! ارزیابی دومین دوره انتخابات شوراها ۸۱/۱۲/۱۹
- ۵۱- یک بدعت خطرناک - بالا بردن بودجه شورای نگهبان توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام ۸۱/۱۲/۲۷
- ۵۲- ۲۹ اسفند سالروز ملی شدن صنعت نفت را گرامی می‌داریم ۸۱/۱۲/۲۸
- ۵۳- جنگ آمریکا با عراق و پیامدهای آن ۸۱/۱۲/۲۸

## اطلاعیه به مناسبت درگذشت دکتر یدالله سحابی و اعلام مراسم تشییع

### کل نفس ذائقه الموت

یا ایتهای النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه

ای نفس قدسی مطمئن و دل آرام امروز به حضور پروردگارت باز

آی که تو خشنود و او راضی از تو است. (فجر ۲۷-۲۸)

دکتر یدالله سحابی، رادمرد مصلح، خدمتگزار عرصه فرهنگ و آموزگار دین، اخلاق و آزادی به جوار رحمت پروردگار پیوست.

نهضت آزادی ایران، اکنون در سوگ یکی از بنیانگذاران و رهبران خویش نشست است. مردی که بخش عمده‌ای از عمر پربار خود را علاوه بر مجاهدت‌های علمی و فرهنگی در عرصه آموزش و پرورش و دانشگاه، مصروف مبارزات سیاسی و اجتماعی مؤثر بر علیه استبداد و بی‌عدالتی ساخت و با مرحومان طالقانی و بازرگان به مشارکت در برپائی نهضت مقاومت ملی، تأسیس نهضت آزادی ایران و سایر مؤسسات، سازمانها و جمعیتها پرداخت.

نهضت آزادی ایران، ضایعه درگذشت این اسوه اخلاق و آزادی را به ملت ایران و به خانواده محترم ایشان تسلیت می‌گوید و برای بازماندگان صبر جمیل آرزو دارد.

مراسم تشییع آن شادروان در ساعت ۹ صبح روز یکشنبه ۲۵ فروردین ماه از مسجد دانشگاه تهران و مراسم تدفین نیز در همان روز در محل امامزاده عبدالله شهرری برگزار خواهد گشت.

نهضت آزادی ایران

## اعلام مراسم بزرگداشت دکتر سحابی

و بیقی وجه ربک ذوالجلال والاکرام

کدام دانه در زمین رفت که نرست؟

چرا به دانه انسانیت این گمان باشد

امروز پیکر دکتر یدالله سحابی، یکی دیگر از رهبران و بنیانگذاران فقید نهضت آزادی ایران، در اندوه و تأثر فراوان به خاک سپرده شد. اما چه باک که اندیشه او، مشکلات افروخته راه رهروان طریق دینداری، اخلاق‌مداری، آزادگی و وطن‌دوستی تا همیشه ایام پرفروغ خواهد ماند و چون دیگر مصلحان و بزرگان این سرزمین به مثابه بذری در دل خاک ریشه خواهد کرد و شاخ و برگ خواهد داد و از ثمرات اندیشه‌اش نسلهای متمادی بهره‌مند خواهند شد.

بدین‌منظور، جهت بزرگداشت تفکر، سلوک و خدمات آن رادمرد، روز سه‌شنبه ۲۷ فروردین‌ماه ساعت ۵ بعدازظهر در حسینیه ارشاد گردخواهیم آمد و یاد او را گرامی خواهیم داشت.

نهضت آزادی ایران

## پیام دکتر یزدی دبیرکل نهضت در سوگ دکتر یدالله سبحانی

درگذشت شادروان دکتر یدالله سبحانی، خدمتگزار صادق ایران و اسلام را به ملت ایران و به رهروان راه آزادی و عدالت و مردم‌سالاری، به خانواده محترم آن بزرگ و به اعضای نهضت آزادی ایران تسلیت می‌گوییم. تجلیل از مردان بزرگ تاریخ، تجلیل از فرد نیست. بلکه بزرگداشت و ارج نهادن به بینش، منش و روش‌های سلوک سیاسی، و اجتماعی و الگو قرار دادن آنان است.

دکتر سبحانی مردی از تبار اصلاح‌طلبان بزرگ ایران، از پیشگامان طریقت مردم‌سالاری و تلاشگران خدمت بی‌شائبه و به دور از ریا و تظاهر بود. او شخصیتی چند بعدی داشت و تمام این ابعاد شخصیتی و بینشی او الگوی مناسبی برای نسل جدید و جوان و جویای راه می‌باشد.

درگذشت دکتر سبحانی در شرایطی اتفاق افتاد که کشورمان به مناسبت خطرات تهدیدکننده خارجی، بیش از هر زمان به آرامش و وفاق و آشتی ملی نیاز مبرم دارد. در واکنش به فقدان این سعید مبرور، مسئولان کشور و شخصیت‌های تصمیم‌گیرنده، علمای اعلام، استادان و دانشجویان دانشگاه‌های ایران، روزنامه‌نگاران و طیف گسترده‌ای از گروه‌های سیاسی، هر کدام به نوعی، اما همه متفقاً با به رسمیت شناختن خدمات ارزشمند وی، از بینش و منش وی تجلیل به عمل آوردند. پدیده‌ای که نشانه بارزی است از امکان دستیابی به وفاق و آشتی ملی براساس و محورهای ایجابی و نه سلبی. وفاق ملی گاه ممکن است به علت یا انگیزه سلبی باشد. هنگامی که رئیس‌جمهور آمریکا به ناحق و کینه‌توزانه ایران را همراه با عراق و کره شمالی از ارکان "محور اهریمنی" خواند، همه نیروها، گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی میهن‌دوست ایران بر او تاخند و اعتراض کردند و وفاق ملی را بر محور یک انگیزه سلبی به نمایش گذاشتند که بسیار ضروری و مفید بوده و بازتاب گسترده‌ای داشته است. اما تجلیل گسترده از خدمات دکتر سبحانی و شناخت ارزش و منش و بینش او، وفاق ملی بر محورهای ایجابی است که کارسازی آن به مراتب بالاتر و عمیق‌تر از نوع وفاق ملی سلبی می‌باشد.

اینجانب ضمن استقبال و تشکر از پیام‌های همدردی و تجلیل از آن بزرگوار، از طرف خود و یاران شادروان دکتر سبحانی، امید دارد که مسئولان و تصمیم‌گیرندگان کشور، با ادامه سیاست کاهش تنش‌های سیاسی و آزادی تمامی زندانیان سیاسی، پدیده آشتی و وفاق ملی را، به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر در شرایط بحران‌های کنونی، گسترش بدهند و جدی‌تر و عمیق‌تر سازند.

از خداوند باری تعالی برای دکتر یدالله سبحانی علو درجات و برای خانواده و دوستانش و ملت ایران صبر و تحمل آرزو می‌نمایم. با سلام بر بندگان صالح خدا.

دکتر ابراهیم یزدی

۱۳۸۱/۱/۲۶

## اطلاعیه دبیرکل نهضت در

### «بازگشت به میهن»

#### هموطنان عزیز

بعد از برنامه سفر کوتاه مهرماه سال ۷۹ به دعوت چند دانشگاه آمریکا برای ایراد سخنرانی، در آذرماه آن سال به هنگام سفر به شیکاگو برای بازگشت به ایران مطلع شدم که برای بررسی نتایج آزمایشهای انجام شده لازم است به مرکز پزشکی اندرسن در شهر هوستون (تگزاس)، مراجعت کنم. در طول سال گذشته بعد از مشخص شدن بیماری سرطان پروستات و درجه وخامت آن برنامه معالجاتم انجام شد. در مدت اقامت اضطراری در آمریکا، بازداشت دوستان نهضت آزادی ایران و سایر نیروهای ملی-مذهبی، موارد نقض حقوق اساسی ملت و انتشار مطالب خلاف واقع در رسانهها موجب نگرانی و تأملات شدید روحیم گردید. در حالی که ایران برمیگردم که علاوه بر ناراحتیهای جسمی، غم فراق دکتر یدالله سبحانی، اسوه و الگوی منش و سلوک اجتماعی و سیاسیام برای نزدیک به نیم قرن، بر دل سنگینی می‌کند و درگذشت این پیر صادق طریقت مردم‌سالاری و تساهل و تسامح و سازگاری و نمونه‌اعلای خدمت مستمر به ایران و اسلام بر تأثرات روحی‌ام، بسی افزوده است. برگشت اینجانب در حالی است که اگرچه بخشی از درمان بیماری‌ام به اتمام رسیده است ولی به علت اختلالات جدی فیزیکی به مراقبت‌های ویژه پزشکی، نیاز مبرم دارم و پزشکان معالجم تنها با این شرط با بازگشتم موافقت کرده‌اند که ادامه این مراقبت‌ها در تهران امکان‌پذیر باشد. در شرایطی که قدرت‌های یکه‌تاز جهانی در تدارک حادثه آفرینی‌های جدیدی در خاورمیانه هستند و خطرات جدیدی میهن‌مان را مورد تهدید بی‌سابقه قرار داده است، اینجانب بیش از پیش همچون گذشته تمایل دارم که در ایران و در کنار هموطنان خود و شریک غم‌ها و شادی‌هایشان باشم. اکنون که عازم برگشت به کشور هستم لازم می‌دانم از کلیه هموطنان عزیزی که در طول مدت بیماری‌ام از راه‌های دور و نزدیک، از ایران و خارج از کشور، با تلفن یا نامه بذل محبت نمودند و جویای سلامتی‌ام شدند، صادقانه و صمیمانه سپاسگذاری نمایم. کاهش تنشهای سیاسی که با آزادی دوستان نهضت آزادی ایران و فعالین سایر نیروهای ملی-مذهبی و دانشجویان آغاز گردید، اگرچه گام مثبتی در راستای وفاق و آشتی ملی محسوب می‌گردد، اما حق و صلاح کشورمان در این است که با توجه به شرایط بحرانی و خطرات تهدیدکننده با آزادی کلیه زندانیان سیاسی و تأمین حقوق اساسی ملت با اجرای اصول قانون اساسی، گام مؤثر و مفیدتری در راه ایجاد همبستگی و وفاق ملی و اصلاح چهره انقلاب و جمهوری اسلامی در افکار عمومی مردم ایران و جهان برداشته شود.

«حسبناالله و نعم الوکیل»

دکتر ابراهیم یزدی

پنج‌شنبه ۲۹ فروردین ۱۳۸۱

## اطلاعیه تشکر از تجلیل‌کنندگان از شادروان دکتر یدالله سحابی

من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق

شادروان دکتر یدالله سحابی، اسوه تقوی و انصاف، خدمتگذار صادق ایران و اسلام، آموزگار اخلاق سیاسی و سلوک اجتماعی به رحمت حق شتافت.

فقید سعید دکتر یدالله سحابی همراه با مرحومان آیت‌الله طالقانی و مهندس بازرگان، در اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۰ در تأسیس نهضت آزادی ایران مشارکت نمود و تا آخرین روزهای حیات پربار خود به عنوان عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران فعالیت مؤثری داشت و نقش پدر معنوی و الگوی مقاومت و ایستادگی را برای تمامی مبارزان راه آزادی، مردم‌سالاری و استقلال کشورمان، به نحو احسن ایفا نمود.

دکتر یدالله سحابی همراه با یاران و هم‌زمانش، بیش از نیم قرن در کنار مردم و همراه با مردم با رژیم ستمشاهی دست نشانده بیگانگان مبارزه کرد. در پیروزی انقلاب و سپس در شکل‌گیری و ساماندهی جمهوری اسلامی ایران نقش مفیدی داشت.

با درگذشتش جامعه سیاسی، فرهنگی و علمی کشورمان یکی از عزیزترین و با ارزشترین ذخایر فکری و معنوی خود را از دست داد.

نهضت آزادی ایران، لازم می‌داند، از مردم شریف و حق‌شناس ایران، مقام رهبری، ریاست جمهوری، ریاست مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس، اعضای دولت و سایر مقامات نظام، استادان و دانشجویان دانشگاهها، گروه‌ها، احزاب و نهادهای فرهنگی و اجتماعی، شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی و همچنین از مراجع عظام و علمای اعلام که به هنگام بستری بودن دکتر سحابی در بیمارستان و سپس به مناسبت درگذشت ایشان، در مراسم تشییع و تدفین و مجالس و یادبودهای متعدد در تهران، شهرستانها و خارج از کشور با حضور گسترده و یا صدور بیانیه و اطلاعیه، مراتب همدردی و قدرشناسی خود را از یک خدمتگذار صدیق و منصف ایران و اسلام ابراز نموده‌اند، صمیمانه تشکر نماید.

حیات آن فقید سعید، سرشار از خدمات بی‌شائبه بود و درگذشتش موجب خیر و رحمت و بروز امکان وفاق و تفاهم ملی گردید.

نهضت آزادی ایران امیدوار است در شرایطی که خطرات خارجی کشورمان را تهدید می‌کند، تنشهای سیاسی داخل پایان پذیرد، همه زندانیان سیاسی و مطبوعاتی آزاد گردند و همه گروه‌ها و احزاب، با حفظ مواضع اصولی خود در چارچوب احترام و التزام به قانون اساسی و اولویت دادن به منافع ملی بتوانند در توسعه سیاسی به عنوان پیش‌شرط توسعه اقتصادی مشارکت مؤثر داشته باشند.



نهضت آزادی ایران، دست تمام کسانی را که با تجلیل و تمجید از این پیشقراول اصلاحات و ناصح مشفق، خدماتش را پاس داشته‌اند، می‌فشارد و از خداوند باری‌تعالی برای آن فقید مبرور علو درجات، برای خاندان بزرگوار سحابی صبر جمیل و برای ملت ایران آرامش، امنیت، رفاه و توسعه مسئلت می‌نماید.

نهضت آزادی ایران

## گزارش مراسم بزرگداشت چهل و یکمین سالگرد تاسیس نهضت آزادی ایران

چهل و یکمین سالگرد تاسیس نهضت آزادی ایران روز پنجشنبه ۲۶ اردیبهشت در منزل آقای دکتر ابراهیم یزدی دبیرکل نهضت با حضور اعضا و خانواده زندانیان برگزار گردید.

در این مراسم پس از تلاوت آیات قرآن دبیرکل نهضت ضمن بیاناتی در بزرگداشت نام و خاطره بزرگان و در گذشتگان نهضت همچون مرحومین بازرگان، طالقانی، سحابی، رحیم عطایی، عباس رادنیسا، احمدعلی بابایی، دکتر مصطفی چمران، دکتر علی شریعتی و دیگران، چهل و یکمین سالگرد نهضت را نشان دیگری از بلوغ، پختگی و به بار نشستن اعتبار اجتماعی آن دانست. دکتر یزدی افزود: سال گذشته سال آزمون و ابتلا نهضت به شمار می‌رود و خداوند را شکر می‌کنیم که همه زندانیان، احضارشدگان، خانواده‌ها و همفکران از این آزمون سربلند و سرافراز بیرون آمدیم.

در این مراسم ضمن تقدیر از همراهی، شجاعت و فداکاری خانواده زندانیان نهضت از آقای دکتر احمد صدراج سیدجوادی بخاطر تلاشهای بی‌وقفه، پایمردی و شهامت نمادین در طول سال گذشته و در جریان دستگیری تقدیر و تشکر به عمل آمد و لوح یادبودی نیز به ایشان اهدا شد.

سپس دکتر ابراهیم یزدی تحلیلی از وضعیت سیاسی-اجتماعی روز جامعه ایران ارائه دادند.

وی اظهار داشت: دموکراسی در شرایطی تحقق می‌یابد که در جامعه نیروهای مختلف با پذیرش حق حیات برای یکدیگر و تحمل افکار متفاوت در کنار هم به فعالیت اجتماعی بپردازند. در شرایط کنونی وفاق ملی یک حتمیتی برای بیرون شدن از بن بست حاضر است. لکن وفاق ملی به معنای همه با من نیست بلکه نوعی رقابت جمعی بر اساس مقررات جامعه مدنی است.

وی افزود: جامعه، جامعه‌ای در حال گذار از وضعیت سنتی به مدرنیته است. امروز نمی‌توان نقش هیچ گروهی را کوچک شمرد و یا وزن آن را نادیده گرفت. اصلاح‌طلبان نیز باید حضور و وزن محافظه‌کاران را بپذیرند و همه در چهارچوب احترام متقابل به تعامل بپردازند. باید پذیرفت که تهدید ایران توسط نیروهای خارجی جدی است و حکومت ایران موظف است دو فعالیت عمده را پیشه سازد، یکی آنکه تنشها را در داخل از کشور به صفر برساند و دیگر آنکه شیوه‌های مناسب دیپلماتیک را در عرصه روابط خارجی در پیش گیرد.

پس از پایان سخنان آقای دکتر یزدی لوح تقدیری توسط اعضای نهضت به آقای مهندس محمود نعیم‌پور به جهت فداکاری‌ها و تحمل مرارت فرزندان نوجوان وی در طول یکسال گذشته اهدا گردید.

مهندس محمد توسلی سخنران دیگر مراسم بودند که ضمن قدردانی از تلاشهای برجسته خانواده‌ها و برخی از اعضا نظیر خانم صفا بیطرف در کوران دستگیری‌ها بویژه نقش برجسته و تاریخی دکتر ابراهیم یزدی که در شرایط بیماری از هیچ تلاشی برای رفع موانع نهضت فروگذار نکردند، از اهتمام برخی

مسئولین نظام جمهوری اسلامی نظیر ریاست جمهور، ریاست مجلس، وزیر اطلاعات، نمایندگان مجلس بویژه ریاست کمیسیون اصل نود و دبیر و اعضای کمیسیون ماده ده احزاب وزارت کشور و همچنین از خدمات ارزشمند وکلای نهضت آزادی در طول سال گذشته تشکر کردند و ضمن بیان ماندگاری نهضت و آثار فکری آن علیرغم موانع متعدد و حملات بیشمار سالهای پس از انقلاب به بیان خاطره‌ای از آخرین دیدار با دکتر سحابی پرداختند.

مراسم با اجرای سرود ای ایران توسط اعضای جوان نهضت آزادی خاتمه یافت.

## اطلاعیه نهضت آزادی ایران بمناسبت

### چهلمین روز درگذشت شادروان دکتر یدالله سحابی

یاد دکتر سحابی، مردی از قافلهٔ ظلمت‌ستیزان که وجود خویش را هیمةٔ افروخته‌ای برای روشنگری، ارتقاء فرهنگ و دیانت و تنویر افکار ساخت، در ساحت اندیشه‌ها زنده و باقی است. زیرا اندیشهٔ اصلاح و اصلاحگری به رغم مدعیانی که مساعی خویش را در اطفاء آن بسته‌اند، چراغی ایزد افروخته و مشکاتی پرفروغ و جاوید است.

همچنانکه تلاشهای بازرگان، طالقانی، شریعتی، چمران و دیگر بزرگان وادی روشنفکری در گنبد افلاک تا همیشه تاریخ طنین‌افکن است.

نهضت آزادی ایران، به مناسبت چهلمین روز درگذشت دکتر یدالله سحابی از همگان دعوت می‌نماید، در مراسم بزرگداشت آن وارسته فضل و آداب که در روز پنجشنبه دوم خرداد از ساعت ۵:۳۰ بعدازظهر در حسینیه ارشاد برگزار می‌گردد، شرکت فرمایند.

نهضت آزادی ایران

## «اظهار همدردی با آسیب‌دیدگان زلزله استان‌های قزوین و همدان»

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ

ضایعات انسانی و مادی زلزله روستاهای استان‌های قزوین و همدان موجب تألم و تأثر همگان گردید. نهضت آزادی ایران، این مصیبت را به ملت شریف ایران به ویژه خانواده‌های داغدار و آسیب‌دیدگان این استان‌ها تسلیت می‌گوید.

به دلیل قرارگرفتن ایران بر روی گسل‌های زلزله، کشور ما هر از چند گاهی با چنین فاجعه‌های بزرگی مواجه می‌گردد. در گذشته اکثر این حوادث، خسارت‌های انسانی و مالی زیادی در بر داشته که متأسفانه به دلیل ساختمانهای سنتی و کم‌مقاومت در روستاها، پیامد تأسف بار این حوادث بیشتر متوجه هموطنان ساکن روستاها می‌گردد و بدلیل تعداد زیاد و پراکنده بودن آنها، دولت قادر به رفع نیاز آسیب‌دیدگان در کوتاه مدت نمی‌باشد. اینگونه حوادث و بلایای طبیعی یک بسیج عمومی و ملی را می‌طلبد.

چهل سال قبل در همین ایام زلزله مشابهی محدوده بویین‌زهرا در استان قزوین را به لرزه درآورد که خسارات انسانی و مالی مشابهی به بار آورد. در آن سال سازمانهای سیاسی به ویژه جنبش دانشجویی با بسیج عظیم نیروهای مردمی توانستند نقش مؤثری در کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان و بازسازی خرابیها داشته باشند که خاطرات آن در تاریخ و حافظه تاریخی آن نسل ثبت شده‌است.

نهضت آزادی ایران، از هموطنان عزیز می‌خواهد که در صورت امکان نسبت به تشکیل گروه‌های کمک‌رسان اقدام و با کمک‌های مالی و انسانی خود از طریق مراکز جمع‌آوری کمک‌های مردمی، خواهران و برادران آسیب‌دیده زلزله اخیر را یاری رسانند و در برنامه بازسازی روستاهای تخریب‌شده به نحو مقتضی مشارکت نمایند.

نهضت آزادی ایران

## وفاق ملی

### مبانی نظری و راه کارهای عملی

#### چرا و چگونه؟

باید گروهی از شما باشند که دعوت به نیکی کنند و امر به آنچه شایسته و نهی از آنچه ناپسند است، بنمایند، و آنان رستگارند. شما همچون کسانی نباشید که با آنکه نشانه‌های روشن بر آنها آشکار گردیده، پراکنده شدند و اختلاف ورزیدند. آنها را عذابی بزرگ است<sup>۱</sup> (آل عمران ۱۰۴ و ۱۰۵)

از مهمترین عواملی که وفاق، همدلی، همکاری و وحدت ماههای قبل و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران را به تدریج تضعیف کرد و از بین برد، در پیش گرفتن سیاست‌های نفی، طرد و حذف و بروز و تشدید تضادها و تعارض‌های ناشی از آن بود. این تضادها و تعارض‌ها و شیوه‌های برخورد با آنها از مهمترین موانع توسعه و پیشرفت جامعه در سال‌های بعد گردید. دامنه تضادها و اختلاف‌ها تنها محدود به تنش‌های سیاسی بین حکومت و جناح‌های سیاسی نگردید، بلکه امور اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی و ارزشی را از فرد و خانواده گرفته تا سطوح مدیریتی جامعه در بر گرفت و حتی بر روابط خارجی آثار گسترده‌ای بر جای گذاشت و موجب تهدیدات و واکنش‌های زیان بار، گسترده و حاد گردید.

وجود تعارض‌ها و دوگانگی‌ها، در گفتار و کردار، نیز بر رنج و نارضایتی ملت افزود. در حالی که مبانی ارزشی انقلاب اسلامی را ایمان، آزادی، عدالت و صداقت تشکیل می‌داد، مردم در عمل شاهد دروغ، تبعیض، ظلم، فساد و فقر بودند. این دوگانگی‌ها نیز ضربات سنگینی بر اعتبار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران وارد ساخت.

در پاسخگویی به این انحرافات، مردم ایران در یک اقدام شگفت‌انگیز، نارضایتی و اعتراض شدید خود را نسبت به سیاست‌های گذشته و امیدآوری خود را نسبت به اصلاحات آینده در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ نشان دادند. در انتخابات شوراهای و مجلس ششم نیز اعتراض و عدم رضایت خود را نسبت به سیاست‌ها و عملکردهای قبل به روشنی اعلام داشته، مجدداً در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۰ بر اعتراض و عدم رضایت خود و اصرار بر اصلاحات پای فشردند و نشان دادند که ضمن وفاداری به

<sup>۱</sup> وَأَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱۰۴) وَأَلْتَكُونُوا أَكَاذِبِينَ تَقْرَأُوا وَآخْتَلَفْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۰۵)

ارزش‌های انقلاب و نظام جمهوری اسلامی خواهان توسعه سیاسی و تحقق جامعه مدنی هستند . هر چند با انتخات رئیس جمهوری و نمایندگان معتقد به اصلاحات، تحولات ارزشمندی در راستای تحقق اصول و آرمانهای جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت، لیکن با بروز مقاومت‌های قابل پیش‌بینی، اختلافات موجود در بین جناح‌ها نه تنها کاهش نیافت، بلکه فزونی نیز گرفت و نه تنها مانع توسعه و پیشرفت مطلوب شد، بلکه به انسداد نیروهای سیاسی نیز منتهی گردید.

انسداد سیاسی مذکور دو ویژگی دارد: ویژگی اول این که، هر یک از نهادها و نیروهای سیاسی رقیب، محافظه‌کار و اصلاح‌طلب، تمامی تلاش‌ها و امکانات خود را بکار گرفتند تا حریف و رقیب را منزوی و قانع به سهم خود ساخته و یا از صحنه بیرون کنند و اقداماتش را فلج سازند، اما نتوانستند. ویژگی دوم این است که مناسبات قدرت میان هر یک از نهادها و نیروهای سیاسی به گونه‌ای شکل گرفته است که هر کدام از این نیروها و نهادها اگر هم بتواند رقیب را از صحنه خارج کند، خود نیز با او سقوط خواهد کرد. بقا و حیات هر کدام به بقا و حیات گروه و نهاد رقیب بستگی پیدا کرده است. بنابراین وضعیتی بوجود آمده که هیچکدام نمی‌توانند گامی برای حذف رقیب بردارند.

در چنین شرایطی، نیروها و نهادها یا سیاست صبر و انتظار در پیش گرفته‌اند و روزمرگی جو غالب شده است یا آن که هنوز به تقابل‌ها و تشنج‌آفرینی‌ها ادامه می‌دهند. این امر خود به تشدید بحرانها، بخصوص تشدید بحران اقتصادی و گسترش بحران اجتماعی منتهی شده و باعث ائتلاف منابع و تهدید امنیت ملی و تضعیف دولت و ملت و کشور گردیده است. شرایط مذکور، همراه با تشدید تشنجات درهمسایگان و تهدیدهای خارجی، بویژه از سوی آمریکا. موجب شد که بسیاری از مقامات و مسئولین و بسیاری از جناحهای سیاسی به ضرورت وفاق ملی، به عنوان راه حل اساسی بحران‌های موجود، بیش از پیش توجه نموده و روی آوردند.

برای برون‌رفت از این وضعیت نامطلوب بحرانهای اجتماعی، انسداد سیاسی و تهدیدات و خطرات خارجی، دو راه حل اساسی وجود دارد: در محور داخلی، کاهش تشنجات سیاسی با قبول ضرورت وفاق ملی با همه پیش‌نیازها و الزامات اجتناب‌ناپذیر آن و تمرکز امکانات همه نهادها و نیروها بر حل مسائل اجتماعی اقتصادی، فرهنگی و اخلاقی جامعه. در محور خارجی، ضروری است نگرش تصمیم‌گیرندگان به مناسبات سیاسی بین‌المللی، بخصوص بعد از رخداد شهریور ۱۳۸۰ تغییر نماید و سیاستی متناسب به منظور بهره‌گیری از تمام امکانات داخلی و بین‌المللی اتخاذ گردد. این گونه تهدیدها با توجه به موقعیت استراتژیک ایران هم قابل پیش‌بینی و هم قابل پیشگیری به موقع می‌باشد و می‌توان برای احتراز از آن تدابیری اندیشید.

نهضت آزادی ایران ضرورت حیاتی "وفاق ملی" را بعنوان یک پیش فرض اساسی برای سلامت و پیشرفت و توسعه جامعه پذیرفته، نیازی به اثبات آن از طریق تشریح مسائل، بحرانها، تضادها و تهدیدات جامعه ایران با ارائه آمار و ارقام گوناگون نمی‌بیند و توجه خود را به چگونگی دست یافتن به چنین وفاقی معطوف می‌دارد. اما با توجه به این واقعیت که ملت ایران در سده اخیر دوره‌های کوتاه وفاق را در صدر مشروطیت، نهضت ملی ایران، فرارشاه، پیروزی انقلاب، مقاومت افتخارآمیز و بی‌سابقه در برابر تهاجم عراق و متحدانش، فتح باشکوه خرمشهر، و جنبش دوم خرداد ۷۶ تجربه کرده است و این دوره‌های کوتاه،

همچون شهاب‌هایی در آسمان تاریخ کشورمان درخشیده و ناپدید گردیده‌اند، از خود سوال می‌کند که دست یافتن به وفاقی مطمئن و پایدار، به ویژه در شرایط متغیر و در متن تحولات شدید جهانی، در عصر ماهواره و انقلاب الکترونیک و انفجار اطلاعات، چگونه میسر است و شرایط لازم برای تحقق آن چیست؟ برای پاسخگویی به این سئوالات باید ابتدا معنی و مفهوم وفاق ملی و تفاسیر مختلفی را که در اذهان از آن وجود دارد روشن ساخت و نشان داد که کدام یا چه قرائتی از "وفاق" می‌تواند کشور را از انسدادها بیرون بیاورد و به راه مستقیم توسعه و کمال هدایت نماید و چگونه می‌توان به آن دست یافت.

نهضت آزادی ایران با توجه به مثنی تاریخی "شاهد و واسط" خود، که برگرفته از این کلام الهی است که فرمود: "و بدینگونه شما را امتی میانه‌رو گردانیدم تا نمونه برای مردم باشید و پیامبر نمونه برای شما (بقره-۴۳)"<sup>۱</sup>، رسالت و وظیفه خود می‌داند که چون گذشته در این مقطع حساس از تاریخ ایران به رغم محدودیت‌ها و رنج‌های تحمیل‌شده بر آن، تلاش خود را به عمق و غنای بیشتر و پیشرفت و موفقیت جریان وفاق ملی معطوف کند. به این منظور در این مقاله به بررسی مفهوم "وفاق"، نگرش‌های مختلف نسبت به وفاق ملی، موانع وفاق ملی و نقش مطلوب حکومت، گروه‌ها و جناح‌های سیاسی در تحقق وفاق ملی، از دیدگاه خود، می‌پردازد.

### مفهوم وفاق

لغت‌نامه دهخدا کلمه وفاق را یک‌دلی، یک‌جهتی و ضد نفاق معنی کرده است و برخی دیگر از کتاب‌های لغت نیز وفاق را یک‌دلی، همکاری، مدارا، همراهی و سازواری و آن را مقابل "نفاق" معنی نموده‌اند.<sup>۲</sup> در فرهنگ سیاسی حداقل مفهومی که وفاق به ذهن متبادر می‌سازد، کاهش و رفع اختلاف و خصومت و افزایش میزان تحمل و مدارای جناح‌های سیاسی است. برخی از جامعه‌شناسان وفاق اجتماعی را در عام‌ترین معنای خود به صورت‌های زیر تعریف کرده‌اند:

مشارکت داوطلبانه و پیوستن به آرمان‌ها و ارزش‌های مشترک و عمومی بر مبنای قبول قواعد اجتماعی و پیوندهای عاطفی و مشترک ملی، که به تعامل و همگرایی و عمل مشترک منجر شود. اولویت قائل شدن برای منافع عمومی و ملی در برابر رجحان‌های موضعی و گروهی ... نوعی توافق و تفاهم در مقیاس ملی و قبول یک سلسله قواعد و اصول و ضوابط رفتاری و خودداری از تحرکات و کنش‌هایی که موجب گسستگی و پراکندگی گردد. احساس مشترک و هم‌پیمانی برای تراکم انرژی و برخورداری از کمک عقل جمعی برای دست یافتن به پیروزی و توفیق ملی و حفظ حیثیت ملی و کیان نظام سیاسی.

پیش فرض تعاریف فوق قبول وجود اختلافات در جامعه از یک سو و ضرورت رفع آنها از طریق توافق، برای هدفی بالاتر، در این مورد حفظ منافع ملی، از سوی دیگر است. ولی آنچه در تعاریف فوق مورد توجه و تاکید قرار نگرفته است ضرورت یکدلی و یک‌جهتی و احتراز از نفاق (دوگانگی در حرف و عمل) در برخورد با حقوق مردم و اختلافات میان گروه‌ها است. از این رو وفاق را می‌توان به صورت زیر

۱ وکذالک جعلناکم امهً وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول علیکم شهیداً ...

۲ لغت‌نامه دهخدا، فرهنگ معین و فرهنگ معین



تعریف کرد:

”پرهیز از نفاق و دوگانگی و روی آوردن به صداقت، صمیمیت و یگانگی در فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی، در جهت آرمان‌های مشترک“

اینک با توجه به تعاریف فوق از ”وفاق“، سعی می‌کنیم که چهار نگرش یا برخورد را نسبت به این موضوع مهم ارائه و بررسی نماییم. این نگرش‌ها عبارتند از: وفاق بعنوان یک ضد ارزش، وفاق بعنوان یک تاکتیک، وفاق بعنوان یک استراتژی، وفاق بعنوان یک ارزش.

### وفاق بعنوان یک ضدارزش (نگرش انحصارطلبانه)

افراد و گروههایی که دارای این نگرش هستند، ایده‌آل و آرمانهای خود را در گذشته دور و نظام و روابط و مناسبات مندرس قبل از انقلاب اسلامی ایران می‌جویند و با اصول و ارزش‌های انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران مخالف و معتقد به براندازی نظام و در رؤیای تحقق گذاشته‌اند. از آنجا که کاهش تشنجات سیاسی و تحقق وفاق عملاً ”براندازی“ را منتفی می‌سازد، این گروه‌ها نه تنها با وفاق مخالفند، بلکه دست به هر کاری برای شکست آن می‌زنند. علاوه بر این، این گروه‌ها علیرغم ادعای تجدد و تمدن، تغییرات و تحولات جامعه بشری و اندیشه‌ها و نیازهای نوین را در برابر ارزش‌ها و خواسته‌های ارتجاعی و گذشته‌گرایی خود پذیرا نیستند. اما گروه‌های دیگری هم هستند که خواهان براندازی نیستند ظاهراً از نظام جمهوری اسلامی دفاع می‌کنند، اما با تساهل و تسامح و وفاق به معنی مدارا و تحمل مخالف و آن را قبول ندارند و حاضر به گفتگو و تفاهم با دیگران نیستند. خواهان وحدت از نوع ”همه بامن“ می‌باشند. و در این راه از کاربرد خشونت، زور، و روش‌های نامشروع و غیرقانونی ابایی ندارند. محافظه‌کاران خردگرایز و گروه‌های خشونت‌طلب را که معتقد به النصر بالرعب (پیروزی با وحشت) و حرکت قسری یا تحمیل عقاید خود با زور هستند می‌توان متعلق به این نگرش دانست. این گروه اگر هم از وفاق صحبت می‌کنند آنرا در قالب ”همه با من“ می‌خواهند. کسانی هم که برای بازسازی گذشته‌ای که زمان آن سپری گردیده است دم از وفاق و وحدت می‌زنند، تجربه گذشته نشان می‌دهد که اگر مجال زعامت بیابند در استقرار حکومتی جبار و مستبد و تنگ‌نظرانه پروایی نخواهند داشت.

پایه‌های تفکر و نگرش انحصارطلبانه خودبینی، خودشیفتگی، خود بزرگ‌بینی و به تعبیر قرآن استکبار است. خصلتی که به طور طبیعی به آزمندی، تکاثر و تمنای فزونی قدرت، ثروت و شهوت منتهی شده، فرد هویت خود را در نفی اراده، سلیقه و نهایتاً هستی دیگران می‌بیند. از تجلیات خودشیفتگی فقدان توجه اصیل به عالم برون و عدم ارتباط صحیح با دیگران است و عدم پذیرش انتقاد و استحاله واقعیت به نحوی که با خودبزرگ‌بینی فرد تطابق یابد. حکما و خردمندان ما را از این خوی بازداشته‌اند.

تواضع سررفعت افرازدت

تکبر به خاک اندر اندازدت

بگردن فتد سرکش تندخوی

بلندیت باید بلندی مجوی

ز مغرور دنیا ره دین مجوی

خدابینی از خویش‌ترین مجوی (۱)

مرحوم مهندس بازرگان نیز خودپرستی را در مقابل خداپرستی قرار داده و از آن به عنوان بزرگترین

آفت جوامع بشری نام می‌برد:

” برای این که متکبر مرتکب بزرگترین اشتباه شده وجود بینهایت بینهایت کوچک خود را در برابر جهان بینهایت بینهایت بزرگ به چیزی می‌گیرد و بزرگ می‌شمارد ... (در نتیجه) لگدمال و بیچاره‌ترین بیچارها خواهد شد و کارش روز بروز مشکلتر می‌شود: **وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَىٰ (لیل ۸۹، ۱۰)**“<sup>۱</sup>

روی سوی قبله خودپرستی آوردن، منصب صاحب‌جاهی طلب کردن، نهایتاً به جهت‌گیری مرگ‌پرستانه، خشونت و خسارت و ضدیت با حیات و زندگی منتهی می‌گردد. این خصیصه راهی برای گفتگو، تفاهم، ائتلاف و اتحاد باقی نمی‌گذارد و نهایتاً آدمی را در چاهی خود ساخته واژگون می‌سازد. وفاق ملی ”همه با هم“ است نه ”همه با من“.

#### **وفاق بعنوان یک تاکتیک (نگرش محافظه‌کارانه)**

افراد و گروههایی که دارای این نگرش هستند از وضع موجود راضی و بهره‌مند بوده، مخالف بازگشت به گذشته و یا تحولات و تغییرات اصلاح‌طلبانه هستند و خواهان ادامه شرایط موجود می‌باشند. این گروهها برای وفاق ارزش ذاتی قائل نبوده، حاضر نیستند که در شرایط عادی و غیربحرانی گامی در جهت تحقق آن بردارند. این افراد و گروهها تحت شرایط حاد و بحرانی که دلالت بر بن‌بست یا انسداد دارد و در هنگامی که بقاء، حیات و قدرت آنان از ناحیه دشمنان خارجی و یا رقبای داخلی تهدید شود، اجباراً حاضر به گفتگو و یا حداقل تغییر در مواضع و عملکرد خود می‌شوند. این گروهها از ”وفاق“ به منظور حفظ جایگاه و قدرت خود، بعنوان یک ابزار یا تاکتیک، استفاده می‌کنند. برخورد این گروهها با مسائل بحران‌زا می‌باشد. اینان، با زندگی در بحران خو گرفته، و بقای آنان در حادثه‌آفرینی و استمرار بحران‌ها است. این گروهها در شرایط استفاده از یارانه‌های گسترده، مجوزهای تجاری مخصوص (برای واردات)، رانته‌های بی‌حساب و در غیاب ارزیابی عملکردشان قادر به حفظ و بقای خود می‌باشند. تمایل بخشی از این گروهها برای گفتگو و وفاق، به امید باز کردن افقی گسترده‌تر و هدفهایی بزرگتر، به ویژه برای طیف خردگرای این گروهها، بایستی مورد استقبال سایر گروههای معتقد به وفاق قرار گیرد.

#### **وفاق بعنوان یک استراتژی (نگرش اصلاح‌طلبانه)**

افراد و گروههایی که به وفاق ملی بعنوان یک استراتژی می‌نگرند، اعم از اصلاح‌طلبان درون یا بیرون حاکمیت و یا محافظه‌کاران خردگرا برای مقابله با انسدادهای داخل و تهدیدات خارج و بهره‌برداری از فرصت‌های محتمل، رفع اختلاف‌ها و تضادها و ایجاد همکاری بین گروهها را برای نیل به هدفها مفید دانسته، آنرا تجویز می‌کنند. در این نگرش وفاق ملی، بعنوان یک استراتژی، در جهت حفظ منافع و امنیت ملی مورد توجه قرار می‌گیرد. این نگرش نه تنها گفتگو و تعامل بین گروههای مختلف سیاسی را مجاز و مفید می‌داند بلکه گفتگوی میان همه گروهها را پیش‌شرط اجتناب‌ناپذیر حصول به ”وفاق ملی“ می‌داند.

تنش‌های سیاسی بیش از آنکه نتیجه اختلافات فکری و مواضع سیاسی باشد، حاصل هم‌کنشی‌ها و یا تقابل‌های غیر مدنی و خشونت‌بار است. از این دیدگاه، تن دادن به وفاق ملی یعنی قبول مقررات و قوانین تقابل‌های سیاسی مدنی، پرهیز از خشونت، احترام، تحمل و مدارا نسبت به سایرگروهها، در چارچوب اصول تعریف شده.

۱ (از خدا پرستی تا خودپرستی مجموعه آثار ۸ ص، ۱۷)

در این نگرش جامعه بشری علی‌الاطلاق جامعه متکثر و چند صدایی به شمار می‌آید و اختلاف و تفاوت‌های فکری و ایدئولوژیک در جوامع انسانی ناشی از ماهیت انسانی آن‌ها در نظر گرفته می‌شود، بخصوص در جوامعی که در حال انتقال و گذار هستند این اختلافات و تشتت آرا به مراتب بیشتر و جدی‌تر است. در چنین جوامعی وفاق الزاماً به معنای دست برداشتن از اختلافات و یا ختم تقابل‌ها، آن هم در کوتاه مدت، نیست. قبول وفاق یعنی تسامح و تساهل و سازگاری از یک طرف و تعامل و همکنشی مدنی میان نیروها از طرف دیگر.

### وفاق به عنوان یک ارزش (نگرش حکیمانه)

این دیدگاه، ضمن تایید دیدگاه اصلاح‌طلبانه، دامنه وفاق را به افق‌های بازتر، و ارزش‌ها و اهداف و آرمانهای بلندتری گسترش می‌دهد. از این دیدگاه «وفاق» به معنی «ضد نفاق» است. به معنای راستی، صداقت، محبت و یگانگی است. در این نگاه، مشکلات و بحران‌های سیاسی-اجتماعی و اقتصادی ناشی از اختلاف در اندیشه‌ها، نگرش‌ها و دیدگاهها نیست، بلکه ناشی از تعارض‌های بین گفتارها و کردارها است. همانطور که قبلاً اشاره شده. اختلاف لازمه جامعه بشری بوده، در صورت برخورد صحیح با آن موجب رقابت و پیشرفت می‌گردد، نه خصومت و عقب‌افتادگی. ولی نفاق، دوگانگی، و تعارض در سطوح مختلف جامعه، از فرد و خانواده تا سازمانهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی فرهنگی و دینی موجب مشکلات و بحرانها و انسداد می‌گردد. از این دیدگاه، «وفاق» فقط یک مفهوم سیاسی نیست، بلکه مفهومی است اخلاقی و ارزشی که کلیه مناسبات زندگی آدمی را تحت تاثیر مستقیم قرار می‌دهد. بویژه، یکی از عوامل مهم ایجاد مسائل و بحرانهای سیاسی ناشی از زوال و انحطاط ارزشهای اخلاقی وفاق و جایگزین شدن آنها با فزون‌طلبی در ابعاد قدرت، ثروت، شهرت، لذت ... است.

هنگامی که قدرت‌طلبی، ثروت‌اندوزی، شهرت‌طلبی و بطور کلی دنیاطلبی از یک سو، با ادعاها، شعارها، اهداف و اصول اعلام شده از سوی دیگر در تعارض قرار می‌گیرند افسردگی و بی‌اعتمادی را در کلیه سطوح جامعه اشاعه می‌دهند. در چنین جامعه‌ای مردم عمدتاً نقاب بر چهره می‌زنند. آنچه دیده می‌شود با آنچه در زیر نقاب است تفاوت دارد. این تعارض‌ها روح فردی و جمعی جامعه را بیمار و فرسوده می‌سازد.

ولی نگرش حکیمانه آموزه‌های اخلاقی-دینی و تجربیات بشری را ارج می‌نهد و رمز ماندگاری تمدن‌ها و نظام‌های اجتماعی را اتفاق، انسجام و همدلی می‌داند و معتقد است آدمی هویت و فردیت خویش را در وفاق و یگانگی با هستی و تجلیات الهی در ائتلاف با آدمیان دیگر، که هر یک پاره‌ای از روح الهی و بخشی از حلقه‌های انفکاک ناپذیر هستی‌اند، باز می‌یابد.

از این دیدگاه وفاق ریشه در نظریه عرفانی محبت و الفت دارد :

نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود      زمانه طرح محبت نه این زمان انداخت (۱)

وفاق دریچه‌ای به پرواز روح انسانی به آسمانهای کمال است و نفاق و خلاف کاری شیطانی.

از وفاق ادب بر زمین برآسمان      وز خلاف ابلیس در رفت از بهشت اندر سقر (۲)

\*\*\*

تفرقه در روح حیوانی بود

نفس واحد روح انسانی بود<sup>۱</sup>

از این دیدگاه آدمیان با اختلافات طبیعی و تفاوت‌های اندیشه مکمل یکدیگر بوده، پایداری و قوام خود را در وجود بی‌گزند مخالف می‌بینند و معتقدند “من هستم”، زیرا “توهستی”، ترا نفی نمی‌کنم، تا خود نیز نفی نشوم.

از دیدگاه حکیمانه، وفاق تنها به منظور دوری و احتراز از خشونت و خسارات ناشی از آن گرامی شمرده نمی‌شود، بلکه بدلیل نقش اساسی آن در ایجاد سلامت روانی افراد، یکپارچگی و همکاری بین آحاد مردم و نهادهای اجتماعی و تسهیل فرآیند رشد و توسعه و ارتقاء سطح کیفیت زندگی است که ارزشمند تلقی می‌گردد. از این رو فرایند وفاق محدود به گفتگوهای سیاسی و ائتلاف‌ها و اتحاد گروههای سیاسی نیست، بلکه کلیه امور خیر را در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، علمی و ... در بر می‌گیرد، و به طور غیرمستقیم نیز فضای سیاسی جامعه را تلطیف می‌نماید. وفاق و مدارا از ویژگی‌های انسانهای آزاده است و بدون انسانهای آزاده، جامعه‌ای آزاد و سالم تحقق نمی‌یابد. یکی از محصولات وفاق در جامعه، نظام سیاسی مشارکت‌آمیز و مردم‌سالاری به معنی عمیق کلمه است. از این لحاظ نظام سیاسی رونمای نظام اخلاقی- فرهنگی جامعه بشمار می‌رود.

### سطوح وفاق ملی

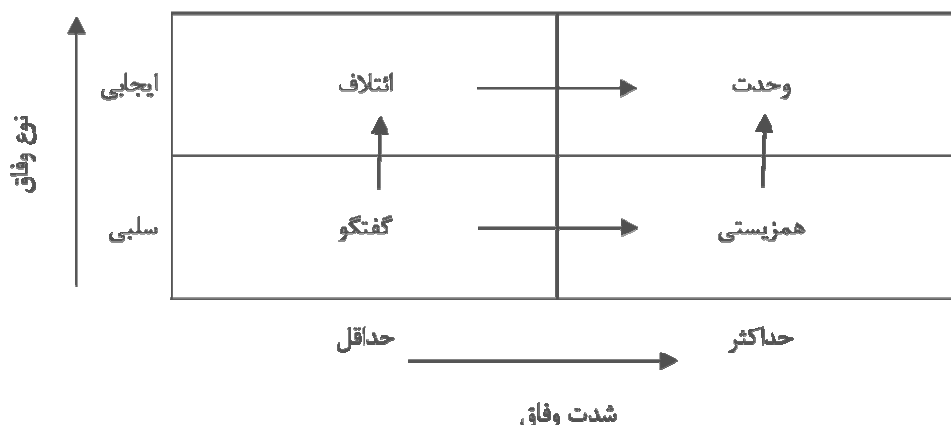
بعضی وفاق را به معنی توافق کامل در همه امور، بویژه در اعتقادات، اهداف و راه‌های نیل به آنها می‌دانند، به ضرورت درجات یا سطوح متفاوت وفاق در جامعه بی‌توجه بوده، جامعه را به “خودی” و “غیرخودی” تقسیم می‌کنند و وفاق را تنها میان خودی‌ها قابل طرح می‌دانند. نگاهی به مبانی و آموزه‌های قرآن و سنت و سیره پیامبر(ص) و علی(ع) سرشار از توصیه و تاکید بر مشترکات، مشاوره و تبادل نظر و گفتگو با همه قشرها و گروهها و رعایت حقوق اجتماعی و مدنی کلیه گروههای اجتماعی، اعم از مومن و اهل کتاب و حتی ناباوران می‌باشد و به ویژه بر رابطه مدنی حکومت با کلیه گروههایی که نظم اجتماعی حاکم را پذیرفته‌اند تاکید می‌نماید.<sup>۲</sup> بدیهی است “وفاق” بین گروههای سیاسی درجات یا سطوح مختلف دارد ولی همه آنها برای آرامش و توسعه جامعه مفید و لازم است. شناخت این سطوح به پیشرفت فرآیند وفاق در جامعه کمک می‌کند. وفاق می‌تواند از لحاظ دامنه و اهداف حداقلی یا حداکثری باشد و از لحاظ

۱ مولانا

۲ بررسی موضوع “وفاق” از دیدگاه اسلام، که پیامبر گرامی آن (ص) رسالت خود را کامل کردن مکارم اخلاق اعلام می‌دارد (بعثت لاتمم مکارم الاخلاق) نیازمند فرصت و نشریه جداگانه‌ای است و در اینجا به ذکر نمونه‌های از آیات و نقل قول‌ها اکتفا می‌شود.

- واعتصموا بحبل الله جمعاً و لاتفرقوا (آل عمران- ۱۰۳)
- فاعف عنهم و استعفروهم و شاورهم فی الامر (آل عمران - ۱۵۹)
- خذ العفو و امر بالمعروف و اعرض عن الجاهلین (اعراف - ۱۹۹)
- قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الله و لا نشیرک به شیاً ولا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله فان تولوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون (آل عمران- ۶۴)
- و أشعر قلبک الرحمة للرحیه، و المحبة لهم، و اللطف بهم، و لا تكونن علیهم سبعا ضا کارباً تغتنم اکلهم، فانهم صنفان: اما آخ لک فی الدین أو نظیر لک فی الخلق (نهج البلاغه- نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر)

نوع همکاری بین گروهها و جناح‌های سیاسی سلبی یا ایجابی باشد. از این رو نیز چهار نوع نگرش نسبت به وفاق وجود دارد: (۱) “حداقلی- سلبی” (۲) “حداقلی- ایجابی”، (۳) “حداکثری- سلبی” و بالاخره (۴) “حداکثری- ایجابی”. نمودار زیر چهار حالت یا نگرش مذکور را نشان می‌دهد.



نمودار ۱

### سطوح فرآیند وفاق ملی

حداقل شرایط لازم برای وفاق برای هر یک از درجات فوق، قبول سازگاری با یکدیگر، پای‌بندی به همکاری‌های مدنی و پرهیز از هر نوع خشونت و تمامیت خواهی است.

توضیحی درباره حالات چهارگانه به شرح زیر لازم است:

حالت “حداقلی- سلبی” مبتنی بر گفتگو و تفاهم و یا همکاری میان گروهها و جناحهای مختلف بر محورهای سلبی موقتی نظیر موضع‌گیری علیه یک دشمن واقعی یا فرضی مشترک است. این نوع وفاق موقتی و گذرا و فاقد سازندگی و خلاقیت است.

حالت “حداقلی- ایجابی” مبتنی بر گفتگو و تفاهم برای تحقق پاره‌ای از اهداف مشترک کوتاه مدت است. وفاق در محور ایجابی حتی در کوتاه مدت عمیق‌تر بوده، سطح و پیوستگی بالاتر و ماندگارتری از همدلی و همکاری را نشان می‌دهد. وفاق در چنین سطحی ممکن است منجر به ائتلاف میان گروههای ناهمگن و در مواردی مانند ائتلاف در انتخابات یا اتحاد برای دفاع مشترک از کشور در برابر یک دشمن خارجی گردد.

حالت سوم نگرش “حداکثری- سلبی” حالتی است که گروهها براساس اصل “همزیستی مسالمت‌آمیز” براین باورند که هیچیک به تنهایی قادر به حفظ و بقاء و تحقق اهداف خود و جامعه نیستند، مگر از طریق حضور و فعالیت همزمان دیگر گروهها. در این نگرش احزاب و جناحهای سیاسی در چارچوب ضوابط قانونی و با حفظ احترام متقابل با یکدیگر به همکاری می‌پردازند و ضوابط قانونی و تعامل مدنی بر رفتار آنها حاکم می‌باشد.

حالت چهارم نگرش “حداکثری- ایجابی” بوده، وضعیتی را نشان می‌دهد که بین گروههای مختلف نه تنها توافق و تفاهم مطلوب در ارتباط با آرمانها، اهداف و خط‌مشی‌ها حاصل شده‌است، بلکه در جهت تحقق

خواسته‌های ملی نقش و وظیفه هر یک از گروه‌ها تعریف و طراحی گردیده و هر یک از آنان از نقشی که در توسعه (سیاسی- فرهنگی- اقتصادی) کشور ایفاء می‌نمایند، راضی و خرسندند و در تعامل و همکاری فعال بین گروه‌ها و جناح‌های سیاسی برای تحقق اهداف مشترک تلاش می‌نمایند. در این نگرش نیل به وحدت، آرمانی است که کلیه جناح‌ها و گروه‌های سیاسی آنرا پذیرفته و در راستای آن می‌کوشند. از آنجا که "وحدت" کامل وضعیتی قابل حصول، در کوتاه مدت نیست، در این نگرش "وفاق" فرآیندی است که به پیشرفت مستمر گروه‌ها و جناح‌های مختلف در نزدیک شدن به "وحدت" کمک می‌کند. اگر چه "وحدت" وضعیت مطلوبی است، اما قابل حصول کامل نیست و امکان تحقق آن، بویژه در ابتدای فرآیند وفاق، آن هم به طور "دستوری"، ممکن نیست.

نگرش حداکثری- ایجابی و نگرش خردگرایانه (حکیمانه) که قبلاً به آنها اشاره شده دارای ویژگی‌های مشترک و فراگیرتری نسبت به سایر نگرش‌ها هستند و به لحاظ اهمیت آنها از دیدگاه اعتقادی و عملی در اینجا مورد بررسی بیشتری قرار می‌گیرند.

در این نگرش اگر چه، به شرایط محیطی و تهدیدات خارجی، مانند احتمال حمله آمریکا توجه می‌شود ولی این تهدیدات علت دعوت گروه‌ها به گفتگو نیست. ممکن است این تهدیدات یکی از شرایط تشدید کننده باشد، ولی بهیچوجه شرط لازم یا کافی نیست. دلیل دعوت به گفتگو بین جناح‌ها و گروه‌ها ضرورت آن بعنوان اولین قدم در فرآیند وفاق است.

همچنین در این نگرش به تهدیدات سایر گروه‌ها و جناح‌های سیاسی و خطراتی که آنها ایجاد می‌کنند، به ویژه گروه‌های تندرو توجه می‌شود، ولی دلیل دعوت به وفاق و همزیستی ترس از حملات آنان نیست، بلکه این اعتقاد است که اختلاف دیدگاه و رقابت سالم بین گروه‌ها برای رشد و توسعه جامعه ضروری و حیاتی است. نقشی که هر یک از گروه‌ها و جناح‌های سیاسی می‌توانند ایفا کنند مکمل نقش و رسالت سایر گروه‌ها خواهد بود و حرکت جمعی و هماهنگ و رقابت‌آمیز آنان موجب فضای سالم سیاسی در کشور می‌گردد و امکان ائتلاف و وحدت و همکاری‌های سازنده را بین جناح‌ها فراهم می‌سازد.

در این نگرش منافع حاصل از همسویی با سایر گروه‌های سیاسی برای موفقیت در مبارزات سیاسی و کسب قدرت، علت ترویج و تشویق گفتگو و ائتلاف نیست. دلیل آن ضرورت انجام خدمات بزرگتر و دفاع موثرتر از منافع ملی و حضور آگاهانه در حفظ منافع و امنیت ملی و یا حیطی در عرصه‌های بین‌المللی و برداشتن گام‌های مثبت در جهت وحدت مسلمین در عمل و تحقق سایر هدف‌های ارزشمندی است که هیچیک از گروه‌ها یا سازمانها به تنهایی قادر به تحقق آنها نمی‌باشند.

در نگرش حداکثری- ایجابی، مردم و گروه‌هایی که چارچوب نظام را در یک قرارداد اجتماعی (قانون اساسی) پذیرفته‌اند و التزام خود را به آن اعلام داشته‌اند به خودی و غیرخودی تقسیم نمی‌شوند. احزاب و جناح‌های مختلف هر یک بجای عامل تهدید و خطر، برای دیگری ارزشمندترین سرمایه‌های جامعه برای تبادل نظر و اندیشه و تعامل اجتماعی و همکاری سازنده در عرصه‌های خدمت و میدان مسابقه خیر بوده، فرمان و آموزه الهی "فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ" را به نمایش می‌گذارند. در این نگرش ائتلاف و اتحاد برای تحقق هدف‌های کوتاه مدت به منظور شناخت و آمادگی بیشتر، جهت همکاری در راستای تحقق هدف‌های بزرگتر و ارزشمندتر و آرمانهای مشترک است.

در نگرش حداکثری- ایجابی وفاق فرآیندی است که طی آن از مراحل مختلف گفتگو، تفاهم، همزیستی، ائتلاف، اتحاد گذر نموده و مستمراً در راستای وحدت ملی گام برداشته می‌شود.

### وضعیت ایدآل وفاق ملی: وحدت

”وحدت“ آرمانی است که تحقق آن غیر ممکن، ولی پیشرفت در جهت آن امکان پذیر است. شگفتی آور آن است که جامعه رضایت خود را از تلاش در راه رفع اختلافها و نزدیک شدن به وحدت و نه الزاماً رفع همه اختلافات و تحقق کامل وحدت کسب می‌کند.

به بیان دیگر، وضع مطلوب آن نیست که همه اختلافات حل شده باشد و یک جامعه تک صدا یا ایستا پدید آید، بلکه ایدآل، وضعیتی است که جامعه خواهان وحدت بوده، در جهت آن مستمراً تلاش و مجاهدت نماید. چنین جریانی را فرآیند ”وفاق“ و میزان نزدیک شدن به آرمان وحدت را، ”پیشرفت“ می‌خوانیم. جامعه‌ای که این راه را به رغم ناهمگنی‌ها و اختلافها با مدارا، تسامح، تساهل و تعامل‌های مدنی سریع تر، مطمئن تر و مستمرتر طی کند، توسعه یافته‌تر، سالم تر و مطلوب‌تر بوده، از دیدگاه ”وفاق ملی“، جامعه مورد انتظار و مطلوب در نظر گرفته می‌شود.

### فاصله تا وضعیت مطلوب- موانع

گفتیم که جامعه ایدآل جامعه‌ای که کاملاً به وحدت رسیده باشد، نیست، بلکه جامعه‌ای است که فرایند وفاق و پیشرفت در مسیر وحدت را به شایسته‌ترین صورت، متناسب با امکانات خود، طی می‌کند. اما شرط قرار گرفتن جامعه در چنین مسیری، پذیرفته شدن وفاق ملی است. اما پذیرش ضرورت وفاق و تن در دادن به گفتگوهای همه‌جانبه، با موانعی جدی روبروست.

### موانع جدی بر سر راه ایجاد فرایند وفاق کدامند و چه شرایط ایجابی برای تحقق آنها لازم است؟

گرچه موانع و شرایط مذکور بسیارند، نزیلاً به بعضی از مهمترین آنها اشاره می‌گردد:

**موانع فرهنگی**، از جمله فرهنگ استبدادی. در این فرهنگ، امور براساس تصمیم‌گیری از بالا به پایین انجام می‌گیرد و روابط عمودی (قائم) است. در حالی که در فرایند وفاق، به روابط هم عرض و افقی و تبادل نظر و تصمیم‌گیری جمعی و در مواردی تصمیم‌گیری از پایین به بالا نیاز است.

**در فرهنگ استبدادی و جزم‌گرایی**، که مانع و آفت اصلی وفاق است، مطلق‌گرایی نگرش عامل و مسلط است. امور، سیاه یا سفید مطلق، خوب یا بد مطلق، و حق یا باطل مطلق است و هر کس یا گروهی خود را سفید، خوب، حق و دیگری را سیاه، بد و باطل می‌بیند. انتظارات مطلق است، در حالی که در جوامع بشری، امور نسبی است و با قبول نسبیت باید دیگران را پذیرفت و همکاری کرد و به وفاق دست یافت.

**موانع سیاسی**، از جمله نبود شرایط گفتگوی آزاد بین مردم، متفکران و صاحبان اندیشه. رسانه‌های عمومی، بویژه مطبوعات و رادیو و تلویزیون باید نه تنها بحث‌های آزاد (و مسئولانه) بین گروهها و جناحهای سیاسی را فراهم ساخته و اجازه دهند، بلکه باید آنرا تشویق کنند. بدون تحقق چنین شرایطی فرایند وفاق فلج و ناکام خواهد شد.

**تندروی و کم‌صبری**، عدم توجه به این واقعیت که فرآیند وفاق نیازمند مفاهمه و توافق بین گروهها در زمینه‌های مختلف بوده، و نیازمند یادگیری و تحول درونی انسان‌ها است و این امور مستلزم صرف وقت و گذشت زمان و صبر و مداومت است، کلیه گروهها و سازمانها و مسئولین موثر در وفاق ملی باید از خود صبوری و مدارا نشان دهند. به بیان دیگر وفاق ضرورتی است که به سرعت و سهولت بدست نمی‌آید.

مسئلاً فرآیند وفاق نیازمند گردهمایی و گفتگوهای جمعی و نشست‌های مختلف با حضور انسانهای صاحب‌نظر و فرهیخته و دیدگاه‌های و نطه‌های فکری گوناگون است. اما در جامعه‌ای با تاریخ و فرهنگ استبدادی، تهدیدات گروههای تندرو و افراطی، تهدیدات فیزیکی و حملات غیرقانونی و ضرب و شتم شرکت‌کنندگان و تخریب اماکن و تضييع حقوق عمومی و خصوصی، که تا مدت‌ها می‌تواند همچنان ادامه یابد از موانع دیگر شکل‌گیری مطلوب فرآیند وفاق است. در شرایط انسداد سیاسی داخلی و تهدیدات جدی خارجی این نوع رفتارها بیش از پیش مخرب بوده، مقامات مسئول می‌توانند با جلوگیری از ابراز خشونت‌ها و پیشگیری حملات به ایجاد فضای آرام در کشور کمک کنند.

**فقدان مهارت‌های جمعی**، فقدان یا کمبود دانش و مهارت‌های لازم برای گفتگو و تعامل و انتقاد مثبت و سازنده درون گروهی و میان گروهی بوسیله احزاب و گروههای سیاسی برای دست یافتن به توافق‌های عمیق و اقدامات عملی در جهت اهداف مشترک و در راستای منافع ملی یکی از موانع دیگر فرآیند مطلوب وفاق بشمار می‌رود. استفاده از صاحب‌نظران و متخصصین آموزش و پرورش در این زمینه و برگزاری گردهمایی درباره روشها، مهارت‌ها و آداب گفتگوهای جمعی با کمک وزارت کشور و خانه احزاب و همکاری گروهها لازم و مفید است.

**تعصب‌های غیراصولی**، اعتقادات غیراصولی و تعصب‌آمیز راه گفتگوهای اساسی و اصولی را سد می‌نماید. این نوع تعصب‌ها در اکثر گروههای سیاسی دیده می‌شود، به طوری که حتی اعلام آمادگی برای گفتگو با گروههای سیاسی مخالف تحمل نمی‌شود. اعلام آمادگی برای گفتگو با همه گروهها از جمله محافظه‌کاران خردگرا و حتی خشونت‌گرایان معادل سازش تلقی شده و موجب انواع ملامت‌ها می‌گردد، در حالی که احترام متقابل به اعتقادات یکدیگر تساهل و تسامح و انعطاف‌پذیری از شرایط لازم برای ادامه فرآیند وفاق به شمار می‌رود.

**عدم امنیت**، احساس نگرانی مردم، اندیشمندان، احزاب و گروهها از عواقب شرکت در بحث و گفتگوهای عمومی، بویژه تهدیدات مکرر گروههای غیرمسئول و حملات خودسرانه و یا احضارها و بازجویی‌ها و بازداشت‌ها، که در گذشته به گرات رخ داده است و احساس عدم امنیت قضایی و قانونی هزینه نزدیکی و گفتگو میان گروهها را به شدت بالا می‌برد و از مهمترین عوامل بازدارنده فرآیند وفاق ملی است. فراهم آوردن امنیت لازم برای مشارکت در این فرآیند، و شجاعت و شهامت در شکستن این جو ناسالم و اعلام آمادگی برای گفتگو از شرایط لازم برای موفقیت فرآیند مذکور است.

**انتقاد منفی**، انتقاد منفی بجای انتقاد مثبت و انتقادناپذیری برای اصلاح امور در سطوح مختلف از عوامل مخرب وفاق و انتقاد مثبت و مشفقانه لازمه پیشرفت فرآیند وفاق ملی است.

تفسیر نادرست از قانون اساسی و قانون احزاب و به رسمیت نشناختن بعضی از احزاب قانونی، منجر به عدم امکان فعالیت طبیعی و سالم احزاب سیاسی معترض و یا خارج از حاکمیت گردیده که خود یکی از



موانع جدی پیشرفت جریان وفاق است. رفع این موانع لازمه موفقیت وفاق ملی به مفهوم " همه با هم " است.

**برتری جویی، برتری جویی و هژمونی بعضی گروههای سیاسی و عدم آمادگی برای مشارکت موثر در فرآیند وفاق، می تواند بعنوان تخریب و اختلال فرآیند وفاق ملی تلقی گردد.** اصلاح دیدگاههای این گروهها و مشارکت همسان آنان در فرایند وفاق به موفقیت آن کمک بزرگی می نماید.

بسیاری از موانع مذکور، عوامل پایداری هستند، که با آغاز گفتگو بین گروهها و جناحهای سیاسی، چگونگی برخورد موثر با آنها طی فرآیند وفاق باید مورد بررسی بیشتر قرار گیرد و راههای تعدیل و تخفیف و رفع آنها جستجو گردد.

### از کجا آغاز کنیم؟:

رابطه ای که براساس " وفاق ملی " بین گروهها و سازمانهای اجتماعی و سیاسی کشور بوجود خواهد آمد، با روابط عادی و متداول بین آنها تفاوت ماهوی دارد. قبول اصل " وفاق ملی " زمینه بحث و گفتگو را از گذشته به آینده و از اختلافات به وجوه و اهداف مشترک تغییر می دهد. این یک تفاوت بنیادین و ویژگی اساسی فرآیند وفاق ملی بوده، و کلیه گفتگوها و مذاکرات بایستی همواره زیر سایه آن جریان یابد. بنابراین، چون هدفهایی که در " وفاق ملی " دنبال می گردد، هدفهای مورد توافق کلیه گروهها و جناحها خواهد بود، همکاری گروههای مختلف میسر خواهد گردید. به این دلیل امید است فرآیند وفاق ملی هدفهای مشترکی را که قبلاً طی بررسی مفهوم وفاق و سطوح وفاق مطرح گردید، دنبال نماید. ولی در شرایط حاضر و برای آغاز جدی این فرآیند تلاش در محورهای زیر پیشنهاد می گردد:

آمادگی احزاب و گروههای سیاسی- اجتماعی برای شرکت در گفتگوهای چندجانبه و اقدام جدی برای گفتگو

### رفع موانع و تامین حداقل شرایط لازم برای آغاز فرآیند وفاق بوسیله حاکمیت

تعریف و توافق در مورد چارچوب، اصول و مبانی فرآیند وفاق ملی و ارائه برنامه ای اصولی در جهت وفاق ملی

برای پیشرفت بسوی وفاق در سه محور فوق اقدامات زیر بعنوان جمع بندی برای آغاز فرایند وفاق ملی پیشنهاد می گردد.

احزاب و گروههای سیاسی موضوع وفاق ملی را با اولویت بالا در دستور کار خود قرار دهند و برنامه اصولی خود را در راه تحقق بخشیدن به " وفاق ملی " اعلام دارند.

با توجه به ضرورت کاهش تنش های سیاسی، قوه قضائیه اقدامات لازم را در جهت آزادی زندانیان سیاسی، لغو توقیف موقت بعضی از مطبوعات و آزادی فعالیت تمامی احزاب ملتزم به قانون اساسی به عمل آورد.

مجلس شورای اسلامی بعنوان بالاترین مرجع منتخب مستقیم مردم، در این راه پیشقدم گردیده و گردهمایی هایی از رؤسای فراقسیون های اکثریت، اقلیت و مستقل و ... نمایندگان احزاب و گروههای سیاسی

بیرون از حاکمیت تشکیل گردد تا با هدف تهیه «منشور وفاق ملی» حول محورهای منافع ملی، حقوق ملت، استقلال کشور، تمامیت ارضی، اعتلای نظام جمهوری اسلامی و حفظ آبرو و احترام ایران در صحنه جهانی به گفتگو پردازند.

احزاب و گروههای سیاسی و انجمن های دانشجویی با همکاری خانه احزاب نشست ها و گردهمایی عمومی به منظور روشن و قانع ساختن افکار عمومی نسبت به ضرورت وفاق ملی و خطرات ادامه وضعیت کنونی برگزار نمایند.

نهضت آزادی ایران گفتگو کردن با احزاب و گروههای سیاسی با دیدگاهها و مواضع مختلف و حتی متضاد را سازش نمی داند. بنابراین آمادگی خود را برای گفتگوهای چندجانبه با تمام گروهها و احزاب سیاسی، اصلاح طلبان درون و بیرون حاکمیت، محافظه کاران خردگرا یا خردگریز و حتی خشونت گرایان اعلام می نماید و آن را شرط اجتناب ناپذیر وفاق ملی می داند. طرح وفاق ملی بوسیله نهضت آزادی ایران، نه به قصد ورود و مشارکت در قدرت است و نه در رقابت با سایر احزاب و گروههای سیاسی، بلکه با هدف کاهش تشنجات سیاسی و پیش گیری از خطرات جدی ادامه وضعیت کنونی و اجرای اصلاحات اساسی است.

نهضت آزادی ایران با اعتقاد به ضرورت وفاق ملی، بعنوان یک استراتژی اساسی و یک ارزش متعالی، و با استعانت از خداوند رحمان و قادر متعال، و با دعوت از کلیه احزاب و گروهها و سازمانهای ذیربط برای نقد و اصلاح طرح مقدماتی حاضر و مشارکت و همکاری های عملی، تلاش خود را در راه پیشرفت فرایند وفاق ملی بکار خواهد برد. *ان اُریدَ الاّ الاصلاحَ ما استطعتُ*

## نهضت آزادی ایران

## پیام نهضت آزادی ایران به

### سومین کنگره جبهه مشارکت ایران اسلامی

(۲۶-۲۸ تیرماه ۱۳۸۱)

خواهران و برادران، سلام‌های گرم و صمیمانه ما را به مناسبت برگزاری سومین کنگره جبهه مشارکت ایران اسلامی بپذیرید.

در جامعه‌ای با سابقه ۲۵۰۰ ساله استبداد در اشکال مختلف آن و حضور فعال و ریشه‌دار فرهنگ استبدادی در جای جای رفتارهای فردی و جمعی ما و گریز از هر گونه کار جمعی و گروهی، تشکیل یک نهاد سیاسی برای همکاری جمعی، اقدامی بزرگ به شمار می‌رود و بقا و ادامه فعالیت آن بر اساس موازین دموکراسی حزبی، از جمله تشکیل کنگره، نعمت و توفیقی در خور سپاس و تشویق می‌باشد. ما این موفقیت را به شما تبریک می‌گوییم.

به گواهی تاریخ کشور عزیزمان، دولتهای اصلاح‌طلب همواره مورد حمایت مردم بوده‌اند. اما از آنجا که این حمایتها، عموماً و اکثراً توده‌وار و فاقد انسجام حزبی بوده، کارآیی لازم را نداشته است و میان رهبران کشور با توده‌های مردم رابطه‌ای تنگاتنگ، سازمان یافته، پویا و خلاق شکل نگرفته است. نه رهبران توانسته‌اند از حمایت‌های مردمی به طور مؤثر بهره‌مند گردند و نه مردم در ایفای نقش مؤثر و اثرگذاری بر رهبران توفیقی بدست آورده‌اند و ناگزیر چنین حکومت‌هایی عمر کوتاهی داشته و نتوانسته‌اند در اجرای برنامه‌های اصلاحی خود به موفقیت‌های چشمگیر دست یابند.

در چنین شرایطی، رسالت روشنفکران و پیشگامان جامعه تشکیل احزاب سیاسی و عضویت و فعالیت در آنها است و این گونه تشکلهای مهم‌ترین زیرساخت جامعه مدنی و توسعه سیاسی می‌باشد. مهم این نیست که مرام، مواضع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی احزابی که تشکیل می‌شوند چیست. بلکه مهم نقش تشکیل احزاب سیاسی در گسترش و تعمیق فرهنگ حزب است. جامعه بشری پدیده‌ای متکثر و متنوع است و در یک جامعه انتقالی و در حال دگربرداری در ابعاد گوناگون، نظیر ایران، تکثر و تنوع افکار و اندیشه‌ها، حتی قرائت‌های مختلف و متضاد از متون اصلی دینی و در پی آن، حضور احزابی با مبانی فکری و مواضع و دیدگاه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی متفاوت و حتی متضاد، امری طبیعی و گریزناپذیر است.

مسأله مهم توجه به این نکته است که اولاً تشکیل احزاب سیاسی، به مفهوم «جامعه شناختی» آن راهکاری است برای رفع موانع کلیدی بر سر راه توسعه سیاسی، شکل‌گیری جامعه مدنی و نهادینه شدن مردم‌سالاری. ثانیاً تحقق جامعه مدنی و توسعه سیاسی نیازمند قبول اصل وفاق و سازگاری، تساهل و تسامح و تعامل قانونمند و خردگرایانه میان همه نیروهای سیاسی، از هر طیف و گروهی می‌باشد. قبول

وفاق ملی و تن دادن به ضرورت گفتگو میان احزاب سیاسی به معنای سازش احزاب و یا دست برداشتن از مواضع کلیدی و مبانی فکری نیست. بلکه مدنی کردن روابط احزاب، نشانه بلوغ و رشد سیاسی و ورود به آستانه جامعه مدنی است. ثالثاً همه احزاب سیاسی به رغم تفاوتها و تضادهای موجود در فکر و اندیشه و مواضع سیاسی و اقتصادی، در مورد توسعه فرهنگ تحزب، دارای منافع مشترکند و می‌توانند برای چیره شدن بر فرهنگ «حزب‌گیزی» برنامه‌های مشترک داشته باشند.

در شرایط کنونی که جنبش اصلاح‌طلبی در آستانه یک چرخش سرنوشت‌ساز تاریخی قرار دارد، برگزاری سومین کنگره جبهه مشارکت ایران اسلامی، گامی مثبت در راستای تحقق پیش‌نیازهای توسعه سیاسی محسوب می‌شود.

نهضت آزادی ایران، موفقیت سومین کنگره جبهه مشارکت ایران اسلامی و توفیق رهبران و اعضای آن را در خدمت به ایران و اسلام از درگاه احدیت آرزو می‌کند.

### نهضت آزادی ایران

## ارسال نشریه وفاق ملی جهت مقام رهبری

مقام محترم رهبری

با سلام و احترام به پیوست نشریه «وفاق ملی، میانی نظری و راهکارهای عملی، چرا و چگونه؟» ایفاد می‌شود.

با توجه به شرایط خطیر کنونی کشور که در اظهارات اخیر جنابعالی نیز منعکس شده است و ضرورت همفکری و مشارکت همه نهادها و نیروها در برون‌رفت از انسداد و کاهش تنشهای سیاسی، عنایت و بذل توجه از جانب آن مقام محترم راهگشا می‌باشد.

دکتر ابراهیم یزدی

دبیرکل نهضت آزادی ایران

## محاكمه نهضت آزادی ایران

### گزارش به ملت

اعْدِلُوا هُوَ اقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ اِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (مائده - ۸)

هموطنان عزیز،

بی‌شک بسیاری از شما در جریان ابلاغ احکام غیرمنتظره و شگفتی‌انگیزی که پس از مدتها بلا تکلیفی، تأخیر و تردید و سبک - سنگین کردن آنها، توسط دادگاه انقلاب اعلام شده است، قرار گرفته‌اید. برپایه یک دادنامه بی‌سابقه، نه تنها اعضای نهضت آزادی ایران و جمعی از شخصیت‌های فرهنگی - سیاسی، که عضو نهضت آزادی هم نبوده و بعضاً حتی فعالیت‌های سیاسی نداشته‌اند، به زندان‌های طولانی و جریمه‌های نقدی سنگین و غیرقابل توجیه محکوم شده‌اند، بلکه نهضت آزادی ایران، حزبی با بیش از چهل سال سابقه پرافتخار و خدمت به ایران و اسلام، نیز به انحلال و مصادره اموال محکوم گردیده است. از همه حیرت‌آورتر، صدور حکم غیابی انحلال و بعضاً مصادره اموال انجمن‌های فرهنگی (غیرسیاسی)، برخی با حدود نیم قرن سابقه خدمات درخشان، شامل انجمن اسلامی مهندسين (تهران)، بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان (تهران)، جمعیت توسعه فرهنگی (تبریز)، جمعیت تلاشگران روشنفکر و دفتر پژوهش‌های محک (زنجان) و کانون نشر حقایق اسلامی (مشهد) می‌باشد.

نهضت آزادی ایران، در سال ۱۳۴۰ توسط بزرگوارانی همچون مهندس مهدی بازرگان، آیت‌الله طالقانی، دکتر یدالله سحابی و سیداحمد صدرحاج‌سیدجوادی پایه‌گذاری شد. در طول چهل سال مبارزات نهضت آزادی علیه استبداد داخلی و استیلا خارجی، چه قبل از انقلاب در دوران استبداد سلطنتی و چه بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی، فشارهای متعدد بر نهضت آزادی وارد شده است. در سالهای قبل از انقلاب، سران و فعالان نهضت آزادی در چندین گروه و به دفعات بازداشت، محاکمه و محکوم شدند. بعد از انقلاب از سال ۱۳۶۰ به بعد، نهضت آزادی از حملات فیزیکی و تبلیغات ناجوانمردانه یک طرفه بی‌نصیب نبوده است. برخی از رهبران و فعالان نهضت آزادی در سالهای ۱۳۶۷ و ۱۳۶۹ بازداشت و زندانی شدند و تحت شکنجه‌های جسمی و روحی شدید و اتهامات بی‌اساس قرار گرفتند.

در طول مدت چهل سال که از تأسیس نهضت آزادی ایران می‌گذرد، این دومین بار است که رهبران و فعالان آن بصورت جمعی محاکمه و محکوم می‌شوند. در دوران استبداد سلطنتی در سال ۱۳۴۱، نزدیک دو سال پس از تأسیس نهضت آزادی ایران، جمعی از رهبران و فعالان آن بازداشت و در دادگاه‌های نظامی محاکمه و به حبس محکوم شدند و اینک بار دیگر، بعد از چهار دهه، در جمهوری اسلامی و در سال

۱ - عدالت پیشه کنید که به تقوا نزدیک‌تر است و از خدا پروا کنید که او به آنچه می‌کنید آگاه است.

موسوم به رفتار عدل علی(ع)، دهها نفر از رهبران و فعالان نهضت آزادی ایران در دادگاه انقلاب محاکمه و محکوم شده‌اند. چه مسئولان بخواهند یا نخواهند، وجدان بیدار جامعه و تاریخ، عملکرد این دو دادگاه را مقایسه می‌کند. در رژیم استبداد سلطنتی، رهبران و فعالان نهضت آزادی در زندان نظامی و سلول‌های انفرادی بازداشت و زندانی نشدند، بلکه همه در کنار یکدیگر، در شرایط عادی ویژه زندانیان سیاسی به سر می‌بردند و از انواع تسهیلات معمول برخوردار بودند. محاکمه در دادگاه نظامی علنی بود و خانواده‌ها و دوستان متهمان، اگرچه به تعداد محدود، در جلسات محاکمه حضور می‌یافتند. همچنین، کیفرخواست‌های صادره توسط دادستان نظامی به متهمان تسلیم شد. اما در بازداشتها و محاکمات اخیر، متهمان در بازداشتگاه نظامی موسوم به بند ۵۹، در سلول‌های انفرادی و محروم از ابتدایی‌ترین امکانات نگهداری شدند. کیفرخواست بسیار مفصل حدود ۳۰۰ صفحه‌ای، در طی سه جلسه طولانی برای کلیه متهمان خوانده شد، اما رونوشت کیفرخواست به آنان یا وکلایشان داده نشد. هر یک از متهمان جداگانه در پشت درهای بسته در زمانی بسیار کوتاه محاکمه شدند. قاضی دادگاه در برخی از جلسات محاکمه، به متهمان اجازه دفاع کامل را نداد و در مواردی، از حضور وکیل متهم در جلسه، یا دفاع او از موکلش جلوگیری کرد. یک وجه از شباهت آشکار و جالب میان این دو محاکمه تاریخی، رفتار دادگاه با وکلای مدافع بوده است. در هر دو محاکمه، وکلای مدافع با صراحت، شجاعت و صداقت وظیفه حقوقی خود را انجام دادند. ولی مقامات مسئول هر دو دادگاه، رفتار برخی از وکلای مدافع را تحمل نکرده، آنان را محاکمه و محکوم نموده‌اند.

از مجموع بیش از ۵۰ نفر که در اوایل سال ۱۳۸۰ توسط دادگاه انقلاب اسلامی تهران، از شهرستانهای تهران، تبریز، مشهد، زنجان، اصفهان و شیراز، از میان رهبران یا فعالان نهضت آزادی ایران و شخصیت‌های مستقل سیاسی- فرهنگی بازداشت شدند، تعدادی پس از چند روز و بقیه به تدریج بعد از حدود ۵ تا ۱۱ ماه (در ۸۰/۱۲/۱۶) با سپردن وثیقه‌های بسیار سنگین تا ۲ میلیارد ریال آزاد شدند. پس از اتمام محاکمه، درحالی که قانون با صراحت دادگاه را موظف کرده است که در ظرف حداکثر یک هفته پس از ختم دادرسی، حکم را صادر و در مدت سه روز به متهم یا وکیل او ابلاغ کند، دادگاه انقلاب احکام متهمان را ماهها بعد از آن در تاریخ ۸۱/۲/۲۶ صادر و ۷۵ روز پس از صدور یعنی در تاریخ ۸۱/۵/۵ به متهمان یا وکلای آنان اعلام نموده است. اسامی، مشخصات و احکام ۴۵ نفر از متهمان به شرح جدول پیوست است.

در دادنامه چهل و چند صفحه‌ای صادره، مطالبی علیه نهضت آزادی ایران و متهمان آمده که نادرست، تحریف تاریخی و بعضاً کذب محض و به لحاظ شرعی و قانونی فاقد مستندات قابل قبول می‌باشد. دادگاه، جمعی از مدیران انقلاب، اعضای شورای انقلاب و مسئولان نظام بعد از انقلاب، استادان دانشگاه و متخصصان و کارشناسان جامعه را که سابقه خدمات ملی و اسلامی و صداقت و امانت آنان در چند دهه گذشته بر آگاهان جامعه پوشیده نیست، بدون ارائه مدارک و مستندات معتبر، متهم به براندازی، مشارکت در اقدام علیه امنیت کشور، ارتباط و تبانی با گروههای ضد انقلاب، ارتباط با احزاب، سفرا و کارداران کشورهای خارجی، تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی و ائتلاف و همکاری با سایر نیروهای ملی- مذهبی و شخصیت‌های فرهنگی- سیاسی، نشر اکاذیب، تشویش اذهان عمومی و بعضاً نگهداری اسلحه و مهمات جنگی و اعتیاد به مواد مخدر و ..... نموده است، در حالی که نهضت آزادی ایران، در راستای فریضه

اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر، برای پاسداری از اصول اولیه انقلاب و حقوق اساسی ملت، عملکرد حاکمان را مشفقانه نقد و در چهارچوب قانون احزاب به وظایف انسانی، ملی و دینی خود عمل کرده و هیچ عملی برخلاف قانون و مصالح نظام و منافع و امنیت ملی انجام نداده است. در این راستا نیز وزارت اطلاعات اتهام براندازی را تکذیب و وزارت کشور غیر قانونی بودن نهضت را رد نموده‌اند.

احکام صادره علیه متهمان فاقد انسجام حقوقی است. بدین معنا که با وجود یکسان بودن اتهامات برخی از متهمان نوع و میزان کیفرهای آنان به شدت متفاوت است.

در دادنامه برای اثبات ادعاهای بی‌اساس، فرازهایی از بیانیه‌های نهضت آزادی ایران و ائتلاف نیروهای ملی- مذهبی و سخنان افراد آمده است که عموماً ناقص و مخدوش است و در مواردی نیز آنچه نقل شده است در اعلامیه مورد استناد وجود ندارد.

محاكمه نهضت آزادی ایران هنگامی عادلانه خواهد بود که رسیدگی به اتهامات برطبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی و قانون احزاب، در یک دادگاه عمومی به صورت علنی و با حضور هیأت منصفه صورت پذیرد. با این وجود، متهمان به احکام صادره اعتراض و در مهلت قانونی لایحه اعتراضی خود را تسلیم خواهند کرد. نهضت آزادی ایران، به خواست خداوند، در زمان مقتضی به تمام اتهامات بی‌اساس وارده در ابعاد سیاسی و حقوقی پاسخ خواهد داد و برای قضاوت افکار عمومی منتشر خواهد ساخت.

### هموطنان عزیز

محکومیت سنگین رهبران و فعالان نهضت آزادی ایران و شخصیت‌های سیاسی یا فرهنگی منفرد، اعلام انحلال نهضت و انجمن‌های فرهنگی- دینی در شرایطی صورت گرفته که امواج بحران‌ها و انسدادهای داخلی و تهدیدهای جدی خارجی از شمال و جنوب و شرق و غرب ابعاد گسترده و تازه‌ای پیدا کرده است. در چنین شرایطی که انتظار می‌رود هر عقل سلیم از هر گونه حرکت و دعوت به آرامش و کاهش تشنجات در جهت وفاق ملی استقبال کند و ابتدایی‌ترین و منطقی‌ترین اقدام مورد توقع از مسئولان کشور فراهم ساختن شرایط لازم برای تحقق وفاق ملی است، صدور چنین احکامی ناقض مصالح و منافع ملی بوده و پیامد آن ریختن آب به آسیاب دشمنان این مرز و بوم می‌باشد.

در شرایطی که دیپلماسی کلان کشور، در راستای پیشگیری خطرات جدی تهدیدکننده خارجی، برای بهبود و گسترش روابط ایران با اتحادیه اروپا کوشش می‌کند و هیأت پارلمانی و وزیر امور خارجه اتحادیه اروپا به ایران آمده است و نیز به دنبال عدم تصویب قطعنامه علیه ایران، قرار است که رئیس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به ایران بیاید، صدور این احکام، همزمان با توقیف روزنامه‌ها و محکوم شدن روزنامه‌نگاران، بی‌تردید پیامدهای منفی و مخرب بر این تلاش‌ها دارد و به نوعی کارشکنی در اقدامات اصلاحی دولت برای جلب حمایت بین‌المللی در راستای پیشگیری از خطرات خارجی و رفع مشکلات داخلی محسوب می‌گردد.

یکی از اتهامات بی‌اساس نهضت آزادی ایران تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی است، در حالی که دادنامه دادگاه انقلاب و صدور این احکام، سنگین‌ترین ضربه را بر اعتبار نظام جمهوری اسلامی و حتی مسئولان کشور وارد کرده است.



در جمهوری اسلامی ایران، بر طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی، قانون احزاب مصوب ۱۳۶۰ و قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳، دادگاه انقلاب نه شأن ورود برای بررسی جرایم سیاسی و نه صلاحیت صدور حکم انحلال احزاب سیاسی را دارد. بنابراین صدور هر گونه حکمی در رابطه با اتهامات سیاسی مذکور در ادعانامه فاقد وجاهت و اعتبار قانونی است.

شایان ذکر است که دادگاه انقلاب از تاریخ ۷۹/۱۲/۲۸ به دفعات با صدور بیانیه‌ها و مصاحبه‌ها اتهامات سنگینی را علیه نهضت آزادی ایران و اعضای آن وارد کرده است و صدا و سیما و روزنامه‌های وابسته به جناح راست، آنها را یکجانبه بطور گسترده انتشار داده‌اند در حالی که نهضت آزادی و بازداشت شدگان تا کنون از ابتدایی‌ترین حقوق قانونی و انسانی در پاسخگویی به این تبلیغات سوء محروم بوده‌اند.

آیا تبر نهادن بر قامت درختی که ریشه در تاریخ چهل ساله اخیر ایران داشته و در ستیز برای تأمین آزادی، طوفانهای سهمگینی را پشت سر نهاده است افتخاری برای نظام جمهوری اسلامی و مسئولان آن محسوب می‌گردد؟ آیا با انحلال نهضت آزادی ایران و محکوم شدن رهبران و فعالان آن به زندان و جریمه نقدی مشکلات عدیده کشور حل خواهد شد و تهدیدهای خارجی از میان خواهد رفت؟

مخالفان و محکوم‌کنندگان نهضت آزادی حتی اگر بتوانند شاخه‌های این شجره طیبه را به خاک افکنند، با ریشه‌های آن که در طول این سالیان در ژرفای خاک این سرزمین گسترده است و با بذره‌های پراکنده‌ای که در فراز و نشیب خاک پهناور این مرز و بوم جوانه می‌زند چه می‌توانند بکنند؟

نهضت آزادی ایران خود را تنها به مثابه یک حزب نمی‌نگرد. نهضت اکنون یک اندیشه، یک منش و یک بینش است. اگر مکان محدود و کوچک حزبی را که در طول سال‌های گذشته بارها در هجوم گروه‌های فشار درهم شکسته و اسناد تاریخی و اموال آن به یغما رفته است مصادره کنند، با اندیشه آزادی که در بسیاری از خانه‌های این مرز و بوم زندگی می‌کند چه خواهند کرد؟ مادام که آزادگانی در این سرزمین زندگی می‌کنند، نهضتی برای آزادی برپا بوده و ادامه خواهد داشت. چرا از گذشته عبرت نمی‌گیرند؟ سراسر قرآن کریم دعوت به عبرت‌گیری از سرنوشت گذشتگانی است که اقتدار خویش را ابدی و قدرتشان را جاوید می‌پنداشتند و دست قدرت الهی در هنگامه‌های دردناکی سرمه بیداری در چشم‌های آنان کشیده است:

«وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (آل عمران ۱۴۰)<sup>۱</sup>

نهضت آزادی ایران اینک به ابتلای جدیدی گرفتار شده است، همچنان که ملت ایران نیز با ابتلا و تنگناهای طاقت فرسایی از فشار سیاسی و سختی معیشت مواجه می‌باشد.

ما در این عرصه فتنه‌خیز، همچون گذشته، نه مرعوب می‌شویم و نه ساکت خواهیم نشست و با الهام از آموزه‌های قرآنی، هم دست دعا به پیشگاه کبریایی الهی بلند می‌کنیم و هم شکایت بر ساحت ملت می‌بریم و فریاد استعانت از نمایندگان آزاده مردم در مجلس شورا، رؤسای قوا، آزادگان، دینمداران و وطن‌دوستان سر می‌دهیم.

<sup>۱</sup> و این روزها (ی ناکامی) را میان مردم می‌گردانیم تا (درس بگیرند) خدا افراد با ایمان را (در مقام آزمایش) مشخص گرداند و افرادی از شما را شاهد و نمونه (برای مردم) قرار دهد و خدا ستمگران را دوست نمی‌دارد.

نهضت آزادی ایران ضمن تشکر مجدد از نمایندگان محترم مجلس، مسئولان محترم تراز نخست کشور و اساتید دانشگاهها، انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاهها، بسیاری از روشنفکران و اهل قلم و شخصیت‌های فرهنگی-سیاسی و همچنین از مراجع عظام و عالمان دینی بزرگوار که از زمان دستگیری متهمان تا کنون با پذیرش خطرات، هزینه‌ها و مشکلات ناشی از حمایت از نهضت آزادی ایران و سایر نیروها و شخصیت‌های ملی-مذهبی و اعتراض به دستگیریها، با صدور بیانیه‌ها و مصاحبه‌ها و همدردی با خانواده‌های سرافراز، به مسئولیت‌های انسانی، قانونی و دینی خود عمل نموده‌اند، انتظار دارد که آنان در این مرحله نیز مؤثرتر از گذشته از ابتدایی‌ترین حقوق قانونی نهضت آزادی ایران و اعضای آن، روشنفکران و سایر نیروها و شخصیت‌های ملی-مذهبی، دانشجویان زندانی و همه زندانیان سیاسی دفاع کرده و اجازه ندهند به آنها بی‌عدالتی روا گردد: «وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ» (شوری ۳۹)<sup>۱</sup>

سزاوار است که رئیس محترم جمهوری، رئیس محترم مجلس، نمایندگان محترم مردم، ارباب رسانه‌های جمعی، احزاب و صاحبان قلم و قدم در این مظلوم تاریخ نیز موضع سکوت اختیار نکنند و بر قانون‌گریزی‌های روزافزون، از سر حق، اعتراض قانونی و مشروع نمایند.

چه کسی است که نداند چرخ بی‌قانونی و بی‌عدالتی که از بلندی درغلتیده است، همگان را یکایک و به نوبت درهم خواهد شکست؟ پس زنه‌ار: «وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (انفال-۲۵)<sup>۲</sup>

## نهضت آزادی ایران

---

<sup>۱</sup> و آنان که هرگاه مورد ستم قرار گیرند (تسلیم ظلم نمی‌شوند)، از دیگران یاری می‌طلبند.  
<sup>۲</sup> بترسید از فتنه‌ای که تنها ستمکاران را در بر نخواهد گرفت و بدانید که خدا به سختی عقوبت می‌کند.

مشخصات و میزان محکومیت متهمین پرونده نهضت آزادی ایران در شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	میزان تحصیلات	مدت و مبلغ محکومیت		سوابق
				مواد ۴۹۹/۴۹۸	ماده ۵۰۰	
۱	مهندس محمد توسلی (حجتی)	۶۴	فوق لیسانس مهندسی راه و ترافیک	۸ سال	۱ سال	شهردار تهران در دو سال اول انقلاب - کارشناس ارشد مهندسی حمل و نقل و ترافیک
۲	مهندس هاشم صباغیان	۶۵	فوق لیسانس مهندسی راه و ساختمان	۶ سال	۱ سال + ۳ سال	معاون نخست وزیر و وزیر کشور در دولت موقت، نماینده مردم تهران در دوره اول مجلس
۳	خسرو منصوریان	۶۱	فوق لیسانس مهندسی راه و ساختمان	۷ سال	۱ سال	معاون شهردار تهران در دو سال اول انقلاب - بنیانگذار مؤسسات توان بخشی و مقابله با آسیب های اجتماعی
۴	مهندس ابوالفضل بازرگان	۶۲	فوق لیسانس مهندسی مکانیک	۶ سال	۱ سال	معاون نخست وزیر در دولت موقت - مدیر شرکت مهندسی مشاور صنایع و مدیریت
۵	مهندس محمود نعیم پور	۴۴	فوق لیسانس مهندسی عمران	۵ سال	۸ ماه	کارشناس امور ساختمانی
۶	دکتر غفار فرزندی	۵۷	دکترای علوم ریاضی	۵ سال	۱ سال	فرماندار اسبق شهرهای اردبیل و تبریز - مشاور سیاسی اسبق استانداری آذربایجان شرقی - استاد دانشگاه تبریز
۷	احد میرمحمدرضایی	۴۵	دانشجوی علوم سیاسی	۱ سال	۱۰ میلیون ریال	مدیر انتشارات چمران (زنجان)
۸	مهندس سیدامیر خرم	۴۲	لیسانس مهندسی ماشین آلات کشاورزی	۴ سال	۸ ماه	کارشناس ماشین آلات کشاورزی
۹	دکتر علی اصغر غروی	۵۶	دکترای فلسفه	۵ سال	۱ سال	استاد سابق دانشگاه اصفهان - هم‌رزم شهید دکتر چمران در لبنان
۱۰	دکتر محمدهادی هادیزاده یزدی	۵۵	دکترای فیزیک	۸ سال	۱ سال	استاد فیزیک هسته‌ای دانشگاه فردوسی مشهد - نماینده ایران در کمیته فنی آزمایشگاه بین‌المللی (Sesame) - مدیر انتشارات انجمن فیزیک ایران
۱۱	دکتر محمدحسین بنی‌اسدی	۶۰	دکترای مدیریت - کارشناس ارشد مهندسی صنایع	۵ سال	۸ ماه	معاون نخست وزیر و وزیر مشاور در دولت موقت - پیشنهاد دهنده و مسئول جهاد سازندگی در دولت موقت - کارشناس ارشد مدیریت
۱۲	مهندس محسن محقی	۵۹	فوق لیسانس مهندسی برق	۲ سال	۶ ماه	کارشناس انرژی اتمی و رئیس مرکز تکنولوژی هسته‌ای اصفهان در دولت موقت - کارشناس اسبق سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و مدیر عامل یکی از شرکت های وابسته
۱۳	مهندس غلامرضا مسموعی	۵۲	لیسانس مهندسی عمران	۳ سال	۶ ماه	از مسئولان اجرائی در دولت موقت - کارشناس امور ساختمانی
۱۴	مصطفی مسکین	۵۳	دانشجوی معارف اسلامی	۳ سال	۶ ماه + ۱ سال	کارمند بازنشسته اداره بهداشت و آموزش پزشکی - از مبارزان با سابقه سیاسی در اصفهان
۱۵	مجید حکیمی	۴۶	لیسانس زبان عربی	۲ سال	۶ ماه	دبیر دبیرستانهای استان تهران
۱۶	مهندس سیدعلیرضا هندی	۵۳	فوق لیسانس مهندسی مکانیک	۷ سال	۱ سال	مدیر عامل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در دولت موقت - مشاور فنی سازمان گسترش و نوسازی صنایع - مدرس دانشگاه - کارشناس ارشد خدمات مهندسی مشاور در صنعت
۱۷	دکتر محمدنوید بازرگان	۳۹	دکترای ادبیات فارسی	۲۵ میلیون ریال	۱۵ میلیون ریال	مدیر عامل سابق و عضو هیئت مدیره شرکت صنعتی صافیاد
۱۸	سیداحمد صدراحاج سیدجوادی	۸۵	فوق لیسانس حقوق	۴۰ میلیون ریال	۱۰ میلیون ریال	عضو شورای انقلاب اسلامی - وزیر کشور و وزیر دادگستری در دولت موقت - نماینده دوره اول مجلس
۱۹	ربابه (صفا) بیطرف	۴۶	لیسانس علوم انسانی	۳۰ میلیون ریال	۱۰ میلیون ریال	
۲۰	فرشته بازرگان	۵۶	لیسانس تعلیم و تربیت	۲۰ میلیون ریال	۱۰ میلیون ریال	مدرس و مترجم زبان انگلیسی
۲۱	محمدحسین درویش‌ملا*	۳۸	لیسانس جامعه‌شناسی	۲ سال	۱۰ میلیون ریال	کارشناس تحقیقات در بخش خصوصی
۲۲	مصیب دوانی	۵۴	لیسانس حسابداری	۲ سال	۶ ماه	کارشناس امور مالی در بخش خصوصی
۲۳	مرتضی اشفاق	۶۱		۲ سال	۳۰ میلیون ریال	شغل آزاد

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	میزان تحصیلات	مدت و مبلغ محکومیت		سوابق
				مواد ۴۹۸/۴۹۹	ماده ۵۰۰	
۲۴	جمال زره‌ساز	۵۰	فارغ‌التحصیل دوره خلبانی	۲ سال	۶ ماه	شغل آزاد
۲۵	باقر فتحعلی بیگی	۳۲		۱ سال	۱۰ میلیون ریال	
۲۶	سیداکبر بدیع‌زادگان	۶۳	فوق لیسانس آمار، فوق لیسانس ریاضی	۱۰ میلیون ریال	۵۰۰ هزار ریال	کارشناس ارشد آمار
۲۷	حجت‌الله قیاسی	۴۵	فوق دیپلم فنی	۱ سال	۱۰ میلیون ریال	تکنیسین فنی
۲۸	مهندس سیدعلیرضا غروی	۴۱	لیسانس مهندسی نساجی	۶ ماه	۱۰ میلیون ریال	کارمند بخش خصوصی
۲۹	بیژن گل‌افرا	۴۹	فوق دیپلم فنی	۱ سال	۶ ماه	مدیر در بخش خصوصی
۳۰	محمد رضا حمسی	۵۳	دیپلم	۲ سال	۶ ماه	شغل آزاد
۳۱	سعید غفارزاده	۶۶	دیپلم	۶ ماه	۱۰ میلیون ریال	بازرگان، محقق و مؤلف آثار دینی و معلم قرآن
۳۲	طاهر احمدزاده‌هروی*	۸۱		۵ سال	۶ ماه	شغل آزاد - استاندار خراسان در دولت موقت - از پایه‌گذاران کانون نشر حقایق اسلامی (مشهد)
۳۳	دکتر علی اکبر سرجمعی*	۶۷	دکترای پزشکی	۶ ماه	۲۰ میلیون ریال	پزشک، متخصص کودکان - از اعضای مؤثر کانون نشر حقایق اسلامی مشهد
۳۴	سیدمحمد ارتضاء*	۶۷		۴ ماه	۱۵ میلیون ریال	بازرگان
۳۵	سیدحامد علوی ×	۵۲	فوق دیپلم ادبیات	۲ سال	۱۰ میلیون ریال	دبیر سابق آموزش و پرورش
۳۶	مهندس جمشید منصوریان*	۶۷	فوق لیسانس مهندسی ساختمان	۴ ماه و ۱ روز	۱۰ میلیون ریال	شهردار مشهد در دولت موقت - کارشناس ارشد مهندسی عمران
۳۷	سیدجعفر عباس‌زادگان*	۶۵	دیپلم علمی	—	۱۰ میلیون ریال	ناشر و کتابفروش (شیراز)
۳۸	محمدابراهیم زمانی*	۴۶	فوق لیسانس مدیریت آموزش	—	۹ ماه	مدرس دانشگاه آزاد شیراز
۳۹	علی فریدیحیایی*	۵۶	فوق لیسانس مدیریت	۶ ماه	۱۰ میلیون ریال	روزنامه‌نگار - مدرس مؤسسه مدیریت دولتی - مدیر کارخانه تولیدی
۴۰	جعفر کیوانچهر*	۴۶	فوق لیسانس مهندسی عمران		۱۰ میلیون ریال	سازمان نظام مهندسی آذربایجان شرقی - کارشناس ارشد مهندسی عمران
۴۱	دکتر فضل‌الله صلواتی*	۶۴	دکترای ادبیات عرب	۳۰ میلیون ریال	۱۰ میلیون ریال	استاد دانشگاه اصفهان - نماینده دوره اول مجلس از اصفهان - مدیر نشریه توقیف شده نوید اصفهان
۴۲	سیدصالح سیدگرگانی*	۵۵	فوق لیسانس حقوق	تبرئه		وکیل دادگستری
۴۳	محمد رضا باباصفری*	۵۴	لیسانس حقوق - فوق لیسانس ادبیات فارسی	تبرئه		وکیل دادگستری - نماینده دوره اول مجلس از اصفهان
۴۴	صمد فرارویی*	۷۴	لیسانس ادبیات فارسی	تبرئه		دبیر بازنشسته دبیرستانهای شیراز
۴۵	رئوف طاهری*	۳۱		تبرئه		

× شخصیت‌های مستقل فرهنگی - سیاسی که عضو نهضت آزادی ایران نیستند.

## نامه به رئیس مجلس و درخواست تفسیر قانون احزاب

جناب آقای کروبی ریاست محترم مجلس شورای اسلامی ایران

با سلام و با آرزوی توفیق جلب رضایت حق و خدمت به ایران و اسلام همان گونه که مطلعید در تاریخ ۸۱/۵/۵ دادگاه انقلاب برخلاف اصول ۲۶ و ۱۶۸ قانون اساسی و قانون احزاب (مصوب ۱۳۶۰) و قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (مصوب ۱۳۷۳) حکم غیرمنتظره انحلال نهضت آزادی ایران را به همراه محکومیت‌های سنگین برای اعضا و همفکران اعلام داشت. علاوه بر این دادگاه انقلاب حکم انحلال و بعضاً مصادره برخی از انجمن‌های فرهنگی را در تهران و شهرستان‌ها نیز صادر کرده است.

جنابعالی و نمایندگان محترم به خوبی واقفید که نهضت آزادی ایران اولین بار نیست که به جرم دفاع از آزادی و ارزش‌های معنوی محاکمه می‌گردد و اعضا و وکلای مدافعش به زندان‌های طویل‌المدت محکوم می‌شوند. چنین ستمی در دوران استبداد سلطنتی، قابل فهم بود. اما در نظام جمهوری اسلامی چه توجیهی برای آن وجود دارد؟

جنابعالی و نمایندگان محترم بر طبق اصل ۶۷ قانون اساسی، در نخستین جلسه مجلس سوگند یاد کرده‌اید و متن قسم‌نامه را امضا نموده‌اید. به موجب این سند شرعی و حقوقی در برابر قرآن مجید به خدای قادر متعال سوگند خورده‌اید و شرف انسانی خویش را ودیعه گذاشته‌اید که: «همواره به استقلال و اعتدالی کشور و حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم یابیند باشید، از قانون اساسی دفاع کنید، در گفته‌ها و نوشته‌ها و اظهارنظرها، استقلال کشور و آزادی مردم و تامین مصالح آنها را مدنظر داشته باشید.» آیا می‌توانید در برابر این ستم و ظلم بزرگ ساکت بنشینید و عهد و بیمان خود را فراموش نمایید؟ نمی‌توان و نباید شاهد ساکت بر این مظلمه بود و حرمت آزادی، قانون و سوگند به آن را یاس نداشت. ما، رؤسای قوای سه‌گانه و نمایندگان محترم مردم را در برابر این واقعه مسئول و این مسئله را شایسته عکس‌العمل و اقدام جدی می‌دانیم.

ضمن تشکر مجدد از جنابعالی و نمایندگان محترم مجلس، به خاطر موضع‌گیری‌های برحق که ابراز داشته‌اید، از مجلس محترم درخواست می‌کنیم که بر طبق اصل ۷۳ قانون اساسی با تفسیر قانون احزاب مصوب شهریور ۱۳۶۰ روشن نمائید که:

۱- احزاب سیاسی طبق اصل ۲۶ قانون اساسی علی‌الاصول آزاد می‌باشند و نیازی به اخذ پروانه ندارند. ثبت در وزارت کشور و صدور پروانه صرفاً برای رسمیت یافتن و پیدا کردن شخصیت حقوقی می‌باشد.

۲- کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب بر کلیه احزاب، اعم از رسمی یا غیررسمی حق نظارت دارد و در

صورت مشاهده تخلف بر طبق ماده ۱۷ قانون احزاب عمل می‌نماید.

۳- رسیدگی به تخلفات احزاب سیاسی، موضوع ماده ۱۶ قانون احزاب اعم از رسمی یا غیررسمی، بر طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی صورت خواهد پذیرفت.

یکی از اتهامات بی‌اساس به نهضت آزادی ایران «تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی» است اما همگان می‌دانند که صدور چنین احکامی آن هم از جانب یک دادگاه فاقد صلاحیت قانونی، بزرگترین و موثرترین تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران در افکار عمومی مردم ایران و جهان می‌باشد.

بر کسی پوشیده نیست که امروز در شرایط بحرانی کشور، منطقه و جهان، اقدامات وحدت سوز، قانون‌ستیز و وفاق‌شکن برخی عناصر تمامیت‌خواه، چگونه اساس امنیت و تمامیت کشور را نشانه می‌روند و وظیفه‌ای جدی برای همه وطن‌دوستان، مسئولین و نمایندگان مردم ایجاد می‌کنند.

نهضت آزادی ایران، به رغم این حوادث فتنه‌خیز با تکیه و توکل بر قادر متعال نه مرعوب است و نه متزلزل، بلکه محکم ایستاده است و همه نامالیقات را جهت رضای پروردگار و ادای دین به ملت و میهن به جان پذیرا است. لکن نمایندگان دلسوز مردم به خوبی واقفند که این روند قانون‌ستیز، کمر به اضمحلال یک یک تشکل‌ها، احزاب و نهادهای مدنی بسته است و چون سنگی رها در سراشیب در پله اول متوقف نخواهد ماند.

با تشکر از اقدامات عاجلی که جنابعالی و نمایندگان محترم مجلس مبذول خواهند نمود.

**نهضت آزادی ایران**

## نامه به رئیس‌جمهور در مورد رأی دادگاه انقلاب در باره نهضت آزادی ایران و نقض اصول قانون اساسی

جناب آقای سیدمحمد خاتمی

ریاست محترم جمهوری

با سلام و با آرزوی توفیق جلب رضایت حق و خدمت به ایران و اسلام چنانچه مستحضرید در تاریخ ۸۱/۵/۵ و پس از ماه‌ها انتظار و بلا تکلیفی، احکام ناباورانه و خلاف قانون دادگاه انقلاب مبنی بر انحلال و مصادره اموال و اسناد نهضت آزادی ایران و محکومیت‌های سنگین اعضای فعال آن و همچنین انحلال و بعضاً مصادره اموال انجمن‌ها و کانون‌های فرهنگی-اجتماعی مستقل اعلام شد و موجب اعتراض بسیاری از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی و مسئولان کشور قرار گرفت. این روزها شاهد انتقاد و اعتراض بسیاری از جناح‌های سیاسی و روشنفکران دینی از مخالفان و موافقان از جنابعالی می‌باشیم که شما را به صبوری و سکوت بیش از حد متهم می‌کنند. فرآیند اصلاحات و تعمق مردم‌سالاری که جنابعالی مدیریت و معماری آن را در شرایط کنونی عهده‌دار شده‌اید و دوران تثبیت خود را می‌گذارند، به حق نیازمند صبر و تحمل طاقت‌فرسا است. نه پیشنهاد خروج از حاکمیت دوستان دلسوز و وفادار شما راه مناسبی است و نه تهدید و تحدیدهای مخالفان مردم‌سالاری و حاکمیت ملت. باید جنابعالی را سست و مأیوس نمایند، ما نیز به اتخاذ روش تبلیغ و دعوت همگان به وفاق ملی اعتقاد داریم. نهال تازه پا گرفته مردم‌سالاری در کویر و شوره‌زار استبداد ۲۵۰۰ ساله نیاز به صبر و تلاش و پرداخت هزینه‌های سنگین و از خودگذشتگی‌های فراوان دارد. اگر دستگیری، زندان و صدور احکام سنگین اعضای نهضت آزادی ایران و شخصیت‌های فرهنگی-سیاسی همفکر بهایی است برای پیروزی مردم‌سالاری، ما این هزینه را با کمال سربلندی می‌پردازیم. رهبران و فعالان نهضت آزادی ایران از ابتدای پذیرش مسئولیت اداره کشور در دولت موقت و در اوج دستگیری‌های ابتدای پیروزی انقلاب، در نظر و در عمل معتقد و عامل به حاکمیت مردم، رعایت اصول قانون اساسی و احترام و حفظ حقوق اساسی مردم بوده است و تا آنجایی که در توان داشته از هیچ اقدامی برای تحقق این اهداف مضایقه نکرده است و هنگامی که از هر نوع حرکت باز مانده است نجیبانه و مظلومانه حاکمیت را ترک نموده و به جای قبول رقابت برای قدرت، جنگ حجت را برگزیده و موضع منتقد و ناصح دلسوز حاکمان را اختیار کرده است. انواع و اقسام فشارها و مضایق از هجوم به دفاتر نهضت و ضرب و شتم اعضا و علاقه‌مندان گرفته تا تهمت‌ها و زندان‌های سنگین و غیرقابل تحمل را تجربه کرده است.

از زمان شروع تصدی جنابعالی در روز پر برکت دوم خرداد ماه ۱۳۷۶ تا کنون که دوران جدید تلاش

برای توسعه سیاسی و حاکمیت ملت و احترام به رعایت قانون اساسی و استقرار مردم‌سالاری می‌باشد کمتر مصدع اوقات شما شده‌ایم و شاید حداقل مزاحمت و انتقاد را از جنابعالی داشته‌ایم و حتی در دوران بازداشت‌های اخیر، خانواده‌های زندانیان کمتر به جنابعالی مراجعه داشته‌اند اگر چه برخورد جنابعالی هم همیشه توأم با احترام و طرفداری و هم‌دردی بوده است.

شعار آزادی برای مخالف، تبدیل معاند به مخالف قانونی و مخالف به موافق، مساوی بودن همگان در برابر قانون، انتخابی بودن همه مسئولین مستقیم یا غیرمستقیم توسط مردم، منزه و بی‌خطا نبودن و نقدپذیر بودن مسئولان، مبارزه صریح با استبداد و خودکامگی، اولویت نظریه سیاسی بر توسعه اقتصادی، تشنج‌زدایی در روابط خارجی و توصیه به عملکرد قانونی و التزام به قانون اساسی که سال‌ها است توسط نیروهای سیاسی اصلاح‌طلب، از جمله نهضت آزادی عنوان شده است، در دوران ریاست جمهوری شما، بیش از هر زمان به طور گسترده‌ای مطرح گردیده است. نظریه گفتگوی تمدن‌ها و ائتلاف برای صلح بدون استثناء، مختص جنابعالی بوده و به نام شما در تاریخ سیاسی ایران ثبت گردیده است. توسعه فرهنگ تحزب و انتخابات شوراهای شهر و روستا در راستای توسعه سیاسی از برنامه‌های موفق جنابعالی بوده است. نهضت آزادی هم در چنین فضایی و با رعایت قانون و علیرغم بی‌مهری‌ها و مضایق و محرومیت‌های گذشته همچنان به ایفای نقش شاهد و واسط بودن خود به عنوان یکی از قدیمی‌ترین احزاب اسلامی ایران عمل نموده است و اکنون می‌خواهند او را از راه باز دارند و با مرعوب و محروم کردن از حق حیات و محبوس کردن جمعی از مدیران و خدمتگزاران انقلاب، دیگران را نیز از این قبیل مناسبت‌ها منفعل کنند.

به نظر ما طرح و تبلیغ عمومی اتهامات بی‌اساس مانند براندازی به روش نوین و اقدام علیه امنیت ملی به مدیران اولیه انقلاب و خدمتگزاران دیرین کشور برخلاف نظر و رأی وزارت اطلاعات، غیرقانونی خواندن یک حزب چهار ساله علیرغم صراحت رأی وزارت کشور، زندانی کردن در سلول‌های انفرادی در یک زندان نظامی، انجام محاکمات غیرقانونی در دادگاه غیرعلنی بدون و حضور هیأت منصفه، عدم رعایت تفکیک قاضی و دادستان در عمل، و صدور رای‌های سنگین، بازجویی‌های طولانی دبیرکل حزب - معاون نخست وزیر و وزیر اسبق امور خارجه و عضو شورای انقلاب - همگی عملاً موجب ملکوک کردن نظام و کاهش مشروعیت در داخل و مقبولیت در محافل جهانی می‌باشد.

در این مرحله از فرآیند توسعه سیاسی و در مقابل این بازدارندگی سیاسی و اعمال فشار به شخصیت‌های فرهنگی- سیاسی کشور و اعمال یأس و ناامیدی در داخل و هتک حیثیت در خارج، انتظار داریم که جنابعالی بار دیگر تعهدات قانونی و شرعی خود و وفای به سوگندی که در پذیرش مسئولیت ریاست جمهوری خورده‌اید و با اثبات مشی و روشی که ابراز می‌دارید به مسئولین کشور به خصوص ریاست محترم قوه قضاییه اخطار قانون اساسی در خصوص نقض اصول ۲۶ و ۱۶۸ قانون اساسی بدهید و در مقابل این بی‌عدالتی‌ها و ستمگری‌ها اعتراض نمائید، شاید موجب تاثیر و بازدارندگی از تخریب بیشتر اعتبار نظام جمهوری اسلامی شود. والعاقبه للمتقین

دکتر ابراهیم یزدی

دبیرکل نهضت آزادی ایران



## نامه به سازمان صدا و سیما در مورد پخش مصاحبه دو تن از نمایندگان مجلس علیه نهضت

مدیر عامل محترم صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

جناب آقای لاریجانی

با سلام

در شامگاه روز سه شنبه ۸۱/۵/۱۵ در مصاحبه‌ای که صدا و سیما با دو نفر از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی پخش نمود، یکی از مصاحبه‌کنندگان مطالبی نادرست و موهن علیه نهضت آزادی ایران و رهبران به حق پیوسته آن ایراد نمود که دور از عدالت و انصاف بود. حق این نیست که مدعیان و معاندین یک حزب چهل و چند ساله و خدمتگزاران ایران و اسلام این گونه تنها یک طرفه به دادگاه افکار عمومی بروند. طنز قضیه در این است که تصور می‌کنند رأی دادگاه مردم به نفع آنان است. بدین وسیله درخواست می‌شود ترتیبی بدهید تا نماینده نهضت آزادی ایران در همان ساعت و به همان ترتیب در صدا و سیما حاضر شده و اتهامات ناروای پخش شده را پاسخ دهد که این به تقوای الهی نزدیکتر است.

نهضت آزادی ایران

## سه سند تاریخی

### برای پاسخ به تبلیغات علیه نهضت آزادی ایران

هموطنان عزیز،

همانگونه که مطلع هستید، در روزهای اخیر تبلیغات گسترده‌ای در صدا و سیما و پاره‌ای از رسانه‌ها علیه نهضت آزادی ایران صورت می‌گیرد و از آنجا که صدور رأی بدوی، انحلال نهضت آزادی ایران و احکام سنگین مسئولان و فعالان آن توسط دادگاه انقلاب فاقد دلایل قانونی و محکمه‌پسند می‌باشد، اجباراً مخالفان به جای ارائه دلائل و مستندات اتهامات سنگین مطرح شده از اسفند ماه سال ۱۳۷۹ تا کنون، در برنامه تبلیغاتی خود به نظرات رهبر فقید انقلاب در خرداد سال ۱۳۶۰ در خصوص لایحه پیشنهادی قصاص و نامه مورخ ۶۶/۱۱/۳۰ منتسب به ایشان که در سال ۱۳۶۸ بعد از رحلت ایشان منتشر شده است، متوسل شده‌اند. برای آگاهی عموم ملت ایران و نشان دادن سوابق و تحریف‌های تاریخی و ریشه‌های حملات اخیر، سه سند تاریخی را به شرح زیر منتشر می‌نمایم:

اطلاعیه مورخ ۱۳۶۰/۳/۲۷ در خصوص لایحه پیشنهادی قصاص.

بیانیه مورخ ۱۳۶۰/۴/۴ با عنوان «درددل نهضت آزادی ایران با رهبر انقلاب».

پاسخ‌های نهضت آزادی ایران به رئیس کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب پیوست اطلاعیه مورخ ۷۴/۹/۱۶

در خصوص نامه منتسب به امام و دلایل قانونی بودن فعالیت نهضت آزادی ایران.

نهضت آزادی ایران، در موقع مقتضی پاسخ اتهامات بی‌پایه و اساس دادنامه دادگاه انقلاب و اینگونه

تبلیغات واهی را خواهد داد. والعاقبه للمتقین

روابط عمومی

نهضت آزادی ایران

## ارسال دادنامه دادگاه انقلاب علیه نهضت جهت آیت‌الله صانعی

حضرت آیت‌الله العظمی جناب آقای یوسف صانعی

با سلام و تحیت و دعا برای سلامتی حضرت‌تعالی و آرزوی توفیق جلب رضایت الهی و خدمت به ایران و اسلام برای آن مرجع عالیقدر، از این‌که مصدع اوقات شریف می‌شویم عذرخواهی نموده و تقاضای بذل توجه داریم.

به یقین می‌دانیم که به علت اشراف کافی به مسائل روز از ستم‌هایی که بر اقشار مختلف ملت و گروه‌های سیاسی از جمله به نهضت آزادی ایران و اعضای آن، روزنامه‌نگاران و دانشجویان عزیز طی سال‌های اخیر رفته است اطلاع کافی دارید با این همه برای مزید اطلاع و فایده تکرار و تذکر، یک نسخه از دادنامه صادره توسط شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی تهران و یک نسخه از بیانیه اخیر ارسال می‌گردد. از جنابعالی که سال‌ها در سمت دادستان کل کشور انجام وظیفه نموده‌اید و عضو فقهای شورای نگهبان بوده‌اید و همچنین از مفسرین و شارحین کتاب و سنت هستید می‌خواهیم که با دید کارشناسی، فقهی، حقوقی، شرعی و عرفی بفرمایید رفتارهای دادگاه انقلاب اسلامی با کدام معیار دینی یا قانونی انطباق دارد؟ جنابعالی از آن‌چه که امروز به نام روحانیت شیعه با ادعای طرفداری از مرجعیت و فقاقت و ولایت اهل بیت عصمت و طهارت سلام‌الله‌علیهم اجمعین در کشور می‌گذرد به خوبی واقفید، با جود این به حکم: فَذَكَرَ ان الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ، معذره الی ربکم و لعلهم یتقون، وظیفه خود می‌دانیم که از باب انجام تکلیف و نیز به عنوان هشدار نسبت به واقعیت‌ها و پیامدهای اعمال ناروایی که به نام دین و روحانیت انجام می‌شود و این که نتایج مصیبت‌بار آن بر طبق آیه شریفه «اتقوا فتنه لاتصیبین الذین ظلموا منکم خاصه» تنها متوجه مسبین، آمرین و عاملین آن نخواهد بود. اعلام‌خطر نمائیم و هشدار بدهم.

اگر نهضت آزادی ایران در همان ماه‌های نخستین پس از پیروزی انقلاب اسلامی اصرار داشت که نام اسلام برای نهادهای مختلف کشور گذارده نشود، بر حضرت‌عالی و همگان پوشیده نیست که نه به دلیل سستی یا عدم اعتقاد به اسلام، بلکه به این دلیل بود که بعداً خطاها و تخلفات احتمالی گردانندگان و مسئولین کشور به حساب اسلام نوشته نشود، این چنین که امروز اتفاق افتاده است و چهره نورانی اسلام مخدوش نگردد.

آیا از مسئولان امور نباید پرسیده شود که چرا نتیجه شصت سال حکومت پهلوی با آن همه تبلیغ علیه اسلام راستین و تشویق جوانان به فساد و بی‌بند و باری، اقبال و رویکرد قشرهای مختلف مردم به ویژه جوانان و تحصیل‌کرده‌ها به دین و دینداری بود ولی نتیجه حکومت بیست‌وچند ساله به نام دین و روحانیت، دین‌گریزی، فساد، شیوع رشاء و ارتشاء و رباخواری و رویگردانی نسل دین و جوان از روحانیت و باورهای دینی بوده است؟ آیا نباید به ریشه‌یابی این رخدادها فاجعه‌آمیز پرداخت؟ و آیا اگر کسی یا گروه و حزبی از جمله نهضت آزادی ایران بنا بر احساس وظیفه و تکلیف مستتنبط از حکم الهی:

«ولتكن منكم امه يدعون الى الخير و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر» و به قصد اصلاح انگشت بر منہیات و منكرات بیّن و آشكار گذاشت، باید به تیرهای تهمت، افترا و تكفیر، انحلال و زندان محكوم و گرفتار شود؟ آیا به نظر حضرت عالی پاداش و سزای مردان و زنان مخلص و دلسوز نسبت به اسلام و ایران برای هشدار دادن به مسئولان كشور باید زجر و حبس و بدنامی رهبران و فعالین آن و انحلال و غیرقانونی نمودن حزب و مصادره اموال و محرومیت از همه امکانات و خاموش کردن همه صداها باشد؟ آیا کسی نیست که به این سؤال پاسخ دهد که اگر انذار تعدادی انگشت‌شمار برای حاکمان غیرقابل تحمل است با انذار الهی که: «وانذر الناس يوم يأتيهم العذاب فيقول الذين ظلموا ربنا ...» چه خواهند کرد؟ مگر امیرالمؤمنین و مولای متقیان علی علیه‌السلام نفرمود: من اقر بعد ضرب او حبس او تجريد او تخويف، فلا اقرار عليه؟» اگر این کلام حق است، که حتماً هست، آیا حبس و زجر و ترساندن آمران به معروف و ناهیان از منکر و معترضان به عملکرد مسئولان و گرفتن اقرار و اعتراف کذب‌آلود علیه آنان و در بوق و کرنا گذاشتن آن به قصد هتک حرمت و آبروی افراد، آن هم به نام دین نهادن بدعتی آشکار در دین نیست؟ آیا ظلمی بالاتر از انجام چنین اعمالی به نام مقدس دین مبین اسلام و نسبت دادن این رفتارها و گفتارهای مغایر شرع و انسانیت به خدا و پیامبر وجود دارد؟ آیا در قرآن کریم نفرموده است: واصبر نفسك مع الذين يدعون ربهم بالغداه و العشى يريدون وجهه، ما عليك من حسابهم من شيء» یا: «وما من حسابك عليهم من شيء ...» و یا: «ولاتطرد الذين يدعون ربهم بالغداه و العشى يريدون وجهه ما عليك من حسابهم من شيء و ما من حسابك عليهم من شيء فتطردهم فتكون من الظالمين»؟ مگر پیامبر اکرم (ص) نفرموده است: «اذا ظهرت البدع فلعالم يظهر علمه و الا فعليه لعنة الله»؟ آیا آنانی که امروز این رفتارها را با مردان مؤمن و مجاهد در راه حق، می‌کنند خود را عالم دینی نمی‌دانند و یا به حقایق امور و سوابق مردانی که نیم قرن با کمال صداقت و ایمان پاک به دین خدا و این مرز و بوم خدمت کرده‌اند آگاهی ندارند؟

ما از محضر جنابعالی می‌پرسیم آیا این رفتارها و منحل نمودن حزب نهضت آزادی ایران و در بند کردن افرادی که صداقت و ایمان و خدماتشان به ایران عزیز و اسلام در داخل و خارج غیرقابل انکار است مشکلی از مشکلات فراوان و پیچیده كشور را حل می‌کند و موجب عدم خروج فوج فوج افراد ملت به خصوص جوانان از دین یا میهن عزیزمان و لطمه زدن به وجهه كشورمان در خارج نخواهد شد؟ آیا چنین برخوردهایی، فساد، تباهی، نابودی حرث و نسل، رشاء و ارتشاء و سایر مفسد و آسیب‌های اجتماعی را در پی نخواهد داشت؟

به نظر ما در مقابل رفتارهایی که شرح آنها رفت دو راه بیشتر وجود ندارد: یا امر به معروف و ناهی از منکر بودن و یا سکوت و تایید ضمنی پیش گرفتن. آیا علت سرنگونی رژیم‌های گذشته فقط اسم و عنوان آنها یا نوع لباس حاکمان بوده است و آیا عملکرد و نادرست در لباس روحانیت از منظر الهی بدون عقاب خواهد ماند. یا آن که نیز باید به قرآن مجید متمسک شویم که می‌فرماید: «و لقد اهلكتنا القرون من قبلکم لما ظلموا ...» به یقین وعده الهی حق است و رهایی از عقاب او بدون تعویض عملکردها غیرممکن.

قانون اساسی یک میثاق ملی لازم‌الاتباع برای همه به خصوص حاکمان بر مسند قدرت نشستگان است و ضرورت التزام عملی حاکمان به اصول قانون اساسی، به خصوص اصول مصرحه در فصول سوم، پنجم و هفتم قانون اساسی، در رابطه با حقوق مردم و حاکمیت ملت بیش از مردم عادی است. اگر حاکمان

قانون را رعایت نکنند نه تنها اعتبار خود را در میان مردم از دست می‌دهند بلکه به علت شکستن تعهدات و سوگندها در نزد خدا و خلق خدا، مسئول می‌باشند. خداوند از مؤمنان خواسته است که: «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود»

نهضت آزادی ایران متهم به اقدام علیه امنیت ملی است. در شرایطی که انسدادهای داخلی و خطرات خارجی بیش از هر زمان کیان مملکت را تهدید می‌کند، و وفاق ملی یک ضرورت عقلانی است محاکماتی این‌چنینی و صدور احکام سنگین و انحلال یک حزب چهل‌وچند ساله، آیا خود بزرگترین اقدام علیه امنیت ملی نیست؟

نهضت آزادی ایران متهم به تبلیغات علیه نظام جمهوری اسلامی است. آیا چگونگی بازداشت، محاکمه غیرقانونی رهبران و اعضای نهضت آزادی و سایر شخصیت‌های ملی-مذهبی و صدور احکام سنگین، بزرگترین تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران نیست؟

آنچه نهضت آزادی ایران می‌خواهد این است که چون اتهامات علیه نهضت آزادی ایران حزبی که در طول تاریخ چهل و چند ساله خود، مصدر خدمات بزرگی به ایران و اسلام و انقلاب بوده است از مقوله جرایم سیاسی است و صرفنظر از صحت و سقم اتهامات، بر طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی و قانون احزاب (مصوب شهریور ۱۳۶۰) در یک دادگاه علنی با حضور هیأت منصفه رسیدگی شود.

از جنابعالی که خود دادستان کل منصوب رهبر فقید انقلاب بوده‌اید می‌خواهیم که با دید فقهی و حقوقی، شرعی و عرفی بفرمایید که رفتار دادگاه انقلاب اسلامی با کدام یک از موازین و معیارهای دینی و قانونی قابل توجیه است و چرا نباید نهضت آزادی ایران در یک دادگاه علنی و با حضور هیأت منصفه محاکمه شود.

ما با شناختی که از حضرتعالی داریم برایمان مسلم است که در این واقعه نیز مسیر حق را انتخاب خواهید فرمود.

و مانريد الا الاصلاح ما استطعنا على الله توكلنا و اليه نشكوا و اليه المصير

دکتر ابراهیم یزدی

دبیرکل نهضت آزادی ایران

## ارسال دادنامه دادگاه انقلاب علیه نهضت جهت آیت‌الله موسوی اردبیلی

حضرت آیت‌الله العظمی جناب آقای موسوی اردبیلی

با سلام و تحیت و دعا برای سلامتی حضرتعالی و آرزوی توفیق جلب و کسب رضایت الهی و خدمت به ایران و اسلام.

به یقین می‌دانیم که به علت اشراف کافی به مسائل روز از ستم‌هایی که بر اقشار مختلف ملت و گروه‌های سیاسی از جمله به نهضت آزادی ایران و اعضای آن، روزنامه‌نگاران و دانشجویان عزیز طی سال‌های اخیر رفته است اطلاع کافی دارید با این همه برای مزید اطلاع و فایده تکرار و تذکر، یک نسخه از دادنامه صادره توسط شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی تهران و یک نسخه از بیانیه اخیر ارسال می‌گردد.

حضرت عالی خود از مفسرین و شارحین کتاب و سنت هستید و از آن‌چه که امروز به نام روحانیت شیعه با ادعای طرفداری از مرجعیت و فقاقت و ولایت اهل بیت عصمت و طهارت سلام‌الله علیهم اجمعین در کشور می‌گذرد به خوبی واقفید، با جود این به حکم؛ «فذكر ان الذکری تنفع المؤمنین، معذره الی ربکم و لعلهم یتقون» وظیفه خود می‌دانیم که از باب انجام تکلیف و نیز به عنوان هشدار نسبت به واقعیت‌ها و پیامدهای اعمال ناروایی که به نام دین و روحانیت انجام می‌شود و این که نتایج مصیبت بار آن بر طبق آیه شریفه و اتقوا فتنه لاتصیبین الذین ظلموا منکم خاصه»، تنها متوجه مسببین، آمرین و عاملین آن نخواهد بود، اعلام خطر نمائیم و هشدار بدهیم.

اگر نهضت آزادی ایران در همان ماه‌های نخستین پس از پیروزی انقلاب اسلامی اصرار داشت که نام اسلام بر نهادهای مختلف کشور گذارده نشود، بر حضرت عالی و همگان پوشیده نیست که نه به دلیل سستی یا عدم اعتقاد به اسلام، بلکه به این دلیل بود که بعداً خطاها و تخلفات احتمالی گردانندگان و مسئولین کشور به حساب اسلام نوشته نشود و چهره نورانی اسلام مخدوش نگردد، این چنین که امروز اتفاق افتاده است.

آیا از مسئولان امور نباید پرسیده شود که چرا نتیجه شصت سال حکومت پهلوی با آن همه تبلیغ علیه اسلام راستین و تشویق جوانان به فساد و بی‌بند و باری، اقبال و رویکرد قشرهای مختلف مردم به ویژه جوانان و تحصیل‌کرده‌ها به دین و دینداری بود ولی نتیجه حکومت بیست و چند ساله به نام دین و روحانیت، دین‌گریزی، فساد، شیوع رشوه و ارتشاء و رباخواری و رویگردانی نسل دین و جوان از روحانیت و باورهای دینی بوده است؟ آیا نباید به ریشه‌یابی این رخدادها فاجعه‌آمیز پرداخت؟ و آیا اگر کسی یا گروه و حزبی از جمله نهضت آزادی ایران بنابر احساس وظیفه و تکلیف مستتنبط از حکم الهی: «ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» و قصد اصلاح انگشت بر منهیات و منکرات بیّن و آشکار گذاشت، باید به تیرهای تهمت، افترا و تکفیر، انحلال و زندان محکوم و

گرفتار شود؟ آیا به نظر حضرت عالی پاداش و سزای مردان و زنان مخلص و دلسوز نسبت به اسلام و ایران برای هشدار دادن به مسئولان کشور باید زجر و حبس و بدنامی رهبران و فعالین آن و انحلال و غیرقانونی نمودن حزب و مصادره اموال و محرومیت از همه امکانات و خاموش کردن همه صداها باشد؟ آیا کسی نیست که به این سؤال پاسخ دهد که اگر انذار تعدادی انگشت‌شمار برای حاکمان غیرقابل تحمل است با انذار الهی که: «وانذرالناس یوم یأتیهم العذاب فیقول الذین ظلموا ربنا ...» چه خواهند کرد؟ مگر امیرالمؤمنین و مولای متقیان علی علیه‌السلام نفرمود: «من اقر بعد ضرب او حبس او تجرید او تخویف، فلا اقرار علیه»؟ اگر این کلام حق است، که حتماً هست، آیا حبس و زجر و ترساندن آمران به معروف و ناهیان از منکر و معترضان به عملکرد مسئولان و گرفتن اقرار و اعتراف کذب‌آلود علیه آنان و در بوق و کرنا گذاشتن آن به قصد هتک حرمت و آبروی افراد آن هم به نام دین نهادن بدعتی آشکار در دین نیست؟ آیا ظلمی بالاتر از انجام چنین اعمالی به نام مقدس دین مبین اسلام و نسبت دادن این رفتارها و گفتارهای مغایر شرع و انسانیت به خدا و پیامبر وجود دارد؟ آیا در قرآن کریم نفرموده است «واصبر نفسك مع الذین یدعون ربهم بالغداه و العشی یریدون وجهه، ما علیک من حسابهم من شیئی یا: و ما من حسابک علیهم من شیئی ... یا: ولا تطرد الذین یدعون ربهم بالغداه و العشی یریدون وجهه ما علیک من حسابهم من شیئی و ما من حسابک علیهم من شیئی فتطردهم فتکون من الظالمین»؟ مگر پیامبر اکرم (ص) نفرموده است: اذا ظهرت البدع فلعالم ینظر علمه و الا فعلیه لعنه الله؟ آیا آنانی که امروز این رفتارها را با مردان مؤمن و مجاهد در راه حق، می‌کنند خود را عالم دینی نمی‌دانند و یا به حقایق امور و سوابق مردانی که نیم قرن با کمال صداقت و ایمان پاک به دین خدا و این مرز و بوم خدمت کرده‌اند آگاهی ندارند؟

ما از محضر جنابعالی می‌پرسیم آیا این رفتارها و منحل نمودن حزب نهضت آزادی ایران و در بند کردن افرادی که صداقت و ایمان و خدماتشان به ایران عزیز و اسلام در داخل و خارج غیر قابل انکار است مشکلی از مشکلات فراوان و پیچیده کشور را حل می‌کند و مانع خروج فوج فوج افراد ملت به خصوص جوانان از دین یا میهن عزیزمان و لطمه زدن به وجهه کشورمان در خارج خواهد شد؟ آیا چنین برخوردهایی، فساد، تباهی، نابودی حرث و نسل، رشاء و ارتشاء و سایر مفاسد و آسیب‌های اجتماعی را در پی نخواهد داشت؟

به نظر ما در مقابل رفتارهایی که شرح آنها رفت دو راه بیشتر وجود ندارد: یا امر به معروف و ناهی از منکر بودن و یا سکوت و تایید ضمنی پیش گرفتن. آیا علت سرنگونی رژیم‌های گذشته فقط اسم و عنوان آنها یا نوع لباس حاکمان بوده است و آیا عملکرد نادرست در لباس روحانیت از منظر الهی بدون عقاب خواهد ماند. یا آن که باید به قرآن مجید متمسک شویم که می‌فرماید: و لقد اهلکنا القرون من قبلکم لما ظلموا ... به یقین وعده الهی حق است و رهایی از عقاب او بدون تعویض عملکردها غیرممکن.

قانون اساسی یک میثاق ملی لازم‌الاتباع برای همه به خصوص حاکمان بر مسند قدرت نشستگان است و ضرورت التزام عملی حاکمان به اصول قانون اساسی، به خصوص اصول مصرحه در فصول سوم، پنجم و هفتم قانون اساسی، در رابطه با حقوق مردم و حاکمیت ملت بیشتر از مردم عادی است. اگر حاکمان قانون را رعایت نکنند نه تنها اعتبار خود را در میان مردم از دست می‌دهند بلکه به علت شکستن تعهدات و سوگندها در نزد خدا و خلق خدا، مسئول می‌باشند. خداوند از مؤمنان خواسته است که: یا ایها

الذین آمنوا او فوا بالعقود

نهضت آزادی ایران متهم به اقدام علیه امنیت ملی است. در شرایطی که انسدادهای داخلی و خطرات خارجی بیش از هر زمان کیان مملکت را تهدید می‌کند، و وفاق ملی یک ضرورت عقلانی است محاکماتی این‌چنینی و صدور احکام سنگین و انحلال یک حزب چهل و چند ساله، آیا خود بزرگترین اقدام علیه امنیت ملی نیست؟

نهضت آزادی ایران متهم به تبلیغات علیه نظام جمهوری اسلامی است. آیا چگونگی بازداشت، محاکمه غیرقانونی رهبران و اعضای نهضت آزادی و سایر شخصیت‌های ملی-مذهبی و صدور احکام سنگین، بزرگترین تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران نیست؟

آن‌چه نهضت آزادی ایران می‌خواهد این است که چون اتهامات علیه نهضت آزادی ایران حزبی که در طول تاریخ چهل و چند ساله خود، مصدر خدمات بزرگی به ایران و اسلام و انقلاب بوده است از مقوله جرایم سیاسی است و صرف نظر از صحت و سقم اتهامات، بر طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی و قانون احزاب (مصوب شهریور ۱۳۶۰) در یک دادگاه علنی با حضور هیأت منصفه رسیدگی شود.

از جنابعالی که خود از اعضای فعال شورای انقلاب و رئیس قوه قضائیه بوده‌اید و با سوابق و خدمات بسیاری از متهمین از نزدیک آشنا هستید، می‌خواهیم که با دید کارشناسی فقهی و حقوقی، شرعی و عرفی بفرمایید که رفتارهای دادگاه انقلاب اسلامی با کدام معیار دینی و قانونی انطباق دارد و چرا نباید نهضت آزادی ایران در یک دادگاه علنی و با حضور هیأت منصفه محاکمه شود.

ما با شناختی که از حضرتعالی داریم برایمان مسلم است که در این واقعه نیز مسیر حق را انتخاب نموده و خواهید فرمود.

و مانرید الا الاصلاح ما استطعنا علی الله توکلنا و الیه نشکوا و الیه المصیر

دکتر ابراهیم یزدی

دبیرکل نهضت آزادی ایران



## ارسال دادنامه دادگاه انقلاب علیه نهضت جهت آیت‌الله هاشمی شاهرودی

اعدلوا هو اقرب للتقوی

حضور محترم آیت‌الله هاشمی شاهرودی

ریاست محترم قوه قضاییه

با سلام و با آرزوی توفیق جنابعالی در استقرار عدالت و جلب رضایت حق سبحانه و تعالی. همان طور که مستحضر هستید شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی تهران بعد از ماه‌ها بالاخره حکم انحلال نهضت آزادی ایران و احکام محکومیت رهبران و فعالان نهضت آزادی و شخصیت‌های سیاسی-فرهنگی مستقل و مصادره ساختمان‌های مورد استفاده نهضت آزادی، بنیاد فرهنگی مهندس بازرگان، کانون نشر حقایق اسلامی مشهد و چندین انجمن فرهنگی غیروابسته را ابلاغ نموده است. نهضت آزادی ایران و متهمان موضوع دادنامه شماره ۲۱/۸۱/۱۶ مورخ ۸۱/۲/۲۶ هر یک به صورت فردی و یا از طریق وکلای خود، در موعد مقرر به احکام صادره اعتراض نموده و لایحه دفاعیه‌ای را در سه بخش حقوقی، سیاسی و اختصاصی به دادگاه تسلیم و درخواست تجدیدنظر در دیوان عالی کشور را نموده‌اند.

قطعا جنابعالی به اهمیت و خطیر بودن بازداشت و محاکمه و محکومیت جمعی از رهبران و فعالان یکی از قدیمی‌ترین احزاب سیاسی ایران که از مدیران و خدمتگزاران انقلاب بوده و جایگاه علمی و اجتماعی آنان و واکنش‌های گسترده‌ای که مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران، احزاب و گروه‌ها و شخصیت‌های فرهنگی-سیاسی در دوران بازداشت و بعد از اعلام رأی دادگاه انقلاب نشان داده‌اند و از بازتاب‌های داخلی و بین‌المللی آن مطلع هستید و به عنوان یک پرونده ملی به پیامدهای آن وقوف کامل دارید.

با ارسال یک نسخه از دادنامه صادره توسط شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی و همچنین لایحه دفاعیه نهضت آزادی ایران و متهمان پرونده مذکور در فوق به پیوست از جنابعالی درخواست می‌نمایم بر طبق وظایفی که قانون اساسی به شرح زیر برعهده قوه قضاییه و حضرتعالی به عنوان رئیس قوه قضاییه گذاشته است اقدام لازم معمول نمائید.

اصل ۵۶ قانون اساسی از جمله وظایفی که برای قوه قضاییه مقرر داشته است پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی و مسئولیت تحقق بخشیدن به عدالت و احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع می‌باشد.

بر طبق اصل ۱۵۷، جنابعالی به عنوان یک مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر به ریاست این قوه منصوب شده‌اید.

به موجب اصل ۱۶۱، دیوان عالی کشور براساس ضوابطی که رئیس قوه قضاییه تعیین می‌نماید بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی نظارت می‌نماید.

جناب‌عالی در مقام قاضی‌القضات کشور به خوبی به شرایط و ویژگی‌های قضایی و ضرورت رعایت عدالت در قضاوت و مسئولیت سنگینی که در پیشگاه ملت در دنیا و در محضر الهی در آخرت دارید واقف می‌باشید.

در کارنامه عملکرد چهل ساله نهضت آزادی ایران هیچ چیزی جز خدمت به ایران و اسلام با انگیزه جلب رضای الهی وجود ندارد. ما از رسیدگی و محاکمه نگران نیستیم. پرونده نهضت آزادی ایران را براساس اصل ۱۶۸ قانون اساسی به یک دادگاه علنی، با حضور هیأت منصفه ارجاع نمائید. بگذارید صاحبان و مالکین اصلی این سرزمین فرصت شنیدن اتهامات علیه نهضت آزادی ایران و مدافعات ما را پیدا کنند و خود به قضاوت بنشینند. مدعیان نهضت آزادی ایران نباید از آگاهی ملت از آنچه در دادگاه گذشته است و از آنچه در ادعانامه دادستان و دادنامه دادگاه انقلاب اسلامی آمده است نگران باشند.

از طرف دیگر جناب‌عالی بر طبق اصل ۱۷۶ قانون اساسی، به عنوان رئیس قوه قضاییه، عضو شورای عالی امنیت ملی نیز می‌باشید. در وضعیت بحرانی کنونی و انسدادهای داخلی و خطرات جدی خارجی که از هر سو کشورمان را تهدید می‌کند، به نظر ما محاکمه و محکومیت نهضت آزادی ایران و رهبران و فعالان آن اقدام جدی علیه امنیت ملی کشورمان می‌باشد.

با توجه به این که دو عضو اصلی دیگر شورای عالی امنیت ملی، وزیران اطلاعات و کشور، که نهادهای مسئول امنیت کشور می‌باشند، در فرصت‌های مختلف عدم موافقت خود را با ادعاهای دادستان و دادگاه انقلاب اسلامی علیه نهضت آزادی ایران اعلام نموده‌اند. شایسته است این پرونده در شورای عالی امنیت ملی مطرح و تصمیم مقتضی اتخاذ گردد.

با تشکر از توجه مساعدی که مبذول خواهید فرمود. والعاقبه للمتقين

دکتر ابراهیم یزدی

دبیرکل نهضت آزادی ایران

## ارسال دادنامه دادگاه انقلاب علیه نهضت جهت آیت‌الله بهجت

حضرت آیت‌الله العظمی جناب آقای بهجت

با سلام و تحیت و دعا برای سلامتی حضرت‌تعالی و آرزوی توفیق جلب و کسب رضایت الهی و خدمت به ایران و اسلام.

به یقین می‌دانیم که به علت اشراف کافی به مسائل روز از ستم‌هایی که بر اقشار مختلف ملت و گروه‌های سیاسی از جمله به نهضت آزادی ایران و اعضای آن، روزنامه‌نگاران و دانشجویان عزیز طی سال‌های اخیر رفته است اطلاع کافی دارید با این همه برای مزید اطلاع و فایده تکرار و تذکر، یک نسخه از دادنامه صادره توسط شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی تهران و یک نسخه از بیانیه اخیر ارسال می‌گردد.

حضرت‌عالی خود از مفسرین و شارحین کتاب و سنت هستید و از آن‌چه که امروز به نام روحانیت شیعه با ادعای طرفداری از مرجعیت و فقاقت و ولایت اهل بیت عصمت و طهارت سلام‌الله علیهم اجمعین در کشور می‌گذرد به خوبی واقفید، با جود این به حکم؛ فذکر ان الذکری تنفع المؤمنین، معذره الی ربکم و لعلمم یتقون و وظیفه خود می‌دانیم که از باب انجام تکلیف و نیز به عنوان هشدار نسبت به واقعیت‌ها و پیامدهای اعمال ناروایی که به نام دین و روحانیت انجام می‌شود و این که نتایج مصیبت بار آن بر طبق آیه شریفه و اتقوا فتنه لاتصیبین الذین ظلموا منکم خاصه، تنها متوجه مسببین، آمرین و عاملین آن نخواهد بود، اعلام خطر نمائیم و هشدار بدهیم.

اگر نهضت آزادی ایران در همان ماه‌های نخستین پس از پیروزی انقلاب اسلامی اصرار داشت که نام اسلام بر نهادهای مختلف کشور گذارده نشود، بر حضرت‌عالی و همگان پوشیده نیست که نه به دلیل سستی یا عدم اعتقاد به اسلام، بلکه به این دلیل بود که بعداً خطاها و تخلفات احتمالی گردانندگان و مسئولین کشور به حساب اسلام نوشته نشود و چهره نورانی اسلام مخدوش نگردد، این چنین که امروز اتفاق افتاده است.

آیا از مسئولان امور نباید پرسیده شود که چرا نتیجه شصت سال حکومت پهلوی با آن همه تبلیغ علیه اسلام راستین و تشویق جوانان به فساد و بی‌بند و باری، اقبال و رویکرد قشرهای مختلف مردم به ویژه جوانان و تحصیل‌کرده‌ها به دین و دینداری بود ولی نتیجه حکومت بیست و چند ساله به نام دین و روحانیت، دین‌گریزی، فساد، شیوع رشوه و ارتشاء و رباخواری و رویگردانی نسل دین و جوانان از روحانیت و باورهای دینی بوده است؟ آیا نباید به ریشه‌یابی این رخدادهای فاجعه‌آمیز پرداخت؟ و آیا اگر کسی یا گروه و حزبی از جمله نهضت آزادی ایران بنا بر احساس وظیفه و تکلیف مستتنبط از حکم الهی: «ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» و قصد اصلاح انگشت بر

منهیات و منکرات بیین و آشکار گذاشت، باید به تیرهای تهمت، افترا و تکفیر، انحلال و زندان محکوم و گرفتار شود؟ آیا به نظر حضرت عالی پاداش و سزای مردان و زنان مخلص و دلسوز نسبت به اسلام و ایران برای هشدار دادن به مسئولان کشور باید زجر و حبس و بدنامی رهبران و فعالین آن و انحلال و غیرقانونی نمودن حزب و مصادره اموال و محرومیت از همه امکانات و خاموش کردن همه صداها باشد؟ آیا کسی نیست که به این سؤال پاسخ دهد که اگر انذار تعدادی انگشت شمار برای حاکمان غیرقابل تحمل است با انذار الهی که: و انذر الناس یوم یأتیهم العذاب فیقول الذین ظلموا ربنا ... چه خواهند کرد؟ مگر امیرالمؤمنین و مولای متقیان علی علیه السلام نفرمود: من اقر بعد ضرب او حبس او تجرید او تخویف، فلا اقرار علیه؟ اگر این کلام حق است، که حتماً هست، آیا حبس و زجر و ترساندن آمران به معروف و ناهیان از منکر و معترضان به عملکرد مسئولان و گرفتن اقرار و اعتراف کذب آلود علیه آنان و در بوق و کرنا گذاشتن آن به قصد هتک حرمت و آبروی افراد آن هم به نام دین، نهادن بدعتی آشکار در دین نیست؟ آیا ظلمی بالاتر از انجام چنین اعمالی به نام مقدس دین مبین اسلام و نسبت دادن این رفتارها و گفتارهای مغایر شرع و انسانیت به خدا و پیامبر وجود دارد؟ آیا در قرآن کریم نفرموده است و اصبر نفسک مع الذین یدعون ربهم بالغداه و العشی یریدون وجهه، ما علیک من حسابهم من شیئی یا: و ما من حسابک علیهم من شیئی ... و یا: ولا تطرد الذین یدعون ربهم بالغداه و العشی یریدون وجهه ما علیک من حسابهم من شیئی و ما من حسابک علیهم من شیئی فتطردهم فتکون من الظالمین؟ مگر پیامبر اکرم (ص) نفرموده است: اذا ظهرت البدع فللعالم ینظر علمه و الا فعلیه لعنه الله؟ آیا آنانی که امروز این رفتارها را با مردان مؤمن و مجاهد در راه حق، می‌کنند خود را عالم دینی نمی‌دانند و یا به حقایق امور و سوابق مردانی که نیم قرن با کمال صداقت و ایمان پاک به دین خدا و این مرز و بوم خدمت کرده‌اند آگاهی ندارند؟

ما از محضر جنابعالی می‌پرسیم آیا این رفتارها و منحل نمودن حزب نهضت آزادی ایران و در بند کردن افرادی که صداقت و ایمان و خدماتشان به ایران عزیز و اسلام در داخل و خارج غیرقابل انکار است مشکلی از مشکلات فراوان و پیچیده کشور را حل می‌کند و مانع خروج فوج فوج افراد ملت به خصوص جوانان از دین یا میهن عزیزمان و لطمه زدن به وجهه کشورمان در خارج خواهد شد؟ آیا چنین برخوردهایی، فساد، تباهی، نابودی حرث و نسل، رشاء و ارتشاء و سایر مفاسد و آسیب‌های اجتماعی را در پی نخواهد داشت؟

به نظر ما در مقابل رفتارهایی که شرح آنها رفت دو راه بیشتر وجود ندارد: یا امر به معروف و ناهی از منکر بودن و یا سکوت و تایید ضمنی پیش گرفتن. آیا علت سرنگونی رژیم‌های گذشته فقط اسم و عنوان آنها یا نوع لباس حاکمان بوده است و آیا عملکرد نادرست در لباس روحانیت از منظر الهی بدون عقاب خواهد ماند. یا آن که باید به قرآن مجید متمسک شویم که می‌فرماید: و لقد اهلکنا القرون من قبلکم لما ظلموا ... به یقین وعده الهی حق است و رهایی از عقاب او بدون تعویض عملکردها غیرممکن.

قانون اساسی یک میثاق ملی لازم‌الاتباع برای همه به خصوص حاکمان بر مسند قدرت نشسته است و ضرورت التزام عملی حاکمان به اصول قانون اساسی، به خصوص اصول مصرحه در فصول سوم، پنجم و هفتم قانون اساسی، در رابطه با حقوق مردم و حاکمیت ملت بیشتر از مردم عادی است. اگر حاکمان قانون را رعایت نکنند نه تنها اعتبار خود را در میان مردم از دست می‌دهند بلکه به علت شکستن تعهدات و

سوگندها در نزد خدا و خلق خدا، مسئول می‌باشند. خداوند از مؤمنان خواسته است که: یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود

نهضت آزادی ایران متهم به اقدام علیه امنیت ملی است. در شرایطی که انسدادهای داخلی و خطرات خارجی بیش از هر زمان کین مملکت را تهدید می‌کند، و وفاق ملی یک ضرورت عقلانی است محاکماتی این‌چنینی و صدور احکام سنگین و انحلال یک حزب چهل و چند ساله، آیا خود بزرگترین اقدام علیه امنیت ملی نیست؟

نهضت آزادی ایران متهم به تبلیغات علیه نظام جمهوری اسلامی است. آیا چگونگی بازداشت، محاکمه غیرقانونی رهبران و اعضای نهضت آزادی و سایر شخصیت‌های ملی-مذهبی و صدور احکام سنگین، بزرگترین تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران نیست؟

آنچه نهضت آزادی ایران می‌خواهد این است که چون اتهامات علیه نهضت آزادی ایران حزبی که در طول تاریخ چهل و چند ساله خود، مصدر خدمات بزرگی به ایران و اسلام و انقلاب بوده است از مقوله جرایم سیاسی است و صرفنظر از صحت و سقم اتهامات، بر طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی و قانون احزاب (مصوب شهریور ۱۳۶۰) در یک دادگاه علنی با حضور هیأت منصفه رسیدگی شود.

بدین وسیله از جنابعالی درخواست داریم که با دید کارشناسی فقهی و حقوقی، شرعی و عرفی بفرمایید که رفتارهای دادگاه انقلاب اسلامی با کدام معیار دینی و قانونی انطباق دارد و چرا نباید به اتهامات نهضت آزادی ایران در یک دادگاه علنی و با حضور هیأت منصفه رسیدگی شود.

ما با شناختی که از حضرتعالی داریم برایمان مسلم است که در این واقعه نیز مسیر حق را انتخاب نموده و خواهید فرمود.

و ما نريد الا الاصلاح ما استطعنا على الله توكلنا و اليه نشكوا و اليه المصير

نهضت آزادی ایران

بسمه تعالی

## نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۴۰

شماره: ۱۷۹۱

تاریخ: ۱۳۸۱/۰۶/۱۴

### ارسال دادنامه دادگاه انقلاب علیه نهضت جهت آقای بجنوردی

جناب آقای سید کاظم بجنوردی

با سلام و آرزوی توفیق در جلب رضای خداوند سبحان و خدمت به ایران و اسلام  
به پیوست یک رونوشت از دادنامه و احکام صادره توسط شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی تهران همراه  
با لایحه دفاعیه تجدیدنظرخواهی اعضای نهضت آزادی ایران شامل بخش اول لایحه حقوقی و بخش دوم  
لایحه دفاعیه سیاسی به ضمیمه نشریات مورد استناد در دادنامه، جهت اطلاع شخص جنابعالی (و نه برای  
انتشار) ایفاد می‌گردد.

انتظار دارد براساس موازین حق و عدالت و انصاف اقدام مقتضی معمول فرمایید.

دکتر ابراهیم یزدی

دبیرکل نهضت آزادی ایران

بسمه تعالی

## نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۴۰

شماره: ۱۷۹۲

تاریخ: ۱۳۸۱/۰۶/۱۴

### ارسال دادنامه دادگاه انقلاب علیه نهضت جهت آقای دکتر سروش

جناب آقای دکتر عبدالکریم سروش

با سلام و آرزوی توفیق در جلب رضای خداوند سبحان و خدمت به ایران و اسلام  
به پیوست یک رونوشت از دادنامه و احکام صادره توسط شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی تهران همراه  
با لایحه دفاعیه تجدیدنظرخواهی اعضای نهضت آزادی ایران شامل بخش اول لایحه حقوقی و بخش دوم  
لایحه دفاعیه سیاسی جهت اطلاع شخص جنابعالی (و نه برای انتشار) ایفاد می‌گردد.  
انتظار دارد براساس موازین حق و عدالت و انصاف اقدام مقتضی معمول فرمایید.

دکتر ابراهیم یزدی

دبیرکل نهضت آزادی ایران

بسمه تعالی

نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۴۰

شماره: ۱۷۹۳

تاریخ: ۱۳۸۱/۰۶/۱۴

## ارسال دادنامه دادگاه انقلاب علیه نهضت جهت آقای دعائی

جناب آقای سید محمود دعائی

با سلام و آرزوی توفیق در جلب رضای خداوند سبحان و خدمت به ایران و اسلام  
به پیوست یک رونوشت از دادنامه و احکام صادره توسط شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی تهران همراه  
با لایحه دفاعیه تجدیدنظرخواهی اعضای نهضت آزادی ایران شامل بخش اول لایحه حقوقی و بخش دوم  
لایحه دفاعیه سیاسی جهت اطلاع شخص جنابعالی (و نه برای انتشار) ایفاد می‌گردد.  
انتظار دارد براساس موازین حق و عدالت و انصاف اقدام مقتضی معمول فرمایید.

دکتر ابراهیم یزدی

دبیرکل نهضت آزادی ایران



## درخواست طرح پرونده نهضت در شورای امنیت ملی از رئیس جمهور

جناب آقای سید محمد خاتمی

ریاست محترم جمهوری

با سلام و با آرزوی توفیق جلب رضایت حق و خدمت به ایران و اسلام  
ضمن تشکر از ارجاع پرونده شکایت نهضت آزادی ایران به هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون  
اساسی و توجه و اقدام سریع جناب آقای دکتر مهرپور، به پیوست یک نسخه از لایحه دفاعیه سیاسی  
اعضای نهضت آزادی ایران ایفاد می‌گردد.  
ضمناً به اطلاع می‌رساند یک نسخه از لایحه دفاعیه حقوقی قبلاً حضوری به آقای دکتر مهرپور داده  
شده است.

نظر به اهمیتی که پرونده اتهامی و آرای صادره علیه نهضت آزادی ایران در رابطه با مصالح و امنیت  
ملی دارد، چنانچه مصلحت بدانید، اتخاذ تصمیم در باره آن، در شورای عالی امنیت ملی به عمل آید و  
همان‌گونه که جنابعالی در مصاحبه اخیر خود مورد تأکید قرار داده‌اید، پرونده اتهامات علیه نهضت آزادی  
ایران بر طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی در محاکم عادی دادگستری، به طور علنی و با حضور هیأت منصفه  
مورد رسیدگی قرار گیرد.

با تشکر مجدد

دکتر ابراهیم یزدی

دبیرکل نهضت آزادی ایران

بسمه تعالی

## نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۴۰

شماره: ۱۷۹۵

تاریخ: ۱۳۸۱/۰۶/۱۴

### ارسال دادنامه دادگاه انقلاب علیه نهضت جهت رئیس مجلس

جناب آقای مهدی کروی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

با سلام و با آرزوی توفیق جلب رضایت حق و خدمت به خلق

به پیوست یک نسخه از احکام صادره علیه اعضای نهضت آزادی ایران و سایر شخصیت‌های مستقل و

فرهنگی-اجتماعی، به همراه لایحه دفاعیه حقوقی و لایحه دفاعیه سیاسی اعضای نهضت آزادی جهت

استحضار شخص جنابعالی (و نه برای انتشار) ایفاد می‌گردد.

انتظار می‌رود، در مقام نماینده ملت در مجلس و رئیس قوه مقننه، هر آنچه را که براساس موازین حق

و عدالت و اجرای قانون مقتضی می‌دانید اقدام فرمایید.

دکتر ابراهیم یزدی

دبیرکل نهضت آزادی ایران

## شکایت از قوه قضائیه به کمیسیون اصل ۹۰

جناب آقای حجت‌الاسلام انصاری راد

رئیس محترم کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی

موضوع: شکایت از قوه قضائیه

با سلام و آرزوی توفیق بیشتر در جلب رضای حق و خدمت به خلق او، به طوری که مستحضرید، به موجب اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸، رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی باید به صورت علنی و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت گیرد و تعیین نحوه انتخاب شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی براساس موازین اسلامی بر عهده قانون گذارنده شده است.

از سوی دیگر، بر طبق بند ۲ اصل یکصد و پنجاه و هفتم قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی جز وظایف شورای عالی قضایی شمرده شده بود که در بازنگری قانون اساسی، مصوب ۱۳۶۸، این وظیفه به موجب بند ۲ اصل یکصد و پنجاه و هشتم بر عهده رئیس قوه قضائیه گذاشته شده است.

همچنین به موجب ماده ۱۹ قانون فعالیت احزاب و گروه‌ها، مصوب شهریور ۱۳۶۰: «شورای عالی قضایی (رئیس قوه قضائیه) موظف است ظرف یک ماه از تاریخ تصویب این قانون لایحه تشکیل هیأت منصفه محاکم دادگستری موضوع اصل

با توجه به اصول و مواد فوق‌الذکر، ملاحظه می‌شود که قوه قضائیه در ایفای وظیفه‌ای که بر عهده آن بوده، بیش از ۲۰ سال تاخیر و تعلل داشته است و این قصور توجیه‌ناپذیر، به ویژه پس از پایان یافتن جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، باعث شده است که دادگاه انقلاب اسلامی به عذر فقدان قانون در باره جرم سیاسی و هیأت منصفه، موضوع اصل ۱۶۸ قانون اساسی، در سال گذشته، اتهامات فعالان سیاسی منتقد عملکرد نهادها یا مسئولان حکومتی را، «اقدام علیه امنیت کشور» و عناوین دیگری به حساب آورده و بازداشت، محاکمه و صدور حکم در باره آنان را براساس قوانین ناظر بر اتهامات و جرایم مربوط به اقدام علیه امنیت کشور و غیره انجام داده است. دادگاه انقلاب حتی حاضر به قبول مصوبات شورای انقلاب در مورد جرم سیاسی تلقی کردن «اقدام علیه امنیت کشور» نشده است.

نظر به این که قصور قوه قضائیه و عملکرد دادگاه انقلاب، به شرحی که گذشت، زیان‌های معنوی و مادی (روحي و جسمی) بسیاری را برای فعالان سیاسی و حتی اشخاص غیرسیاسی ولی متهم به فعالیت

سیاسی- از جمله رهبران و اعضای نهضت آزادی ایران که در طول این مدت بازداشت، محاکمه و بعضاً محکوم شده‌اند، در برداشته است. بدین وسیله علیه قوه قضاییه شکایت و درخواست جبران خسارت معنوی و مادی و اعاده حیثیت می‌کنیم و خواهشمندیم مقرر فرمایید که اقدامات لازم برای رسیدگی به این شکایت و اتخاذ تصمیم مقتضی در باره آن صورت گیرد.

در پایان، بار دیگر توفیق بیشترتان را در احقاق حقوق شرعی، قانونی و انسانی شاکیان دادار متعال مسئلت می‌کنیم.

دکتر ابراهیم یزدی  
دبیرکل نهضت آزادی ایران

## شکایت از شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی

### به کمیسیون اصل ۹۰

جناب آقای حجت الاسلام انصاری راد

رئیس محترم کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی

موضوع: شکایت از شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی تهران

به پیوست کپی دادنامه شماره ۲۱/۸۱/۱۴۱ مورخ ۸۱/۲/۲۶ صادره از شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی تهران را که حاوی حکم انحلال نهضت آزادی ایران و ۵ مؤسسه فرهنگی مستقل در تهران و شهرستان‌ها (که دادگاه انقلاب آنها را به غلط وابسته و تحت پوشش نهضت آزادی ایران دانسته است)، محکومیت ۴۱ نفر از اداره‌کنندگان و اعضای نهضت آزادی ایران شخصیت‌های فرهنگی و اجتماعی مستقل (که دادگاه آنها را نیز به غلط عضو نهضت آزادی محسوب کرده است)، از ۴ ماه تا ۱۰ سال زندان و یا پرداخت جریمه‌های نقدی و نیز مصادره اموال متعلق به تعدادی از محکوم شدگان مذکور است، تقدیم می‌کنیم:

نظر به این که :

۱- به دلیل ماهیت سیاسی اتهامات و ضرورت رسیدگی به آنها در یک دادگاه علنی با حضور هیأت منصفه بر طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی؛ و این که در قانون احزاب (مصوب ۱۳۶۰) جرایم احزاب سیاسی و نحوه رسیدگی به آنها معین شده است و منع قانونی ورود دادگاه انقلاب به تخلفات احزاب (به موجب تبصره ۲ ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب) دادگاه انقلاب صلاحیت ادخال در قضیه را نداشته است.

۲- مسئولان نهضت آزادی ایران و موسسات دیگر به دادرسی فراخوان نشده‌اند و حکم انحلال آنها غیاباً و بدون طی مراحل قانونی و رعایت موازین حقوقی صادر شده است.

۳- مستندات احکام صادره عموماً فاقد وجاهت و اعتبار قانونی بوده است.

۴- مصادره اموال اشخاص (که در دادنامه به عنوان «ضبط» ذکر شده است) منحصرأ از اختیارات

دیوان عالی کشور است و خارج از محدوده صلاحیت دادگاه انقلاب می‌باشد.

بدین وسیله علیه رئیس شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی تهران شکایت و درخواست رسیدگی قانونی

می‌کنیم.

ضمناً یک نسخه از لوایح تجدیدنظر خواهی و دفاعیه‌های حقوقی و سیاسی وکلای حقوقی و اعضای نهضت آزادی جهت اطلاع (و نه انتشار) به جنابعالی و اعضای محترم کمیسیون اصل ۹۰ ایفاد می‌گردد.

دکتر ابراهیم یزدی

دبیرکل نهضت آزادی ایران

رونوشت:

- کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
- کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد
- دیده‌بان حقوق بشر
- عفو بین‌المللی و سایر سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر

بسمه تعالی

## نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۴۰

شماره: ۱۷۹۹

تاریخ: ۱۳۸۱/۰۷/۰۳

### ارسال نشریات مورد استناد دادگاه انقلاب اسلامی جهت ریاست جمهوری

جناب آقای سید محمد خاتمی

ریاست محترم جمهوری

با سلام و آرزوی سلامتی و موفقیت پیرو نامه مورخه ۸۱/۵/۱۷ شماره ۱۷۸۴ یک نسخه از نشریات مورد استناد دادنامه توسط شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی علیه نهضت آزادی و اعضای آن را تقدیم می‌دارد. برای هر نوع اظهارنظر و قضاوت در باره مطالب نادرست و تحریف شده در این دادنامه، مراجعه به اصل این اسناد ضروری به نظر می‌رسد.  
با تشکر از توجهی که مبذول خواهید داشت.

با تقدیم احترام

دکتر ابراهیم یزدی

دبیرکل نهضت آزادی ایران

بسمه تعالی

## نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۴۰

شماره: ۱۸۰۰

تاریخ: ۱۳۸۱/۰۷/۰۳

### ارسال دادنامه دادگاه انقلاب جهت دادستان کل کشور و درخواست وقت ملاقات

آیت‌الله جناب آقای نمازی

دادستان کل کشور

با سلام و آرزوی توفیق در جلب رضای خداوند سبحان و خدمت به ایران و اسلام  
نهضت آزادی ایران بدین وسیله درخواست ملاقات برای توضیحات پیرامون وضعیت نهضت آزادی را  
می‌نماید.

ضمناً یک رونوشت از دادنامه و احکام صادره توسط شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی تهران همراه با  
لایحه دفاعیه تجدیدنظرخواهی اعضای نهضت آزادی ایران شامل بخش اول لایحه حقوقی و بخش دوم  
لایحه دفاعیه سیاسی به ضمیمه نشریات مورد استناد در دادنامه، جهت اطلاع شخص جنابعالی (و نه برای  
انتشار) ایفاد می‌گردد.

با تشکر

دکتر ابراهیم یزدی

دبیرکل نهضت آزادی ایران



## اعتراض نهضت آزادی ایران

### به حکم دادگاه تجدید نظر آقای دادخواه

اعدلوا هو اقرب للتقوی

هموطنان گرامی

جناب آقای سیدمحمدعلی دادخواه، وکیل تعدادی از اعضا، از جمله دبیرکل نهضت آزادی ایران در دادگاه انقلاب، که بر اثر شکایت رئیس شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب، در دادگاه عمومی ۱۴۱۰ به ده سال محرومیت از اشتغال به وکالت و ۵ ماه زندان محکوم شده بود، در دادگاه تجدیدنظر، خوشبختانه حکم ده سال محرومیت از وکالت لغو، لکن حکم زندان ایشان تایید گردید.

پرونده اتهامات اعضای نهضت آزادی ایران در شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب رسیدگی و احکام محکومیت صادر شده است. شکایت رئیس شعبه ۲۱ از وکیل تعدادی از متهمان نهضت آزادی و محکومیت ایشان و تایید آن در دادگاه تجدیدنظر بر حسب گزارش حقوقی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی تخلف آشکار از تبصره ۳ ماده واحده مصوب ۱۳۷۰/۷/۱۵ مجلس شورای اسلامی در تبیین اصل ۳۵ قانون اساسی می‌باشد، که در آن تصریح شده است: «وکیل در موضع دفاع از احترام و تأمینات شاغلین شغل قضا برخوردار می‌باشد». آقای دادخواه در مقام انجام وظیفه از حقوق قانونی موکلین خود شجاعانه و به طور مستدل دفاع نموده است؛ تایید محکومیت ایشان، آن هم چند روز بعد از انتشار گزارش حقوقی کمیسیون اصل ۹۰، از نظر بسیاری از آگاهان سیاسی، کارشناسان حقوقی، صاحبان اندیشه، نمایندگان و اقشار مختلف مردم موجب شگفتی است. این محکومیت بی‌تردید مزید بر تضعیف قوه قضاییه به طور خاص و نظام جمهوری اسلامی به طور عام، در محضر افکار عمومی در سطح ملی و بین‌المللی می‌باشد. جهانیان با مشاهده این نوع رفتارها درباره کشور ما چگونه خواهند اندیشید؟ آیا این شیوه‌ها با کاهش تشنجات و تحقق وفاق ملی، حفظ آبروی نظام و سیاست خارجی مطلوب سازگاری دارد؟ نهضت آزادی ایران ضمن اظهار تأسف از صدور چنین حکمی، توجه مسئولان کشور را به ضرورت بررسی جدی آنچه در قوه قضاییه می‌گذرد جلب می‌نماید.

آیا افکار عمومی ملت ایران که هیأت منصفه این محاکمات می‌باشند، این نوع احکام را تایید می‌نمایند؟ و یا برعکس این محکومیت‌ها مزید بر اعتبار وکلای مدافع شجاع می‌گردد. در نهایت و مهمتر از همه این که خداوند باری تعالی، که عزت و ذلت بندگان در گرو مشیت و اراده اوست، داور نهایی اعمال همگان می‌باشد. ایس الله باحکم الحاکمین (تین-۸)

نهضت آزادی ایران

## نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران

به

### دبیران کل جبهه مشارکت ایران اسلامی و جمعیت مؤتلفه اسلامی

قل لعبادی یقولوا التی هی احسن (اسراء-۵۳)

جناب آقای حبیب‌الله عسکراولادی مسلمان دبیرکل جمعیت مؤتلفه اسلامی  
جناب آقای دکتر محمدرضا خاتمی، دبیرکل جبهه مشارکت ایران اسلامی

با سلام و آرزوی توفیق همگان در جلب رضایت خداوند قادر متعال و خدمت به ایران و اسلام نهضت آزادی ایران با دقت و علاقه نامه‌های مبادله شده میان دبیران کل دو حزب بزرگ و موثر در درون حاکمیت را پیگیری کرده است. برقراری چنین گفتگوهایی میان رهبری حزب اکثریت اصلاح‌طلبان و رهبری حزب اقلیت، اما نیروی محرک و محور اصلی جناح محافظه‌کاران، اگر اراده اصلاح و تغییر مشی در رهبری هر دو جریان اقلیت و اکثریت وجود داشته باشد، می‌تواند موجب کاهش تنش‌های سیاسی موجود گردد. علاوه بر این نهضت آزادی مکاتبات بین دبیران کل دو حزب را، در حضور ملت مفید و آموزنده می‌داند. هم واقعیت‌ها و حقایق از خلال بحث‌ها و تضارب نظرات برای مردم روشن‌تر می‌گردد و هم طرفین مجبور به اتخاذ مواضع منطقی در برابر میلیون‌ها نفر می‌گردند و می‌توان امیدوار بود اتخاذ منطقی بر عملکردهای واقعی طرفین در عمل سیاسی نیز اثر گذار باشد و رفتارهای خشونت‌گرا و قانون‌گریز و به دور از انصاف تعدیل گردد. در این گفتگوها، آنچه مهم و مطلوب است، رفع اختلافات نیست بلکه نهادینه شدن فرایند گفتگو برای فهم بهتر محدوده اختلافات و همکنشی‌های بهداشتی برای کاهش تشنجات سیاسی نامطلوب کنونی است. برای موثر بودن هر چه بیشتر این گفتگوها، شرط لازم آن است که طرفین از به کارگیری زبان تهمت و افترا و برچسب زدن به یکدیگر پرهیز نمایند.

معیارهای ما در ورود به این گفتگوی سیاسی قبل از هر چیز باورهای قرآنی است. آموزه‌های اصیل این کتاب آسمانی، گفتگو میان گروه‌های مختلف انسانی، با اندیشه‌ها و باورهای متنوع و متضاد را، به جای جنگ و خشونت و تقابل‌های خصمانه، اصل می‌داند و مسلمانان و مؤمنان را حتی به گفتگو با اهل کتاب و کفار فرامی‌خواند. قرآن کریم وجود اختلاف در افکار و آرای آحاد و گروه‌های جامعه انسانی را به رسمیت می‌شناسد و تضارب آرا و عقاید را موثرترین و سالم‌ترین راه دستیابی اگر چه نسبی به حقیقت می‌داند. در محیط رعب و وحشت و جو غوغاسالاری، حق و حقیقت بزرگترین مظلوم و اولین قربانی است.

در جو آرام و مدنی، حق فرصت ارایه خود را به وجدان‌های بیدار و آگاه مردم می‌یابد. به عکس باطل با غوغاسالاری و خشونت و برهم زدن قواعد گفتگوی مدنی راه کشف حقیقت را بر فطرت‌های خداگونه انسان‌ها، می‌بندد. بنابراین، هنگامی که دو حزب سیاسی بزرگ رقیب به رغم اختلافات و تقابل‌ها، گفتگوی سیاسی را آغاز می‌کنند، دریچه‌های امیدی برای پایان یافتن دوره استفاده از ابزارهای خشونت برای تحقق هدف‌های سیاسی باز می‌شود و ما براساس آموزه‌های قرآنی، از آن استقبال می‌کنیم.

اما انگیزه نهضت آزادی ایران در استقبال از این گفتگو و نگاشتن این نامه سرگشاده به هر دو حزب و تمام احزاب و گروه‌های سیاسی، اولویت دادن به منافع و امنیت ملی کشورمان است.

نهضت آزادی ایران بر این باور است که نهادها و نیروهای سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، اعم از اکثریت یا اقلیت، درون یا بیرون از حاکمیت، با انسدادهای جدی سیاسی فرهنگی، اقتصادی، و اخلاقی در سطح جامعه روبرو هستند و نظام جمهوری اسلامی دچار وضعیت بحرانی تعادل ناپایدار گردیده است.

ادامه انسداد و استمرار تعادل ناپایدار کنونی قطعاً به زیان و ضرر کشور است و اگر چاره‌ای اندیشیده نشود، موجب فروپاشی سیاسی، جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی کشور و زوال اقتدار دولت و، خدای ناکرده، وارد شدن ضربات جبران‌ناپذیر به تمامیت ارضی کشورمان خواهد شد. از طرف دیگر این انسداد سیاسی و تعادل ناپایدار در شرایطی بروز کرده است که خطرات جدی خارجی کشورمان را تهدید می‌کند، بنابراین نگرانی‌ها باید به مراتب جدی‌تر باشد. در کشورهای همسایه ما تغییراتی صورت گرفته است که به طور مستقیم و غیرمستقیم با امنیت و منافع ملی کشورمان سر و کار دارد. تداوم این تغییرات، بدون تردید، بر وضعیت امنیتی ایران نیز اثرگذار خواهد بود.

به نظر نهضت آزادی ایران، هیچ ایرانی وطن‌دوستی نمی‌تواند ناظر بر وضعیت شکننده‌ای که کیان کشورمان را تهدید می‌کند، باشد ولی گامی برای تغییر آن برندارد. هستی ملت و مملکتی همچون شمع می‌سوزد و وجودش در حال ذوب شدن است.

برای برون‌رفت از این انسداد، دو راه حل اساسی قابل تصور است: از دورن نظام جمهوری اسلامی و یا از خارج نظام.

نهضت آزادی ایران، راه برون‌رفت از انسدادها و تعادل ناپایدار، با جایگزین‌سازی از بیرون مرزها یا عبور از جمهوری اسلامی را به سود مصالح و منافع کلان ملی نمی‌داند و هیچ یک از پیامدهای آن را در خدمت منافع ملی و یا به سود هیچ گروه ملی، اعم از اسلامی، غیر دینی و یا حتی ضددینی نمی‌بیند و بنابراین، همه نهادها و احزاب و گروه‌های سیاسی را به قبول راه‌حل‌های برون‌رفت از انسدادها از درون نظام جمهوری اسلامی و تن در دادن به پیامدهای آن دعوت می‌کند.

گروه‌های سیاسی‌ای که خود را خدمتگذار ایران و اسلام، وفادار به نظام جمهوری اسلامی و مدافع مصالح کلان ملی می‌دانند، علی‌القاعده باید راه‌حل برون‌رفت از انسدادها از درون نظام را بپذیرند.

اگر بپذیریم که مقدمه هر کار واجبی واجب است، مقدمه اجتناب‌ناپذیر برون‌رفت از انسدادها از درون نظام جمهوری اسلامی، مقابله با تهدیدات خارجی و کاهش تشنجات با تمکین از قانون و گفتگو میان تمامی گروه‌ها و احزاب سیاسی نیز یک واجب ملی و دینی است. پذیرش این راه‌حل به شهامت و جسارت تصمیم‌گیرندگان و مسئولان طراز اول کشور و همه نهادها و نیروهای سیاسی نیازمند است، حتی اگر این

پذیرش مستلزم عقب‌نشینی نسبی از مواضع (با حفظ اصول) و از دست دادن برخی از موقعیت‌ها و امکانات برای نهادها، گروه‌ها و احزاب سیاسی باشد.

نهضت آزادی ایران پیشنهاد می‌کند که گفتگو و تعامل میان نیروهای سیاسی بر گرد محور التزام به قانون اساسی باشد. برخی از نیروها و احزاب سیاسی، از جمله جمعیت مؤتلفه اسلامی، مرتباً اعتقاد به قانون اساسی را به عنوان پیش شرط حضور و فعالیت احزاب و گروه‌ها تبلیغ می‌کنند. چنین موضع سیاسی از نظر منطقی ناصواب و از نظر عملی هم غیرممکن می‌باشد، اگر به مشروح مذاکرات مجلس بررسی پیش نویس قانون اساسی، معروف به مجلس خبرگان، در سال ۱۳۵۸ رجوع شود، ملاحظه می‌گردد که کمتر اصلی از اصول قانون اساسی اتفاق آرا به تصویب رسیده است. نمایندگانی که در آن مجلس به برخی از اصول قانون اساسی رأی نداده‌اند لابد به آن اصول اعتقاد نداشته‌اند. بررسی مشروح مذاکرات مجلس یاد شده، خصوصاً به هنگام بررسی و تصویب اصول مصرح در فصل سوم، (حقوق ملت)، فصل پنجم (حاکمیت ملت) و فصل هفتم (شوراها)، به وضوح نشان می‌دهد که در میان اعضای آن مجلس دو نگرش اساسی متفاوت نسبت به ماهیت و ساختار جمهوری اسلامی وجود داشته است. یک نگرش به جمهوریت تام و کلیه الزامات آن و گروهی دیگر به «حکومت اسلامی» در چارچوب تجارب و مناسبات سیاسی تاریخی، عنایت و اعتقاد داشته است. به عنوان مثال، هنگام بحث درباره اصل ۲۶ قانون اساسی، در مورد فعالیت آزاد احزاب سیاسی، این دو نگرش در برابر هم قرار گرفتند. یک گروه از نمایندگان مجلس خبرگان معتقد بودند که در جمهوری اسلامی حتی احزاب کمونیست، در صورت التزام به قانون اساسی و تبعیت از نظم جدید، حق حیات دارند و می‌توانند به موجب اصل ۲۶ قانون اساسی آزادانه فعالیت داشته باشند. اما گروه دیگری از نمایندگان نه تنها با چنین حقی به شدت مخالفت کردند، بلکه حزب، اعم از اسلامی یا غیر آن، را اصولاً ضداسلامی می‌دانستند. اما وقتی بحث پیرامون این اصل به پایان رسید و رای‌گیری شد، اصل ۲۶ با اکثریت قابل توجهی به تصویب رسید. پس از این مرحله، یعنی تصویب اصل یادشده، با رعایت موازین مورد قبول همه اعضای مجلس خبرگان، همه، از جمله مخالفان، که اعتقادی به آن اصل نداشتند و لذا به آن رای مثبت ندادند، باید خود را ملتزم به قانون بدانند. حتی اگر یکی از مخالفان اصل ۲۶ در آن مجلس، به ریاست قوه قضاییه هم منصوب شود، ملزم به اجرای قانون مصوب است و نباید نظرات و اجتهادهای شخصی که در آن مجلس، مطرح کرد ولی مورد قبول اکثریت نمایندگان قرار نگرفت، اعمال نماید.

بنابراین، در نظام جمهوری اسلامی، اصل راهبردی برای قوای سه‌گانه، و تمام نهادها، گروه‌ها و احزاب سیاسی باید «تعهد» و «التزام» به قانون اساسی باشد و نه «اعتقاد». متأسفانه در لایحه اصلاح قانون انتخابات، بر اعتقاد به قانون اساسی تأکید شده است.

نکته ضروری دوم عبارت از این است که برای هموار ساختن راه گفتگو و مفید و موثر بودن آن در جهت کاهش تشنج‌ها و توافق بر سر برون رفت از انسداد کنونی، همه نهادها، گروه‌ها، جناح‌ها، جریان‌ها و احزاب سیاسی متعهد به منافع ملی باید هرگونه عمل فراقانونی و اعمال خشونت به عنوان ابزار کار سیاسی، از جانب هر کس و هر گروهی، را قویاً محکوم کنند.

جناب آقای حبیب‌الله عسگر اولادی

جناب آقای دکتر محمدرضا خاتمی

نهضت آزادی ایران، با استقبال از ابتکاری که به خرج داده‌اید و با علم و آگاهی کامل نسبت به اختلافات و مرزبندی‌های اساسی میان مبانی اعتقادی و مواضع سیاسی خود با سازمان‌های تحت رهبری شما و با حفظ مواضع خود، به منظور توسعه فرهنگ گفتگو سیاسی در راستای هموار ساختن راه برون رفت از انسدادهای تهدید کننده، با نوشتن نامه حاضر به این فرایند وارد می‌شود و همه احزاب و گروه‌های سیاسی را برای مشارکت در این گفتگوی دعوت می‌کند. در صورتی که مفاد این نامه سرگشاده مورد توجه جدی و عملی قرار گیرد، نهضت آزادی ایران آمادگی خواهد داشت که به منظور شفاف‌تر شدن هر چه بیشتر مواضع گروه‌ها و ارتقاء سطح آگاهی ملت، نظرات انتقادی خود را پیرامون مواضع سیاسی و فکری و عملکرد هر دو حزب مطرح سازد و از طرح هر گونه نقد عالمانه و محققانه از مواضع و عملکرد نهضت آزادی نیز استقبال خواهد کرد.

از آنجا که نامه‌نگاری موثرترین روش برای تعامل بهداشتی میان نیروها و احزاب سیاسی گوناگون نمی‌باشد، نهضت آزادی ایران خانه احزاب را جایگاه مناسبی برای تداوم این نوع گفتگوها می‌داند و از شما، به عنوان رهبران دو حزب اقلیت و اکثریت دعوت می‌کند که همه امکانات خود را برای یاری دادن به خانه احزاب در ایجاد فضای مناسب برای گفتگوهای چند جانبه میان تمامی احزاب سیاسی، به منظور کاهش تنش‌جات و هموار ساختن راه برای تحقق وفاق ملی، به کار گیرند.

دکتر ابراهیم یزدی

دبیرکل نهضت آزادی ایران

## «اعتراض به محکومیت آقای یوسفی اشکوری»

### ملت شریف ایران

حجه الاسلام آقای حسن یوسفی اشکوری، نماینده دوره اول مجلس شورای اسلامی و از محققان، روشنفکران و نوگرایان اسلامی، پس از بازگشت از کنفرانس برلین دستگیر و به مدت دو سال در بازداشت به سر برد و اخیراً پس از گذراندن حدود بیست روز مرخصی مجدداً روانه زندان گردید و در دادگاه ویژه روحانیت محاکمه و به هفت سال زندان محکوم شده است. علت اصلی محکومیت ایشان اظهار نظر و ابراز عقیده درباره برخی از احکام اسلامی اعلام شده است.

نهضت آزادی ایران، با توجه به مبانی دینی و عرفی پذیرفته شده در رابطه با آزادی عقیده و بیان، از جمله اصل بیست و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر که جمهوری اسلامی نیز متعهد به رعایت و اجرای آنها شده است به حکم غیر عادلانه صادره شدیداً معترض بوده و امیدوار است که موجبات لغو حکم مزبور و آزادی فوری ایشان فراهم گردد.

نهضت آزادی ایران

بسمه تعالی

## نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۴۰

شماره: ۱۸۰۶

تاریخ: ۱۳۸۱/۰۸/۱۲

### «در سوگ دو نماینده مجلس»

#### کل من علیها فان

نهضت آزادی ایران، ضایعه درگذشت اسفناک و نابه هنگام دو نماینده مجلس شورای اسلامی، شادروانان دکتر علیرضا نوری، مسعود هاشم زهی و همراه آنان را به خانواده‌های این عزیزان، خصوصاً جناب آقای عبدالله نوری، پدر رنجدیده ایشان، نمایندگان مجلس و ملت ایران صمیمانه تسلیت می‌گوید و از خداوند بزرگ برای آن بزرگواران علو درجات و برای بازماندگان صبر جمیل مسئلت می‌نماید.

نهضت آزادی ایران

## اعتراض نهضت آزادی ایران

### به حکم دادگاه بدوی دکتر هاشم آغاچری

سرانجام بعد از گذشت چندماه، دادگاه غیرعلنی شعبه ۱۴ دادگستری همدان حکم آقای دکتر سید هاشم آغاچری استاد مسلمان و جانباز دانشگاه و عضو ارشد سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را به خاطر ایراد سخنرانی بمناسبت بزرگداشت دکتر علی شریعتی در خانه معلمین شهر همدان، صادر کرد. صدور این رأی ناعادلانه و دور از انتظار، واکنش و اعتراض وسیعی را در داخل و خارج کشور در پی داشته است. در سطح خارج از کشور این خبر به ویژه از سوی سازمانهای حقوق بشر و در رسانه‌ها بازتاب وسیعی پیدا کرده است که در شرایط حساس کنونی کشور ضربه سنگین بیشتری بر اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران به خصوص قوه قضائیه آن وارد ساخته است.

همانگونه که بسیاری از مراجع عظام و عالمان دینی نیز تصریح کرده‌اند، در سخنرانی آقای دکتر آغاچری مطلبی دال بر ارتداد و سب‌النبی وجود ندارد. در خصوص نظرات و دیدگاههایی که ایشان ابراز نمودند، نهضت آزادی ایران بدون ورود به محتوای آن و یا قبول نوع بیان مطالب، معتقد است که بایستی از روش و منش پیشوایان دینی استفاده شود که منطقی و انسانی است، بدین معنی که با هر فکر و اندیشه‌ای فقط می‌توان با همان سلاح فکر و اندیشه برخورد نمود. تجربه تاریخی نشان داده است که ابراز اعدام، زندان و شلاق نه تنها آن فکر و اندیشه را از بین نمی‌برد بلکه آن را در افکار عمومی جامعه گسترده‌تر و عمیق‌تر می‌سازد.

نهضت آزادی ایران، صدور چنین حکمی را نقض آشکار آزادی بیان و اندیشه که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح شده است می‌داند. نهضت آزادی ایران ضمن اعتراض شدید به این حکم ناعادلانه، پیامدهای آنرا به ویژه در شرایط کنونی کشور و منطقه موجب کاهش بیشتر امنیت اجتماعی و قضایی، افزایش فرار مغزها و سرمایه‌ها، تشدید بحران بیکاری و فقر و در نتیجه باعث تضعیف و بی‌اعتباری بیشتر نظام جمهوری اسلامی ایران و به ضرر مصالح، منافع و امنیت ملی ارزیابی می‌کند و از مقامات مسئول کشور به ویژه شورای امنیت ملی می‌خواهد مساعی خود را هر چه بیشتر در راستای شناسایی و برخورد با این جریان‌های تخریبی بکار بندند و برای مقابله با این بحران‌آفرینی‌ها، موجبات آزادی آقای دکتر آغاچری را فراهم سازند.

نهضت آزادی ایران



## اطلاعیه اعتراض آقای دکتر یزدی به روند بازجویی از ایشان

سی و نهمین جلسه بازجویی از آقای دکتر ابراهیم یزدی، دبیرکل نهضت آزادی ایران در روز دوشنبه ۸۱/۸/۲۰ در شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب انجام شد.

در این جلسه بازجویی مطالبی مطرح گردید که ارتباطی با اتهام تفهیم شده نداشته است و مورد اعتراض ایشان قرار گرفت. در بازجویی‌های قبلی نیز بعضاً مطالبی مطرح گردیده که در نهایت آقای دکتر ابراهیم یزدی طی نامه‌ای به ریاست شعبه ۲۱ در تاریخ ۸۱/۷/۴ به این نکات که اهم آنها به شرح زیر است، اعتراض نمودند:

۱- سئوالات تکراری

۲- سئوالاتی که ارتباطی با اتهامات تفهیم شده ندارد.

۳- بازجویی پیرامون مسائلی که شمول مرور زمان شده است. (موضوع ماده ۱۷۳ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب)

۴- بازجویی در مورد اتهاماتی که در همین شعبه مورد بررسی قرار گرفته و حکم صادر شده است. (موضوع ماده ۴۶ آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب)

۵- بازجویی در مورد مسائلی که طبق ماده ۶ آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب «امر مختومه» تلقی می‌گردد.

جلسات بازجویی ادامه دارد و زمان جلسه بعدی معین شده است.

روابط عمومی نهضت آزادی

ایران

## اطلاعیه شرکت دبیرکل و چند تن از اعضای شورای مرکزی نهضت در کمیسیون اصل ۹۰

پیرو شکایت نهضت آزادی ایران به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی درباره حکم صادر شده توسط شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی تهران و بنا بر دعوت کمیسیون مذکور، در تاریخ ۸۱/۹/۱۰، دبیرکل نهضت آزادی ایران به همراه چهار نفر از اعضای شورای مرکزی آن و وکیل مدافع تعدادی از متهمان پرونده نهضت آزادی در جلسه کمیسیون شرکت کردند و نسبت به موارد خلاف قانون در مراحل دستگیری، بازداشت، بازجویی‌ها، تشکیل دادگاه و صدور احکام علیه ۴۵ نفر از متهمین پرونده نهضت آزادی ایران و نهادهای مدنی غیر وابسته به نهضت آزادی، توضیحات لازم به اعضای کمیسیون ارائه و به پرسشهای آنان پاسخ دادند و در پایان جلسه رئیس محترم کمیسیون قول رسیدگی و پیگیری شکایات را دادند.

در پایان جلسه از طرف نهضت آزادی ایران از کمیسیون درخواست شد در مورد فسخ و یا تبدیل قرارهای تأمین متهمان و آزادی وثیقه‌های سنگینی که دادگاه اخذ نموده است اقدامات مقتضی مبذول گردد.

روابط عمومی  
نهضت آزادی ایران

## پاسخ دبیرکل نهضت آزادی ایران

### به نامه دبیر کل جمعیت مؤتلفه اسلامی

جناب آقای حبیب‌الله عسکراولادی

دبیرکل محترم جمعیت مؤتلفه اسلامی

با سلام و تبریک عید سعید فطر به مسلمانان جهان و آرزوی توفیق همگان در جلب رضایت حق و خدمت صادقانه به ایران و اسلام

نامه شماره ۱۰/۶۷۲۰/ص - م مورخ ۱۳۸۱/۸/۲۱ جنابعالی را که در پاسخ به نامه شماره ۱۸۰۴ مورخ ۱۳۸۱/۸/۲ نهضت آزادی ایران به جبهه مشارکت ایران اسلامی و جمعیت مؤتلفه اسلامی فرستاده‌اید دریافت کردیم و تشکر می‌نماییم.

نفس پاسخ دادن جنابعالی به نامه ما حاکی از آن است که ضرورت کاهش تشنجات سیاسی از راه گفتگو میان احزاب و گروه‌های سیاسی، اعم از اکثریت و اقلیت، درون یا بیرون از حاکمیت، را راهکار مناسبی یافته‌اید، هر چند که نسبت به الزامات تعیین‌کننده آن ابراز تردید نموده‌اید. و اما بعد:

۱- از این که پس از سالها انکار و ایراد تهمت به نهضت آزادی ایران، حق سوابق و خدمات دبیرکل آن را تصدیق کرده و مورد احترام قرار داده‌اید سپاسگزاریم.

قطعاً جنابعالی توجه دارید که مکاتبه دبیران کل نهضت آزادی ایران و جمعیت مؤتلفه اسلامی به هیچ وجه جنبه فردی و شخصی ندارد، بلکه نماد گفتگوی دو جریان با سابقه تاریخی اما با دو قرائت متفاوت از مبانی دین و انقلاب، به ویژه حق حاکمیت ملت و آزادیهای اساسی مردم است.

۲- در آغاز نامه خود، قضاوت‌های گذشته نسبت به نهضت آزادی ایران و مواضع غیراصولی، کهنه‌شده و رنگ باخته‌ای را همچنان تکرار کرده و به نامه منتسب به رهبر فقید انقلاب، رأی نادرست کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب در سال ۷۱ درباره نهضت آزادی ایران و حکم غیرقانونی دادگاه بدوی انقلاب اسلامی در سال ۸۱ علیه نهضت و عده‌ای از اعضای آن استناد کرده‌اید.

در شرایطی که امواج فتنه‌ها و بحران‌ها از هر سو، از داخل و خارج، کیان کشور و حیات ملی ما را مورد تهدید قرار داده و ضرورت رفع این بحرانها و برون رفت از انسدادها مورد تأیید عموم مسئولان طراز اول کشور است، باز گشودن پرونده‌های غیرمستند راهگشا نیست. نهضت آزادی ایران، در نامه سرگشاده خود، درصدد بیان وجود اختلافات اساسی در مبانی اعتقادی، اقتصادی و سیاسی با جمعیت مؤتلفه اسلامی نبوده‌است، بلکه ارسال نامه سرگشاده به حزب شما، با شناخت کامل از مواضع سیاسی،

دینی و اقتصادی آن و اطلاع از عملکردهای شما و سازمانتان و جناحی که به آن تعلق دارید، با حفظ تمامی مواضع نهضت آزادی ایران و تعهدات و مسئولیتهای ملی و اسلامی است. آنچه را که شما در پاسخ به نامه نهضت آزادی ایران مطرح نموده‌اید، علاوه بر تکراری بودن، دردی از دردهای کشنده ملت را درمان نمی‌کند و اصرار ورزیدن بر آنها موجب کاهش تشنجات نمی‌گردد. با وجود این، برای روشن شدن اذهان عمومی یک بار دیگر یادآور می‌شویم که:

۲-۱- نهضت آزادی ایران بارها نظرات خود را نسبت به نامه منسوب به رهبر فقید انقلاب علیه نهضت آزادی و مؤسسان و رهبران آن منتشر ساخته است و جنابعالی ظاهراً به آنها توجهی نکرده‌اید. برحسب وصیّت رهبر فقید انقلاب، هر آنچه که بعد از درگذشت ایشان، به نام و منسوب به ایشان ادعا یا منتشر شود، خواه علیه احزاب و گروه‌ها و یا در تأیید مقامات و اقدامات گذشته مسئولان، علی‌الاطلاق تکذیب شده است، مگر آن که اصالت آنها به ترتیبی که در وصیت‌نامه آمده است تأیید گردد.

۲-۲- به فرض اثبات اصالت نامه، اولاً متن تلگرام تسلیت مقام رهبری به مناسبت درگذشت شادروانان مهندس بازرگان و دکتر سبحانی در تعارض و تناقض با مفاد نامه است. ثانیاً مگر مقام رهبری، شرعاً، عرفاً، یا قانوناً حق دارند که ادعاهایی علیه یک حزب ملی-اسلامی و شخصیت‌های برجسته و خدمتگزار آن بدون آن که صحت و سقم آن اتهامات در یک دادگاه علنی مستقل مورد رسیدگی قرار گرفته باشد مطرح کنند؟ اگر رهبر فقید انقلاب اطلاعات، اسناد و مدارکی در تأیید ادعاهای مطرح شده در نامه علیه نهضت آزادی ایران و رهبران و بنیانگذاران آن در اختیار داشتند، منطقی‌ترین اقدام آن می‌بود که آنها را در زمان حیات خود در اختیار دادستان کل کشور برای رسیدگی و داوری و ارجاع به دادگاه صالح قرار می‌دادند.

ادعای مقام رهبری به تنهایی برای محرومیت شهروندان از حقوق اساسی آنان کافی نیست. آیا شما داستان ادعای مولای متقیان علی(ع) را در مورد زره خودشان که نزد یک یهودی دیده بودند نخوانده‌اید؟ اگر ادعای علی(ع) علیه یک شهروند یهودی در دادگاهی مانند دادگاه‌های قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران مورد رسیدگی قرار می‌گرفت، با آن ذهنیتی که شما نماینده آن هستید، بر سر آن یهودی بیچاره چه می‌آمد؟ حتماً انکار ادعای علی(ع) توسط یک شهروند در مورد مالکیت زره را معادل تهمت زدن و افترا به مقام خلیفه و امام مسلمین دانسته، همان را برای محکوم کردن وی کافی می‌شمردند!

۲-۳- رهبر فقید انقلاب، در زمان حیات خود، نسبت به اشخاص، گروه‌ها، مسئولان، نهادها و سیاستهای کلان کشور مطالبی را بیان کرده بودند که هیچ شک و تردیدی در اصالت آنها وجود ندارد. اما هم اکنون بسیاری از کسانی که مورد عتاب و خطاب بوده‌اند، آنها را نادیده می‌گیرند و برخلاف آن نظرات عمل کرده‌اند و می‌کنند. آیا نظر رهبر فقید انقلاب تنها درباره نهضت آزادی ایران معتبر است؟

۲-۴- خودداری کمیسیون ماده ۱۰ در سال ۷۱ از صدور پروانه فعالیت نهضت آزادی ایران خلاف وظایف قانونی کمیسیون بوده است. در آن دوره، اکثریت اعضای کمیسیون را همفکران سیاسی شما تشکیل می‌دادند و ریاست کمیسیون را دبیر سیاسی جمعیت مؤتلفه اسلامی برعهده داشت. آن رأی براساس ملاحظات سیاسی، و نه موازین قانونی صادر شده بود. نهضت آزادی ایران، بر طبق قانون احزاب، از وزارت کشور و کمیسیون ماده ۱۰ به دادگاه شکایت کرد. دادگاه اولیه پس از رسیدگی مقدماتی از خود سلب صلاحیت کرد و پرونده به دیوان عدالت اداری ارجاع شد. دیوان یاد شده هیچگاه شکایت

نهضت آزادی ایران را مورد رسیدگی قرار نداد. بنابراین، تا زمانی که دیوان عدالت اداری رأی صادر نکرده باشد، نظر کمیسیون ماده ۱۰ بی اعتبار و استناد به آن فاقد ارزش است. علاوه بر این کمیسیون ماده ۱۰ در آخرین اعلام نظر (۱۳۸۰/۹/۱۸) در پاسخ به درخواست وکیل مدافع عده‌ای از اعضای نهضت آزادی ایران، نهضت آزادی را غیرقانونی ندانسته است.

۲-۵- استناد شما به رأی اخیر دادگاه انقلاب اسلامی موجب تعجب است، زیرا اولاً دادگاه انقلاب اسلامی، برخلاف تبصره ۲ ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب عمل کرده است؛ ثانیاً جرایم سیاسی باید برطبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی در دادگاه‌های عادی، با حضور هیأت منصفه و به طور علنی مورد رسیدگی قرار گیرد؛ ثالثاً حکم دادگاه بدوی هنوز قطعی نشده است و استناد به آن فاقد وجهت قانونی است.

۳- در این نامه، شما خود را پاسدار انقلاب اسلامی دانسته، از سوی مردم چنین گفته‌اید: «مردم سالهاست شاهد بی‌مهری شما و دوستانتان به امت و امام بوده‌اند.»

انقلاب اسلامی با آرمان‌هایش تعریف می‌شود. یکی از سه شعار یا آرمان عمده مردم در انقلاب آزادی بود. آزادی مورد درخواست مردم، بی‌بندوباریهای غربی- که در رژیم شاه یافت می‌شد- نبود، بلکه حاکمیت ملت، حق تعیین سرنوشت، تحقق حقوق و آزادیهای اساسی، آزادی عقیده و بیان، آزادی قلم، آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات، آزادی نقد عملکرد مسئولان و... بود. پاسداری از انقلاب اسلامی بدون حمایت از این آرمانهای والای ملت ممکن نیست. هر حزب و گروهی، از جمله جمعیت مؤتلفه اسلامی حق دارد که نظرات و مواضع خود را بطور شفاف بیان کند و بر آنها اصرار ورزد. اما هیچ گروهی حق ندارد به نام کل ملت ایران و «امت اسلامی» سخن بگوید، بویژه آن جریان، جناح و حزبی که در انتخابات متعدد سراسری تنها در حدود ۶ تا ۲۰ درصد آرای مردم را داشته است.

همان طور که در بالا اشاره شد، نهضت آزادی ایران با الهام از قرآن کریم و فرمایش مولای متقیان علی (ع) - که می‌فرماید حق و باطل با میزان افراد شناخته نمی‌شوند، حق را بشناس تا اهلش را بشناسی و باطل را بشناس تا اهلش را بشناسی- حق را با اشخاص نمی‌سنجد، بلکه گفتار و رفتار اشخاص، مسئولان، از جمله رهبران کشور را با حق می‌سنجد<sup>۱</sup> و براساس آن، به تکلیف ملّی- اسلامی خود عمل می‌کند و در بیان حق، به حکم آیه شریفه‌ای که می‌فرماید: «کسانی که پیامهای خدا را می‌رسانند و تنها از او پروا می‌کنند و از هیچ کس جز او نمی‌هراسند. خدا برای حسابگری اعمال آنان کافی است.»<sup>۲</sup> عمل می‌کند.

روش کلی نهضت آزادی ایران پیوسته اتمام حجت و ارائه طریق بوده است نه احراز قدرت و اشاعه باطل؛ ثبات قدم در این راه را وظیفه شرعی، ملّی و قانونی خود می‌دانسته است و از این رو، بی‌آن که سهمی از قدرت را طالب باشد - که برای همگان، حتی مخالفان صادق ما هم روشن است- به منظور تحقق همه جانبه حاکمیت ملت، آبادی و سربلندی کشور، براساس ارزشهای والای اسلامی، آنچه را که در راستای امر به معروف و نهی از منکر تشخیص داده و می‌دهد به گوش و نظر مردم و حاکمان رسانده و می‌رساند.

۱- ان الحق و الباطل لایعرفان باقدار الرجال اعرف الحق تعرف اهله و اعرف الباطل تعرف اهله (جاذبه و دافعه علی<sup>(ع)</sup>) - ص ۱۳۹ -

استاد شهیدمرتضی مطهری)

۲- الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ وَيُحْسِنُونَهَا وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا (احزاب - ۳۹)

شما در نامه خود چنان سخن گفته‌اید که گویی رهبر انقلاب را ملاک تشخیص حق و باطل و حجت شرعی دانسته‌اید. در حالی که التزام و اعتقاد به ولایت فقیه نباید موجب زیاده‌روی و غلو گردد. این دیدگاه خلاف آموزه‌های قرآنی است و قرآن کریم آن را به صراحت نفی کرده است، آنجا که می‌فرماید:

«برخی از مردم برای خدا همتیانی اختیار می‌کنند و آنان را همچون خدا دوست می‌دارند، ولی اهل ایمان خدا را بیشتر دوست می‌دارند.»<sup>۱</sup>

اعتقاد و التزام موجب رفع مسئولیت از انسان نمی‌شود. حجت شرعی شما چیست؟ بیان قرآن کریم در مورد عذر ناموجه کسانی که برای فرار از پاسخگویی و توجیه اعمال خلاف، گمراهی خود را به گردن بزرگان و رهبران خود می‌اندازند، چنین است:

«و گفتند ای پروردگار ما، از سروران و بزرگان خود اطاعت کردیم و آنان ما را گمراه کردند.» (۲)

و آنان هنگامی که در آخرت در تنگنای گریزناپذیر قرار می‌گیرند می‌گویند:

«ای پروردگار ما، عذابشان را دو چندان کن و به لعنت بزرگی دچارشان ساز.» (۳)

بنا به فرمایش مولای متقیان علی (ع) «واقعیت جز این نیست که زمامدار، آدمی بیش نیست و جریان‌هایی را که دیگران از او پوشیده می‌دارند، نمی‌تواند دریابد و به درستی بشناسد و بر پیشانی حق نشانه‌های خاصی نیست که به یاری آنها راست و دروغ شناخته شود.» (نامه مالک اشتر - ۵۳) (۴)

۴- به نهضت آزادی ایران ایراد گرفته‌اید که چرا بر التزام به قانون اساسی و نه اعتقاد به آن، اصرار می‌ورزد. برای ما جای بسی شگفتی است که شما در نامه خود قانون اساسی و قرآن را در عرض هم قرار داده و التزام به قانون اساسی، بدون اعتقاد به تمام اصول آن را همانند التزام بدون اعتقاد به قرآن، نادرست و مصداق نفاق دانسته‌اید!!

اولاً - قرآن کریم صادر شده از منبع وحی است، نه ساخته و پرداخته ذهن بشر. قبول و رد آن یا التزام عملی به آن تابع رأی مردم نیست. آنچه خداوند در آیات متعددی از قرآن کریم از مردم خواسته است، ایمان آوردن است، نه اعتقاد داشتن. ایمان جایگاهی بس رفیع تر از اعتقاد - که فقط باور داشتن است - دارد. اگر حتی اعتقاد و ایمان را مترادف و معادل بدانیم، هر کس که به قرآن ایمان دارد، علی‌الاصول باید التزام عملی هم داشته باشد. اگر چه بسیاری از دینداران گوینده شهادتین هستند و اعتقاد دارند اما عامل به ارزشهای قرآنی نبوده، التزام هم ندارند و دچار تعارض و دوگانگی در گفتارها و کردارهای خود هستند. قانون اساسی منبع و حیانی ندارد. یک قرارداد اجتماعی و محصول ذهن انسان است. حتی اگر اعتقاد را مرادف با ایمان بدانیم، نمی‌توانیم به قانون اساسی اعتقاد داشته باشیم یعنی به آن ایمان آوریم. زیرا قوانین کلاً ساخته ذهن بشر جایز الخطا و غیرمعصوم است و بنابراین، قابل نقد و تغییر و تبدیل است. در حالی که گوهر دین الهی، که موضوع ایمان بشر است لایتغیر می‌باشد. و اما در خصوص قوانین، چون آنها مورد توافق جمعی یا اکثریت مردم قرار گرفته است، مخالفان تمام یا بعضی از اصول و مواد قانونی هم

۱- وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدَّ حُبًّا لِلَّهِ (بقره - ۱۶۵)

۲- وَ قَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَ كُبَّرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا (احزاب - ۶۷)

۳- رَبَّنَا إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنَ الْعَذَابِ وَ الْعَنْتِمْ لَعْنًا كَبِيرًا (احزاب - ۶۸)

۴- وَإِنَّمَا الْوَالِي بَشَرٌ لَأَيُّعْرِفَ مَا تَوَارَىٰ عَنْهُ النَّاسُ بِهِ مِنَ الْأُمُورِ وَ لَيْسَتْ عَلَى الْحَقِّ سِمَاتٌ تُعْرَفُ بِهَا ضُرُوبُ الصِّدْقِ مِنَ الْكُذِبِ.

باید نسبت به رعایت آنها ملتزم باشند. قانون اساسی نه از اصول و نه از فروع دین است، ضمن آن که حتی فروع دین هم با فتوا و نظر فقها دچار تغییر و تبدیل می‌شود. پس فروع دین نیز، بنا به گفته علما از اصول اعتقادات نیست و در اصول اعتقادات، به معنای ایمانی آن تقلید هم جایز نمی‌باشد. حال شما چگونه انتظار دارید که یک فرد مسلمان، که به کتاب خدا ایمان آورده است، به قانون اساسی ساخته و پرداخته اندیشه و ذهن بشر هم ایمان بیاورد؟ چگونه به خود حق می‌دهید که او را منافق بنامید؟ آیا قرار دادن ایمان به خدا و قرآن در کنار ایمان به قانون اساسی، از مصادیق شرک نیست؟ حال با این فرض محال که همه شهروندان باید به قانون اساسی ایمان بیاورند یعنی فرض شود که قانون اساسی عین کتاب خدا است، آیا فقط به یک اصل آن (ولایت فقیه) باید ایمان آورد یا به تمام اصول آن؟ آیا حزب و جناحی که شما به آن تعلق دارید و پیوسته سنگ اعتقاد و نه التزام به قانون اساسی را به سینه می‌زند، تا چه حد براساس اعتقاد خود عمل کرده است؟ آیا از دیدگاه شما، اعتقاد مقدمه ضروری عمل و اقدام است یا صرف اعتقاد کافی است؟ آیا چنین اعتقادی که مرزهای آن فقط محدود به گفتار باشد و به میدان عمل نرسد فایده‌ای در بردارد؟ همان گونه که تا کنون اعتقاد داشتن جناح شما به قانون اساسی نه تنها کاری از پیش نبرده، بلکه پیوسته راه را بر اجرای کامل قانون اساسی سد کرده است. از منظر شما و حزب و جناحتان قانون اساسی فقط یک اصل مهم دارد و آن اصل ولایت فقیه است که حتی مطابق نظر رهبر فقید انقلاب، در کتاب کشف‌الاسرار، از فروع دین است و هر کس می‌تواند در رابطه با آن از نظر مرجع منتخب خود پیروی کند. تصریح جنابعالی هم به عدم اعتقاد ما به قانون اساسی، بطور مشخص دلالت بر اصل ولایت فقیه دارد. حتی اگر فرض کنیم که نظریه ولایت فقیه از فروع مذهب تشیع است، پس جزء مسائل قابل تقلید است و هر فردی می‌تواند از فقهی در این خصوص تقلید کند. در حال حاضر، اکثر مجتهدان معاصر ما اندیشه ولایت فقیه را یک نظریه مستحدث در فقه شیعه می‌دانند که از نوع فروع هم محسوب نمی‌شود و قابل تقلید هم نیست.

از مولای متقیان علی(ع) نقل شده است که چهار چیز موجب سقوط حکومتها است: پامال کردن اصول، چنگ زدن به فروع، تقدم فرومایگان و بی‌اعتنایی به برگزیدگان.<sup>۱</sup>

بنابراین، معقول و مفید چنین است که برای رسیدن به وفاق ملی و عمومی در سطح کلان که پیروان همه گروه‌های دینی و غیردینی را شامل شود، همگان ملتزم به قبول و اجرای قانون اساسی باشیم و آن را معیار و میزان برای رفع اختلافات، چالشها و بحرانهای موجود در کشور- که انکارناپذیرند- قرار دهیم. التزام عملی به قانون اساسی، حتی برای آنانی نیز که اعتقاد و ایمانی به اسلام ندارند، اعم از اهل کتاب یا غیر آن، ضرورت یک جامعه سالم انسانی است.

می‌دانید که همه اصول قانون اساسی در مجلس خبرگان به اتفاق آرا تصویب نشده است. بخشهایی از مردم به برخی از اصول قانون اساسی اعتقاد و باور دارند. اما همه مردم به تمامی این اصول اعتقاد ندارند. برخی از شخصیت‌های برجسته جناح محافظه‌کار، و اندکی از بزرگان حوزه علمیه قم با مردم‌سالاری مخالفند، به شیوه اتخاذ تصمیم بر اساس رأی اکثریت اعتقادی ندارند و آن را ضد اسلام می‌دانند و رسماً اعلام می‌کنند که به حاکمیت ملت و روش اعمال آن، یعنی انتخابات آزاد معتقد نیستند.

۱- يستدل علی ادبار الدؤل باریع: تضييع الاصول و التمسك بالفروع و تقدم الارانل و تأخير الافاضل

البته چنین بزرگانی مانند سایر آحاد ملت در بیان عقاید خود آزادند، اما نظم عمومی و اداره کشور ایجاب می‌کند که همه شهروندان، از جمله همین بزرگان به قانون اساسی التزام عملی داشته باشند و از آن پیروی کنند.

قانون اساسی دستاورد بشر و از مقوله قراردادهای اجتماعی و عهد و میثاق بین مردم و حاکمان است و التزام و وفاداری به آن در آموزه‌های دینی مانند «اوفوا بالعقود» نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در قرآن کریم و سنت پیامبر و یا گفتار امامان هرگز اعتقاد یا باور داشتن به این گونه عهدها و پیمانهای اجتماعی توصیه نشده است، بلکه وفای به عهد و رعایت آن از ویژگیهای مؤمنان معرفی گردیده است. ۵- در این نامه سؤال کرده‌اید که آیا اگر ما برابر معیارهای قرآنی رفتار و گفتاری داشتیم، آمریکایی‌ها و رسانه‌های بیگانه این طور از ما استقبال می‌کردند و ساعتها برنامه و رسانه خود را در اختیار ما و دوستانمان می‌گذاشتند؟

چنین اظهاراتی از قلم یک مسلمان عجیب و دور از انصاف است. شما چگونه در آستانه ماه مبارک رمضان، ماه تقوا، جرأت کرده‌اید که این گونه سخن بگویید؟ بر اساس کدام شواهد و مستندات رسانه‌های خارجی و آمریکایی‌ها ساعتها برنامه‌های خود را در اختیار ما و دوستانمان قرار داده‌اند؟ مدعی شده‌اید که آمریکایی‌ها به رفتار و گفتار و مواضع ما طمع کرده‌اند. منبع این اطلاعات شما چیست؟ آیا آنها خود به شما اطلاع داده‌اند یا این برداشت شخصی شماست؟ این یک ظن و گمان بی‌اساس است که خداوند درباره آن فرموده است: «گمان هرگز نمی‌تواند جای حق را بگیرد و خدا به اعمال آنان آگاه است.»<sup>۱</sup>

حال به فرض آن که ظن و گمان، یا اطلاعات شما موثق باشند، طمع داشتن آنها به ما چه مربوط است؟ با کدام معیار قرآنی، گناه طمع آنها را بر گردن ما می‌گذارید؟ بی‌تردید سوره یوسف را در قرآن کریم خوانده‌اید. براساس کلام خدا، زلیخا در یوسف(ع) طمع کرده بود. اما آیا قرآن کریم حضرت یوسف(ع) را به خاطر طمع زلیخا مورد ملامت قرار داده است؟ آیا در رفتار و گفتار حضرت یوسف(ع) چیزی بوده است که موجب طمع زلیخا شده است؟ آیا این نوع نگرش و سخنان بی‌اساس آب به آسیاب کسانی که مدعی‌اند که انقلاب اسلامی ساخته و پرداخته انگلیسی‌ها بوده است، نمی‌باشد؟ مطمئناً به یاد دارید که در دوران انقلاب رادیوی دولتی بی.بی.سی انگلیس سریعتر و آتشین‌تر از هر رسانه‌ای بیانیه‌ها و مصاحبه‌های رهبر فقید انقلاب را منتشر می‌ساخت و درباره انقلاب اطلاع رسانی می‌کرد.

از این که به ما توصیه کرده‌اید که مطرح کردن موضوعات براساس گفتار و موعظه حسنه باشد، نه متهم کردن و رفتارهای ویژه سیاسی، از شما تشکر می‌کنیم. همه به این نوع تذکرها نیازمندیم. اما این آیه قرآن کریم که می‌فرماید: «آیا مردم را به نیکی می‌خوانید و خود را فراموش می‌کنید؟...»<sup>۲</sup> نباید فراموش شود.

۶- شما در نامه خود نهضت آزادی را به خاطر نقد عملکرد مسئولان جمهوری اسلامی، از جمله رهبر فقید انقلاب، مورد نکوهش قرار داده‌اید. چنین سخنی حتی اگر از روی حسن نیت گفته شده باشد اشتباه

<sup>۱</sup> اِنَّ الظَّنَّ لَا يَغْنَى مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً اِنَّ اللهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (یونس - ۳۶)  
<sup>۲</sup> هَا تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ اَنْفُسَكُمْ؟ (بقره - ۴۴)



است. حاکمان جمهوری اسلامی ایران نه معصومند و نه مصون از خطا. نظارت بر رفتارهای آنان و نقد و بررسی عملکردهایشان وظیفه و حق ملت است. شایسته است که حاکمان جمهوری اسلامی ایران، شامل مقام رهبری، رئیس جمهور یا رؤسای سایر قوا، نه تنها مخالفان را تحمل کنند، بلکه بیش از هواداران و موافقان خود به آنها امکان فعالیت دهند. معیار وجود آزادی در یک جامعه، درجه برخورداری منتقدان و مخالفان حاکمیت و نظام از آزادی فعالیت است. وگرنه در بدترین نظامهای استبدادی نیز هواداران و موافقان حکومت از آزادیهای فراوانی برخوردارند. آزادی مخالفت، اعتراض و انتقاد باعث می‌شود که سهل‌انگاران و اشتباهکاران بیدار و هوشیار شوند و خیانت، انحصار و استبداد در نطفه خفه شود و اگر ایرادات بی‌اساس است، پاسخگویی صورت گیرد. آن کس که بر حق استوار بوده و مکتبش تکیه بر عقل و برهان داشته، و قدرتش متکی به آرای آزاد مردم باشد، از انتقاد معترضان و تبلیغات مخالفان نمی‌هراسد. احزاب و گروههای مخالف، هشداردهنده نارساییها و انحرافات هستند و در ایجاد تعادل و نهادینه شدن ثبات سیاسی نقش کلیدی دارند. احزاب سیاسی مخالف، با انعکاس مسالمت‌آمیز اعتراضات مردم، مانع از تراکم و انباشته شدن مطالبات مردم و رسیدن نارضایتیها به نقطه انفجار می‌شوند. عقلانیت سیاسی از فعالیت احزاب مخالف استقبال می‌کند و برای آن ارزش قایل می‌شود، نه این که آنها را سرکوب کند.

۷- شما در نامه خود انسداد سیاسی نیروها و وضعیت تعادل ناپایدار را انکار کرده‌اید. ما خیلی میل داریم که در این قضاوت و خوش‌بینی با شما موافق باشیم و بتوانیم بپذیریم که نظام جمهوری اسلامی با هیچ بن‌بستی، بحرانی و خطری روبرو نیست. اما واقعیت جز این است. بحرانی بودن وضعیت کنونی، واقعیتی است که اکثر مردم بر آن اتفاق نظر دارند. تا کجا می‌خواهید چشمان خود را بر روی واقعیتها و گوشهای خود را در برابر خشم و اعتراض گسترده مردم ببندید؟ اگر شما واقعاً بر این باور هستید که کشور با هیچ بحرانی درگیر نیست، برای شما، حزبتان و جناحی که به آن تعلق دارید واقعاً متأسفیم. بگذارید پایان داستان سلطنت پرشکوه و جلال حضرت سلیمان (ع) را از زبان قرآن کریم یادآوری کنیم.

قدرت حضرت سلیمان (ع) آن چنان بود که با دها در تسخیر او بودند، معادن مس مذاب در اختیارش بود؛ نیروهای فراوان پنهان (جن) و آشکار زیر فرمانش بودند... اما سرانجام، عمر دولتش به سر آمد. در حالی که روح از بدنش جدا شده بود، کالبدش به اتکای چوبدستی او بر پا ایستاده بود، اطرافیانش و مردم غافل از مرگ او و پایان سلطنتش بودند تا آن که موریانه‌ها عصای او را خوردند و چون چوبدستی‌اش شکست و فروریخت، کالبدش بر زمین افتاد. در آن هنگام بود که اطرافیانش متوجه شدند که از مرگش مدت‌ها گذشته است و افسوس خوردند که کاش علم غیب می‌داشتند، تا دربار مرگ سلیمان در اشتباه نمی‌ماندند و این عذاب خوار کننده را بیهوده تحمل نمی‌کردند (مضمون آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره سبأ).

#### جناب آقای عسکراولادی

شما، جمعیت مؤتلفه اسلامی و جناح و جریانی که به آن تعلق دارید، بخش اعظم قدرت و ثروت کشور را در کنترل دارید. در طول ۲۳ سال گذشته از امکانات بسیار وسیع مالی و اقتصادی برخوردار بوده‌اید و همچنان برخوردارید. افکار عمومی ملت، این جناح و جریان را مسئول اوضاع نابسامان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌داند. شما چه چیزی را انکار می‌کنید؟ آیا آنچه در جامعه ما وجود دارد، از اختلاف عظیم طبقاتی - که بعد از انقلاب به مراتب شدیدتر شده است - از فساد گسترده مالی، رانت‌خواری‌ها،

گسترش بی‌سابقه اعتیاد، ازهم‌گسیختگی نظم اجتماعی (بالا رفتن آمارهای طلاق، ازهم‌گسیختگی خانواده‌ها، فحشا و آسیبه‌های اجتماعی) غیر واقعی هستند و شما آنها را انکار می‌کنید؟ آیا شما هم آنها را تماماً محصول توطئه‌های استکبار جهانی و قدرتهای بیگانه می‌دانید؟ آیا حاصل پاسداری شما از انقلاب اسلامی چیزی جز وضعیت کنونی است؟

انگیزه ما در نوشتن نامه سرگشاده به دو حزب اکثریت و اقلیت درون حاکمیت، یعنی جبهه مشارکت ایران اسلامی و جمعیت مؤتلفه اسلامی، تنها بیان و توضیح بحرانها، مشکلات و خطرات تهدید کننده نبوده است بلکه فرض ما بر این است که همه احزاب، نیروها، نهادها و مسئولان به وضعیت بحرانی کشور توجه دارند و بنابراین، زمان برای مطرح کردن و ارائه یک راه حل از درون نظام فرا رسیده است. اما اگر شما و جناحی که به آن تعلق دارید، واقعا بن‌بستی یا بحرانی نمی‌بینید، دیگر چه نیازی به کاوش برای پیدا کردن راه حل وجود دارد؟

به اطراف خود نگاه کنید، آمارها را بررسی نمایید، با دوستان مشفق و بی‌غرض خود مشورت کنید و چشم و گوش دل باز کنید، تا دریابید که اکثر مردم ایران از وضعیت کنونی به ستوه آمده‌اند و برای خروج از این وضعیت غیرقابل تحمل به هر دری می‌زنند.

به نظر نهضت آزادی ایران، اگر تنشهای کنونی جامعه از طریق گفتگو و تبادل نظر کاهش نیابد و همه گروههای مؤثر در جامعه در راستای استراتژی وفاق ملی، دیدگاهها، مواضع و جایگاههای خود را تعدیل نکنند و توسل به زور و خشونت را رها ننمایند، سرنوشتی جز فروپاشی جغرافیایی و اجتماعی در انتظار جامعه ما نخواهد بود. امروز جنبش اصلاح‌طلبی از دو سو تحت فشار و در معرض خطر است: از یک سو، از جانب گروههای برانداز و از سوی دیگر از ناحیه محافظه‌کاران و جریانهای راست افراطی. هر دو جناح در مخالفت با اصلاحات، همسو و هماهنگ عمل می‌کنند. بی‌تردید مسئولیت پیامدهای این رفتارها بیش از هر کس برعهده محافظه‌کاران است. در چنین شرایطی، از آنجا که جمعیت مؤتلفه اسلامی آغازگر گفتگوی بین احزاب بوده است، اکیداً توصیه می‌کنیم که به عنوان اولین گام برای کاهش تشنجات و سود بخش شدن این حرکت، به حمایت خود از گروههای خشونت‌طلب و آشوبگر پایان دهید و این‌گونه اعمال را محکوم نمایید.

انتشار نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران، در حالی که بسیاری از صاحب‌نظران و فعالان سیاسی این حرکت نهضت را تأیید کردند، گروهها و شخصیت‌های زیادی، برخی هم بسیار موجّه، به شدت به نهضت آزادی ایران تاختند. اعتراض آنان به ابتکار نهضت آزادی ایران از این بابت نبود که آنان راهکار مؤثر و واقع‌بینانه‌ای دارند، بلکه بر این باورند که نفس گرم ما در آهن سرد شما، حزبتان و جناح محافظه‌کار- که قدرتهای مالی و اجرائی فراوانی در اختیار دارید- اثر نمی‌کند و این گفتگو تنها موجب کاهش اعتبار نهضت آزادی ایران در نزد مردم می‌گردد. اما نهضت آزادی ایران، اولاً بر اساس آموزه‌های قرآنی و روش پیامبر و امامان و تجارب تاریخی از تأثیر اینگونه گفتگوها ناامید و مأیوس نمی‌باشد و ثانیاً در فعالیت‌های خود سودای قدرت در سر ندارد. آنچه گفته است و می‌کند، در راستای منافع ملی و از باب اتمام حجت و «معدرتاً الی ربنا» می‌باشد و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌هراسد.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> وَأَلِيخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ (مائده - ۵۴)

در پایان، بار دیگر همه احزاب و گروه‌های سیاسی و اجتماعی را به شرکت فعالانه در این نوع گفتگوها و تلاش برای کاهش تنش‌های موجود، در راستای مصالح و منافع ملی دعوت می‌کنیم. ای پروردگار ما، میان ما و قوممان به حق راهی بگشا که تو بهترین راهگشایانی.<sup>۱</sup>

دکتر ابراهیم یزدی  
دبیرکل نهضت آزادی ایران

---

<sup>۱</sup> رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرَ الْفَاتِحِينَ (اعراف - ۸۹)

## در آستانه

### دومین دوره انتخابات شوراهای

وَأْمُرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ (شوری-۳۸)

هموطنان عزیز،

همانگونه که اطلاع دارید، دومین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در سراسر کشور به زودی آغاز خواهد شد. براساس برنامه اعلام شده وزارت کشور، نام نویسی داوطلبان عضویت در شوراهای در روزهای ۹ تا ۱۵ دی ماه و رأی‌گیری در روز ۹ اسفند انجام خواهد یافت. تشکیل شوراهای، به عنوان بخشی از نهادهای مدنی، از جمله دستاوردهای انقلاب مشروطیت و سپس انقلاب اسلامی ایران است که هم در قانون اساسی مشروطه و هم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در اصول فصل هفتم آن تصریح شده است. در دوران استبداد سلطنتی، شوراهای ایالتی و ولایتی هرگز به وجود نیامدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز مسأله شوراهای مسکوت ماند و جز در موارد معدودی در زمان دولت موقت، تلاشی برای تشکیل شوراهای صورت نگرفت. اما پس از دوم خرداد سال ۷۶، با همت دولت آقای خاتمی، انتخابات سراسری شوراهای در سال ۱۳۷۷ در همه روستاها و شهرهای کشور تحقق یافت و گام بلندی در راستای دستیابی به آرمانهای دیرین ملت ایران و نهادینه شدن مردم‌سالاری و واگذاری اداره امور مردم به خود آنان برداشته شد.

اینک در آستانه دومین دوره انتخابات شوراهای، بجاست که برای بهره‌گیری از تجربه‌های دوره اول شوراهای و آمادگی بیشتر جامعه در انتخابات دومین دوره، نخست عملکرد اولین دوره شوراهای مورد ارزیابی قرار گیرد و تجارب آن، به ویژه در زمینه خصوصیات مطلوب اعضای شوراهای، به کار بسته شود و با رفع مشکلات و موانع پیشرفت کار در این دوره، در دومین مرحله گامهای بلندتری در راستای نهادینه شدن شوراهای برداشته شود.

#### الف - ارزیابی عملکرد اولین دوره شوراهای

قانون شوراهای پس از یک وقفه طولانی سرانجام در مجلس پنجم تصویب شد. وزارت کشور دولت آقای خاتمی، با آگاهی از نقایص قانون مزبور، اجرای آن را در دستور کار خود قرار داد تا با کسب تجربه عینی در فرایند عملکرد اجرای قانون و کار کارشناسی، در فرصت مناسب در دوره ششم مجلس برای اصلاح قانون شوراهای اقدام کند. مشارکت واقعی نزدیک به ۲۰۰ هزار نفر از نمایندگان مردم در مدیریت روستاها و شهرها در کنار ساختار دیرین و سنتی مدیریت متمرکز و «از بالا»ی کشور اولین چالش اساسی شوراهای در این دوره بوده است. در این فرایند، در بسیاری از روستاها و شهرها، مسئولان اجرائی عملاً خود را با

مطالبات مردم و وظایف و اختیارات شوراهای تطبیق داده، همکاری صمیمانه و سازنده‌ای را شکل داده‌اند و دستاوردهای ارزشمندی در اولین دوره تجربه شوراهای بر جای گذاشته‌اند. البته، در پاره‌ای از شهرها، همکاری شوراهای با شهرداران منتخب آنها در ساختارهای موجود مدیریت شهری موفق نبوده‌است و نهایتاً، این شوراهای منحل شده‌اند.

در شهر تهران - که شورای شهر و دو شهردار منتخب آن نتوانستند همکاری، تفاهم و همکاری لازم را در این دوره حساس ایجاد کنند- اخیراً مناسبات شورا و شهرداری منجر به تقابل جدی گردیده است و پیامد آن نه تنها برای مدیریت شهر تهران مطلوب نبوده‌است، بلکه آثار سوء آن بر سایر شهرها و در سطح ملی نیز سایه افکننده است.

اینک در آستانه دومین انتخابات شوراهای، جا دارد که وزارت محترم کشور در جهت آماده ساختن هرچه بیشتر جامعه برای مشارکت مؤثر در تحقق اهداف قانون شوراهای، براساس کارشناسی، گزارشی از ارزیابی واقع‌بینانه عملکرد اولین دوره شوراهای تدوین کند و به همراه شرح اقدامات صورت گرفته برای رفع موانع توسعه کار شوراهای منتشر نماید تا مردم، برپایه چنین اطلاعاتی، بتوانند با واقع‌بینی و آمادگی بیشتر در انتخابات دوره دوم شرکت کنند

در اینجا به برخی از علل عدم موفقیت مطلوب شوراهای اسلامی در دوره نخست اشاره می‌شود.

#### ۱- نارساییها و کاستیهای قانون شوراهای اسلامی

##### \* فقدان واقع‌بینی و صراحت

در اصول قانون اساسی، جایگاه شوراهای در اداره امور کشور، از جمله در مدیریت شهری، با صراحت و انسجام کافی تبیین شده است که ناشی از باور عمیق عموم تدوین کنندگان قانون اساسی به ضرورت حضور و مشارکت مردم در اداره شهرها و مدیریت شهری بوده است. در اصول ششم و هفتم قانون اساسی، اداره امور کشور به اتکای آرای عمومی از طریق انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شوراهای استان، شهر، روستا - و در موارد لازم، همه پرسی- به طور عام مورد تأکید قرار گرفته است.

در اصول فصل هفتم قانون اساسی، که بطور خاص به شوراهای اختصاص دارد، تفصیل آنها موقوف به وضع قوانین اختصاصی شده است. با این وجود، در قانون شوراهای، جایگاه شورای شهر، شهرداری و دیگر سازمانهای خدمات شهری در مدیریت شهرها به‌طور روشن و مشخص بیان نشده است.

در ماده ۷۱ قانون شوراهای، وظایف و اختیارات شورای اسلامی شهر به تفصیل در ۲۹ بند و ۸ تبصره تدوین شده و وظایف سنگین و تا حدودی غیرمنسجم و پراکنده برای شورای شهر تعیین گردیده است. به عنوان نمونه، در بند ۲ ماده ۷۱ چنین آمده است :

“ بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نارساییهای اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و رفاهی حوزه انتخابیه و تهیه طرحها و پیشنهادهای اصلاحی و راهحلهای کاربردی در این زمینه ها جهت برنامه‌ریزی و ارائه آن به مقامات مسئول ذیربط. “

بر این اساس، ایفای وظایف بررسی و شناخت کمبودها در حوزه های اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی، اقتصادی، رفاهی و ... و ارائه راهحلها و برنامه‌های کاربردی به مقامات مسئول، در واقع به منزله تصدی

بخشی از وظایف سازمان شهرداری‌ها و بسیاری از وزارتخانه‌ها - که واحدها و کارشناسان متخصص متعددی در این زمینه‌ها در اختیار دارند- توسط شورای شهر می‌باشد که به‌هیچ‌وجه با ظرفیت اعضای شوراهای شهر و نیروی انسانی زیرمجموعه آنها تناسب ندارد. این مشکل ناشی از ساختار مدیریت متمرکز کنونی شهرداری‌ها و به‌طورکلی ساختار متمرکز مدیریت کلان کشور است که با ساختار غیرمتمرکز پیش‌نیاز شوراهای مغایرت دارد. این مورد و موارد مشابه، به عنوان برخی از موانع کارآیی شوراهای، بایستی مورد ارزیابی کارشناسی قرار گرفته، نسبت به رفع آنها اقدام شود.

\* تعداد اعضای شورای شهر، به ویژه در شهرهای بزرگ مانند تهران، تناسبی با حجم وظایف و امکان پاسخگو بودن در برابر مردم را ندارد. تجربه شوراهای در کلان شهرهای دنیا نیز نشان می‌دهد که تعداد اعضای شورا بایستی خیلی بیش از شمار تعیین شده در قانون یاد شده باشد تا ارتباط آنان با نمایندگان شوراهای منطقه‌ای و محلی و مردم شهر امکان‌پذیر گردد.

\* در شهرهای بزرگ، عدم ارتباط مستقیم اعضای شورا با مردم شهر از طریق شوراهای منطقه، ناحیه و محله، از دلایل کاستیهای عملکرد شوراهای شهری بوده است. البته در شهر تهران، با تشکیل انجمن‌های شورایی در تعدادی از محلات شهر تهران، گام مقدماتی در راستای رفع این نقیصه برداشته شده است که جای تقدیر دارد.

\* اگر وظیفه اصلی شوراهای شهری "سیاست گذاری"، "برنامه‌ریزی راهبردی" و "نظارت" بر اجرای برنامه‌ها و طرح‌ها است، در قانون شوراهای راهکارهای اصلاح ساختار مدیریت اجرایی شهرداری‌ها و ایجاد هماهنگی با شوراهای شهری پیش‌بینی نشده است تا هر یک در جایگاه واقعی خود و به صورت هماهنگ در مدیریت شهری عمل کنند.

#### ۲- کمبود توان تخصصی اعضای شوراهای

در روستاها و شهرهای کوچک، نمایندگان منتخب شوراهای عموماً با مردم محل آشنایی داشته‌اند و ارتباط مردم با آنان آسان بوده است. ضمناً به علت ساده بودن مسائل و مشکلات، وظایف شوراهای نسبتاً بهتر انجام یافته است. اما در شهرهای بزرگ، به‌علت پیچیده بودن مسائل و مشکلات شهری، ایفای وظایف اعضای شوراهای، نیازمند اطلاعات، تجربه و تخصص بیشتری است که فقدان یا ناکافی بودن آنها، بعضاً انجام وظایف شوراهای را با مشکل روبرو ساخته است.

#### ۳- سیاسی بودن شوراهای

یکی دیگر از مسائلی که در عملکرد شوراهای در نخستین دوره اثرات نامطلوبی داشته است، وجود رقابت سیاسی احزاب و گروه‌های مختلف (حتی در درون گروه‌های دوم خردادی) بوده که این امر نیز نقش بازدارنده‌ای در ایفای وظایف واقعی شوراهای داشته است. حضور افراد سیاسی توانا و در عین حال متخصص در مسایل شهری البته مفید است، اما وظایف شوراهای اساساً خدماتی است و داشتن تواناییهای لازم در این حیطة نسبت به تواناییهای سیاسی اولویت دارد. آن دسته از اعضای شوراهای که وابسته به احزاب و جناح‌های مختلف سیاسی هستند، نباید گرایشهای سیاسی خود را در فعالیت‌های شورا دخالت دهند و از شوراهای به عنوان بستری برای پیشبرد هدف‌های سیاسی بهره‌برداری کنند. متأسفانه عدم توجه به این امر در پاره‌ای از شوراهای، به ویژه در مورد شهر تهران، آثار نامطلوبی در پی داشته است.

#### ۴- ضرورت طی فرایند یادگیری

مسائل و مشکلات رخ داده در دوره اول شوراهای کاملاً طبیعی بوده است. در جامعه‌ای با پیشینه ۲۵ قرن فرهنگ استبدادی، که تمایل طبیعی به مدیریت آمرانه و از بالا دارد، و مردم هیچگاه نقش مناسبی در تعیین سرنوشت خود و مشارکت در اداره شهرها، روستاها و کشور نداشته‌اند، گسترش فرهنگ شورایی و مدیریت از پایین، به ویژه با عدم آشنایی مردم به کار جمعی، نیاز به پیمودن فرایند یادگیری دارد. لذا پدید آمدن ناهنجاریها در دوره‌های نخستین شوراهای، امری طبیعی بوده است. در کشورهای دیگر، که مدیریت شهری توسط شوراهای منتخب مردم سابقه طولانی - بعضاً تا ۲۰۰ سال- دارد، این تجربه را یک شبه به دست نیاورده‌اند، بلکه به تدریج، با طی کردن فرایند یادگیری و کسب تجربه نسبت به رفع نقایص و کاستیها اقدام کرده‌اند و امروز در حل مشکلات شهری موفق هستند و به وضع مطلوب و پایدار دست یافته‌اند.

#### ب- توصیه‌هایی برای دومین دوره انتخابات شوراهای

##### ۱- حضور و مشارکت فعالانه احزاب و گروهها

احزاب و گروههای سیاسی و انجمن‌های مدنی و مطبوعات باید به عنوان نهادهای مدنی، نقش فعالانه‌ای در انتخابات شوراهای داشته باشند و علاوه بر معرفی افراد شایسته و توانا برای عضویت در انتخابات شوراهای، موجبات تشویق مردم برای مشارکت در این امر مهم اجتماعی را فراهم آورند. باتوجه به تجربه‌ها و نتایج ارزیابی دوره اول، شایسته است که احزاب، افرادی را نامزد و معرفی کنند که توانایی‌های لازم برای ایفای وظایف خدماتی شوراهای را داشته باشند. اگر در بین اعضای یک حزب، افراد واجد صلاحیت برای عضویت در شورای شهر وجود نداشته باشد، باید از افراد سایر گروهها و یا اشخاص مستقل توانمند حمایت کنند تا بدین ترتیب، ظرفیت لازم برای ارتقای کیفیت خدمات شوراهای فراهم گردد. نقش اصلی احزاب، پشتیبانی اعضای خود با ارائه اطلاعات و برنامه مطالعه شده در جهت بهبود مدیریت شهرها و روستاها می‌باشد، نه استفاده از رانت عضویت در شوراهای برای مقاصد سیاسی.

##### ۲- حضور و مشارکت فعالانه مردم

اگرچه عملکرد برخی از شوراهای شهر قابل قبول نبوده است، وجود این‌گونه کاستیها در عملکرد نخستین دوره شوراهای نباید موجب دلسردی و ناامیدی مردم نسبت به آینده شوراهای باشد. تنها راه آماده شدن مردم برای یک جامعه مردمسالار و دموکراتیک، تقویت نهادهای مدنی، از جمله شوراهای روستا و شهر، است تا با پیمودن این فرایند یادگیری و تربیتی، حضور و مشارکت مردم در اداره امور جامعه نهادینه شود. طبیعی است که جریان‌هایی که مخالف تشکیل شوراهای و سایر نهادهای مدنی هستند و نمی‌خواهند حاکمیت ملت و سایر حقوق اساسی مردم - که در قانون اساسی تصریح شده و بخش اصلی مطالبات مردم را در مبارزات صدساله اخیر و انقلاب اسلامی سال ۵۷ تشکیل می‌دهد- تحقق یابد، با بهانه قراردادن نارسایی‌های طبیعی در عملکرد اولین دوره شوراهای، آنها را مفید و کارساز ندانسته، زمینه‌های این دلسردی و ناامیدی را با ایجاد بحرانهای سال‌های اخیر فراهم کرده باشند.

نهضت آزادی ایران، با تشکر و تقدیر از اعضای محترم شوراهای شهر و روستا و همه کسانی که در این راستا تلاش کرده‌اند و به رغم مجموعه محدودیتها و تضییقات تحمیل شده بر نهضت، با استعانت از

خداوند حکیم، فعالانه در انتخابات شوراهای شرکت خواهد کرد و از عموم مردم دعوت می‌کند که با آگاهی از نقش و جایگاه شوراهای و درک شرایط خطیر جامعه، فعالانه در انتخابات شوراهای شرکت کنند. نهضت آزادی همچنین به همه احزاب و گروههای سیاسی-اجتماعی توصیه می‌کند که با بهره‌گیری از تجربه نخستین دوره انتخابات شوراهای، با همفکری و همکاری - و حتی‌الامکان با ائتلاف- و از طریق نامزدکردن افراد شایسته و توانا برای اجرای وظایف خطیر و مهم شوراهای، نقش خود را در تقویت این نهاد مدنی و افزایش حضور و مشارکت واقعی مردم در اداره روستاها و شهرها ایفا کنند.

**نهضت آزادی ایران**



## محکومیت طرح آمریکا برای جنگ علیه عراق

### پیشنهاد اجرای همه پرسی به جای جنگ

### به شورای عالی امنیت ملی در ایران

هموطنان عزیز:

بیش از یک سال است که دولت آمریکا بر طبل جنگ علیه عراق می‌کوبد و در سطوح مختلف ملی و بین‌المللی، برای اجرای برنامه‌های خود تدارک می‌بیند.

از مجموعه شواهد و اخبار چنین برمی‌آید که برنامه دولت آمریکا ایجاد نزدیکی و هماهنگی و همکاری میان کردهای شمال، شیعیان جنوب و سایر نیروهای معارض با صدام و راه انداختن آنان به سوی بغداد برای سرنگون کردن دولت صدام است. در چارچوب این برنامه، نیروی هوایی آمریکا علاوه بر بمباران مراکز نظامی و کلیدی عراق، نیروهای مسلح کردها و شیعیان را زیر چتر حمایتی خود قرار می‌دهد. هدف این است که پس از سقوط صدام، ظاهراً یک دولت ائتلافی مرکب از نمایندگان کردهای شمال، شیعیان جنوب، نیروهای ملی و نظامیان بریده از صدام روی کار آید. در چنین دولتی، نظامیان آمریکا، دست کم برای مدتی نامعلوم، نقش کلیدی خواهند داشت.

هم‌پیمانان آمریکا در اروپا، آسیای دور، چین، روسیه و کشورهای عربی، اولاً با اجرای این برنامه بیرون از نظارت یا مهار سازمان ملل متحد موافق نیستند و ثانیاً می‌کوشند که با وارد کردن فشارهای سیاسی، دولت عراق را وادار به تمکین از مصوبات شورای امنیت سازمان ملل کنند، تا موجباتی برای اقدامات نظامی علیه صدام فراهم نشود.

دولت‌های عربی، با توجه به سرکوب شدید فلسطینیان در سرزمین‌های اشغالی، رسماً عدم آمادگی خود را برای همکاری، و حتی تأیید اجرای چنین برنامه‌ای از جانب آمریکا، اعلام کرده‌اند.

افکار عمومی مردم آمریکا و جهان علی‌الاصول با این جنگ مخالف است و استفاده از زور برای حل مناقشات را مردود می‌داند.

از سوی دیگر، مشکل دولت بعثی عراق و صدام حسین تنها تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی نیست، بلکه رژیم عراق یکی از خشن‌ترین حکومت‌های ضد مردمی و سرکوبگر در جهان معاصر است. تاریخ به یاد ندارد که دولتی از سلاح‌های کشتار جمعی، مانند بمب‌های شیمیایی، علیه مردم ناراضی خود استفاده کرده باشد.

دولت عراق نه تنها در جنگ خانمانسوز علیه ایران، بلکه برای سرکوب کردن ناراضیان کرد از بمب‌های شیمیایی استفاده کرده است. صدام یک جنایتکار جنگی است. اگر چه دادگاه بین‌المللی کیفری نمی‌تواند او

را احضار و محاکمه کند، برکنار کردن دولت صدام یک ضرورت برای امنیت منطقه و یک حرکت انسانی به سود مردم عراق است ولی باید بررسی کرد به چه قیمتی این برکناری تمام خواهد شد. آنچه تا کنون علیه دولت عراق انجام یافته است، چه در جنگ دوم خلیج فارس و چه تحریم‌های اقتصادی، همه در نهایت به زیان مردم عراق تمام شده است و این مردم عراق هستند که هزینه‌های بسیار سنگین تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی علیه رژیم صدام را پرداخته‌اند و می‌پردازند.

دولت ایران می‌تواند در برنامه‌هایی شرکت کند که علاوه بر تامین امنیت فعلی و آتی ایران، به سود مردم عراق هم باشد.

جنگ، در چارچوب برنامه‌هایی که دولت امریکا در نظر دارد، حتی اگر با تصویب و نظارت سازمان ملل متحد همراه باشد، نه تامین کننده منافع ملت عراق و نه ایجاد امنیت در منطقه و یا ایران خواهد بود. نهضت آزادی ایران راه حل جنگ‌طلبانه قدرت‌های بیگانه، به ویژه دولت آمریکا، در عراق را مردود می‌داند و قویاً محکوم می‌کند.

از سوی دیگر، با آن که دولت ایران نمی‌تواند و نباید در برنامه‌های امریکا علیه عراق شرکت کند، به هیچ وجه نباید نسبت به آنچه در مرزهای غربی کشورمان می‌گذرد بی‌تفاوت و منفعل باشد، چرا که هر تغییر و تحولی در عراق با امنیت ملی کشورمان رابطه تنگاتنگ دارد.

با توجه به نکات بالا و از مجموعه شرایط حاکم بر عراق و خاورمیانه و در سطح جهانی چنین برمی‌آید که بهترین گزینه برای حل بحران عراق، اجرای یک همه‌پرسی برای تغییر نظام بعثی زیر نظر سازمان ملل متحد است. بنابراین، نهضت آزادی ایران به شورای عالی امنیت ملی ایران و سایر نهادها و مقامات تصمیم‌گیرنده قویاً توصیه می‌کند که با ارائه یک راه‌حل مسالمت‌آمیز، از طریق مراجعه به آرای مردم عراق برای تعیین سرنوشت خود، از یک جنگ خانمان‌برانداز جلوگیری کنند.

همه‌پرسی هم به نفع مردم عراق و هم در راستای منافع و امنیت ملی ایران است. به نظر می‌رسد که با توجه به جو جهانی، مطرح کردن چنین پیشنهادی از سوی دولت ایران به احتمال زیاد مورد استقبال و حمایت دولت‌های اروپایی، عربی، اسلامی و آسیای دور قرار خواهد گرفت.

همه‌پرسی در عراق، علاوه بر تعیین تکلیف نظام کنونی و تغییر آن، راه شکل‌گیری دموکراتیک حکومت جایگزین صدام را نیز هموار خواهد ساخت. در حال حاضر، گروه‌ها، احزاب سیاسی و شخصیت‌های ملی، نظامی و غیرنظامی مخالف صدام - که با هدایت و کمک آمریکا، در تلاش برای حصول توافق پیرامون حکومت آینده عراق هستند - بعضاً فاقد پایگاه‌های مردمی معین و مشخص می‌باشند. سپردن سرنوشت ملتی که سال‌ها گرفتار یک دولت سرکوبگر بوده است، به چنین ائتلافی در برگیرنده منافع ملت عراق نخواهد بود و آینده ملت عراق پس از سرنگونی صدام همچنان مبهم، پیچیده و خطرناک باقی خواهد ماند.

البته این احتمال وجود دارد که حتی اگر شورای امنیت سازمان ملل متحد طرح همه‌پرسی پیشنهادی ایران در مورد عراق را تصویب کند، دولت عراق آن را نپذیرد. اما مطرح ساختن و تصویب این طرح در شورای امنیت به نفع موقعیت سیاسی-دیپلماتیک ایران در سطح جهان و منطقه خواهد بود و نپذیرفتن آن توسط صدام، اجرای برنامه از طریق اعمال زور توسط سازمان ملل متحد را کاملاً قابل توجیه خواهد نمود.

**نهضت آزادی ایران**

## نامه به رئیس خانه احزاب درخصوص شرکت نمایندگان نهضت در

### طرح تحقیقاتی وفاق ملی

حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای سید حسین موسوی تبریزی

ریاست محترم خانه احزاب

با سلام و با آرزوی توفیق جلب رضایت حق و خدمت به خلق

همان طور که مسبوق هستید، جمهوری اسلامی با بحران‌ها و مشکلات متعددی روبرو است. سطح و دامنه این بحران‌ها به جایی رسیده است که همه نیروها، نهادهای سیاسی و مدیریتی را با انسداد روبرو نموده و جامعه را دچار تعادل ناپایدار ساخته است.

برای برون‌رفت از انسدادهای کنونی و عبور از وضعیت تعادل ناپایدار از درون نظام جمهوری اسلامی، و نه از بیرون از آن، ضرورت دارد که همه احزاب، نیروها و گروه‌های سیاسی، اعم از درون یا بیرون از حاکمیت، اصلاح‌طلب یا محافظه‌کار اولاً وضعیت بحرانی کنونی و خطرات جدی تهدیدکننده را بپذیرند؛ ثانیاً راه‌حل مسالمت‌آمیز برای حل مناقشات، به جای اعمال شیوه‌های خشونت را نیز قبول کنند، و ثالثاً آمادگی خود را برای گردهمایی و گفتگوهای همه‌جانبه به منظور توافق برسر حل حداقل‌ها در چارچوب منافع ملی اعلام نمایند.

نهضت آزادی ایران از این که خانه احزاب پیشگام این امر شده است و یک گروه کاری سه نفره برای بررسی راهکارهای تحقق وفاق ملی تعیین کرده است، استقبال می‌نماید. اما لازم می‌داند متذکر شود که وفاق ملی هنگامی مفید و موثر و میسر خواهد بود که همه نیروها، اعم از درون و بیرون از حاکمیت در آن شرکت نمایند و هیچ حزب و گروهی حذف نشود.

با توجه به توضیحات بالا، درخواست می‌نماید برنامه‌ها و اقدامات بعدی گروه کاری اطلاع داده شود تا نمایندگان نهضت آزادی نیز بتوانند در این امر خطیر ملی حضور و مشارکت داشته باشند.

با تشکر

دکتر ابراهیم یزدی

دبیرکل نهضت آزادی ایران

## بیانیه پیرامون اظهارات اخیر

### مقامات دادگاه انقلاب اسلامی تهران

هموطنان عزیز

در تاریخ ۸۱/۹/۲۳ آقای بابایی رئیس شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی در مصاحبه‌ای پیرامون پرونده متهمان نهضت آزادی ایران و دبیرکل آن، آقای دکتر یزدی مطالبی ایراد و عنوان کردند که: «... دادگاه حتی به عنوان براندازی نیز نسبت به آن متهمان حکم نکرده است».

البته در این مصاحبه مطالبی دیگری نیز، خصوصاً در مورد آقای دکتر یزدی گفته شده بود که ایشان در ۸۱/۹/۲۴ طی مصاحبه‌ای با ایسنا به آنها جواب داده و برخی از مطالب نادرست آن را تکذیب نموده‌اند. (حیات نو ۸۱/۹/۲۵)

در ۳۰ آذر ماه ۸۱ آقای مبشری، رئیس دادگاه‌های انقلاب اسلامی تهران در مصاحبه‌ای با ایسنا اعلام کردند که:

«مطابق آنچه قاضی پرونده نهضت آزادی گفته است این گروه برانداز نیستند».

ایشان در پاسخ به خبرنگار ایسنا که چرا از اول اعلام شد که نهضت آزادی برانداز هستند، جواب دادند که:

«اطلاعی غیر از حکم است. این قاضی است که باید تصمیم بگیرد و نظر او اصل است».

با وجود این، دو روز بعد، روابط عمومی دادگاه‌های انقلاب اسلامی با صدور بیانیه‌ای برانداز نبودن نهضت آزادی را رد کرد و اعلام کرد که:

«نظر دادگاه انقلاب اسلامی تهران همان است که قبلاً عنوان شده است. هدف این گروه براندازی حکومت دینی و ولایی به روش جدید و به صورت مسالمت‌آمیز، در رویارویی با دستاوردهای انقلاب از طریق تهاجم فرهنگی و تلاش تبلیغاتی و مسموم نمودن جو جامعه و ایجاد تفرقه در صفوف ملت به منظور مخالفت با نظام اسلامی بوده است.» (آفتاب ۸۱/۱۰/۲)

در این بیانیه روشن نشده است که:

اولاً - نظرات قبلی دادگاه انقلاب که عنوان شده است چیست؟ آیا منظور اعلامیه‌های تند و تیز و حماسی و سیاسی دادگاه‌های انقلاب (نظیر بیانیه اسفند ۷۹ و ۱۸ فروردین ۸۰) است یا اظهارات رسمی رئیس دادگاه‌های انقلاب اسلامی تهران آقای مبشری؟

ثانیاً - منظور از براندازی مسالمت‌آمیز چیست؟ در کدام یک از مقررات قانونی چنین جرمی تعریف شده است؟

ثالثاً - چگونه با این همه دستگاه‌های عریض و طویل صدا و سیما و برنامه‌های متنوع گسترده و فراگیر روزنامه‌های متعدد وابسته به جریان‌های راست و محافظه‌کار و سازمان‌ها و نهادهای تبلیغاتی با بودجه‌ها و امکانات فراوان، بیانیه‌های نهضت آزادی ایران، با تیراژی بسیار محدود از مصادیق تهاجم فرهنگی محسوب شده است که موجب مسموم شدن جو جامعه می‌گردد؟

رابعاً - چگونه بیانیه‌های بسیار کوتاه نهضت آزادی با تیراژ محدود در صفوف ملت ایجاد تفرقه می‌کند، اما حملات بسیار زشت به رئیس‌جمهور منتخب مردم، و مجلس شورای اسلامی، و سایر مقامات برجسته کشور، حتی اهانت به برخی از مراجع عظام به خاطر اظهار نظرهای فقهی با طرح انقلاب سوم برای پاکسازی دستگاه‌های اجرایی از اصلاح‌طلبان تاثیری ندارد؟ و هیچ دادگاه و مقام قضایی آنها را از مقوله تشویش افکار عمومی نمی‌داند؟

خامساً - روابط عمومی دادگاه انقلاب سخنگوی چه کسی و یا چه نهادی است که مفاد اطلاعیه‌های آن با نظر قضایی پرونده و یا رئیس دادگاه انقلاب هماهنگ نیست و این امر موجب واکنش شدید سخنگوی قوه قضائیه گردیده است؟

نهضت آزادی ایران بر این باور است که سخنان آقای مبشری تایید آن چیزی است که در حدود یک سال و نیم پیش، وزیر محترم اطلاعات در پاسخ به نمایندگان محترم مجلس رسماً در مورد برانداز نبودن نهضت آزادی ایران اعلام نمودند. با توجه به این که قوه قضائیه و دادگاه‌های انقلاب، نهادهای اطلاعاتی و امنیتی نیستند، نهضت آزادی ایران کمترین تردیدی نداشت که دادگاه انقلاب دلایل و مستندات برای اثبات برانداز بودن نهضت و سایر اتهامات در دست نداشته است. خوشبختانه شواهد اثبات کننده این امر به زودی آشکار شد.

وزیر اطلاعات که دستگاه نخست مدیریت و مسئول قانونی اطلاعاتی و امنیتی کشور است و از سال‌های قبل فعالیت‌های نهضت آزادی و اعضای آن را شدیداً زیر نظر داشته و مسلماً هوادار نهضت نبوده است، در همان اوان و برغم فضای رعب و وحشتی که علیه نهضت و اعضای آن ایجاد شده بود با صراحت اعلام کرد که نهضت آزادی ایران برانداز نیست. از سوی دیگر، به رغم اصل ۳۲ قانون اساسی<sup>۱</sup> و مواد ۲۴ و ۱۲۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب دلایل اتهام (نه صرفاً موضوع اتهام) در جریان دستگیری، بازداشت و تحقیقات (بازجویی‌ها) به متهمان تفهیم و کتباً ابلاغ نشد. حتی در ۳ جلسه عمومی دادگاه که طی آن قسمت‌هایی از کیفرخواست (ادعانامه) بسیار مفصل و ماهیتاً سیاسی نماینده مدعی‌العموم خوانده شد و توضیحات مشروحی نیز توسط ایشان شفاهماً بیان گردید، نسخه‌ای از آن در اختیار متهمان یا وکلای مدافع آنان قرار داده نشد. مستندات کیفرخواست عمدتاً بیانیه‌های نهضت آزادی و دیگران و اسناد به اصطلاح مکشوفه از منازل و دفاتر کار متهمان (پس از دستگیری‌ها) و مطالب ابراز شده توسط آنان در جریان تحقیقات بود.

بدون شک اگر در هنگام دستگیری افراد دلایل و مستندات قابل قبول به لحاظ قانون و افکار عمومی در اثبات برانداز بودن نهضت و سایر اتهامات مطرح شده وجود می‌داشت قضایی پرونده به هنگام تفهیم اتهام دلایل و مستندات اتهام را کتباً به متهمان ارائه می‌کرد و دادگاه انقلاب در افشا و انتشار آنها در

<sup>۱</sup> در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و ...» (اصل ۳۲ قانون اساسی)

گسترده‌ترین شکل از هیچ کوششی دریغ نمی‌کرد و جلسات دادگاه را نیز طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی به اتکاء مستندات و مدارک مزبور به طور علنی برگزار می‌نمود.

یک نکته مهم این است که تعریفی برای «براندازی مسالمت‌آمیز در قوانین» جاری وجود ندارد و معلوم نیست که چگونه یک دستگاه یا مقام قضایی اتهامی را به نهضت نسبت داده‌اند که تعریف قانونی ندارد. شاید به همین علت در دادنامه هم ذکری از براندازی نشده و اتهامات دیگری مطرح گردیده است. این تناقض را چگونه می‌توان توجیه کرد که دادگاه انقلاب از یک سو با ادعای تعریف نشدن جرم سیاسی در قانون، حاضر نیست که هیچ متهمی را به اتهام ارتکاب جرم سیاسی در دادگاه علنی و با حضور هیأت منصفه، طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی محاکمه کند و از سوی دیگر، افراد را به جرمی که آن هم تعریف نشده است متهم می‌نمایند؟

ضمناً از آنجا که در عرف سیاسی و حقوقی، براندازی مستلزم به کارگیری سلاح و عملیات نظامی و خشونت‌آمیز است، برای توجیه اتهام براندازی نهضت واژه براندازی قانونی و یا مسالمت‌آمیز را به کار برده‌اند که بسیار باعث شگفتی است. زیرا اگر هر اقدامی از طریق قانونی صورت گیرد، مانند تغییر دادن نمایندگان مجلس، رئیس جمهور و یا بعضی از اصول قانون اساسی با رای مردم نه تنها جرم محسوب نمی‌شود، بلکه جزء حقوق اساسی مردم به شمار می‌رود.

به هر حال، مسئولان و اعضای نهضت آزادی ایران از این که مقاماتی، نهضت یا اعضای آن را برانداز بدانند بیمی ندارند، چون خود را در پیشگاه خداوند و نزد خلق او رو سفید می‌دانند (ان‌شاءالله) و در دفاعیات خود مسایل را به تفصیل بیان کرده‌اند و در عین حال از افرادی که شهادت بر حقانیت و مظلوم واقع شدن آنان داده‌اند و می‌دهند سپاسگزارند. ولی تاسف و شگفتی نهضت از این است که در دستگاه قضایی کشور، فارغ از عملکرد بسیار انتقادآمیز آن چنان بلبشویی به لحاظ اطلاع‌رسانی حاکم است که اظهار نظر یک مقام رسمی آن را، یک نهاد حقوقی و غیرقضایی آن، تکذیب و نقض می‌کند و مردم را دچار ابهام و سردرگمی می‌کنند. به عبارت دیگر، دستگاهی که بسیاری از افراد را به اتهام تضعیف نظام یا تبلیغ علیه نظام محکوم کرده است، خود با انتشار اتهامات قبل از ارائه مستندات آن و اثبات جرم در دادگاه، باعث تبلیغ منفی و سلب اعتبار قوه قضاییه در افکار عمومی داخل و خارج کشور می‌شود. قضیه تا آن اندازه شور است که آقای میرمحمدصادقی، سخنگوی قوه قضاییه هم نتوانست این بلبشو را برتابد و ناچار خود را از این گرداب و کلاف سردرگم کنار کشید.

نهضت آزادی ایران هنوز هم امیدوار است که مقامات مسئول چاره اساسی را تامین استقلال و بازسازی قوه قضاییه و اعاده اعتبار آن ببینند و به وضعیت نابسامان کنونی قوه قضاییه خاتمه دهند تا با تامین آزادی، عدالت و امنیت قضایی بستر لازم برای اجرای برنامه‌های توسعه و حل مشکلات روزمره اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم امکان‌پذیر گردد.

## نهضت آزادی ایران

اطلاعیه

**ادامه بازجویی آقای دکتر یزدی**

**و احضار آقای دکتر توسلی**

۱- بازجویی از آقای دکتر یزدی دبیرکل نهضت آزادی ایران همچنان ادامه دارد. امروز شنبه ۱۴ دی ماه، چهل و سومین جلسه بازجویی از ایشان برگزار شد. اتهام جدید تحت عنوان «تشویش افکار عمومی» به استناد نامه نهضت آزادی ایران به حزب مردم سالاری مطرح گردید، که مورد اعتراض آقای دکتر یزدی قرار گرفت. ادامه بازجویی به شنبه ۸ دی ماه موکول گردید.

۲- آقای دکتر غلامعباس توسلی، عضو شورای مرکزی و دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه‌های ایران، رئیس سابق انجمن جامعه‌شناسان ایران، به شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی احضار شدند. آقای دکتر غلامعباس توسلی از جمله متهمان پرونده نهضت آزادی هستند که بعد از یک دوره بازجویی و بازداشت کوتاه آزاد شده بودند. این احضار و بازجویی در رابطه با اتهامات مطرح شده در دادنامه صادره توسط شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی می‌باشد. ادامه بازجویی به روز شنبه ۲۱ دی‌ماه موکول گردید.

**روابط عمومی**

**نهضت آزادی ایران**

## درخواست ایجاد موجبات آزادی آیت الله منتظری از رئیس جمهور

جناب آقای سید محمد خاتمی رئیس جمهور

ریاست محترم شورای عالی امنیت ملی

با سلام و احترام

همان طور که اطلاع دارید وضعیت جسمی و روحی و پزشکی حضرت آیت الله العظمی آقای منتظری به علت کهولت و محصور بودن در منزل طی بیش از ۵ سال گذشته رضایت بخش نیست و در هفته‌های اخیر رو به وخامت گذارده و موجبات ناراحتی و نگرانی خانواده، مقلدین، علاقمندان و قاطبه ملت ایران را فراهم ساخته است.

چنین رفتاری با یک مرجع بزرگ به ویژه ادامه وضعیت کنونی موجب وهن نظام جمهوری اسلامی ایران در نزد افکار عمومی ایران و جهان می‌باشد.

نهضت آزادی ایران از جنابعالی و اعضای محترم شورای عالی امنیت ملی درخواست می‌نماید تا هر چه زودتر موجبات آزادی ایشان را فراهم سازید. خیر و صلاح و امنیت کشور و مقام‌های مسئول نظام در انجام این مهم می‌باشد. و ما علی الرسول الا البلاغ المبین.

دکتر ابراهیم یزدی

دبیرکل نهضت آزادی ایران



«اطلاعیه»

**اعتراض به بازداشت آقای سید محمد علی دادخواه**

**وکیل جمعی از اعضای نهضت آزادی ایران**

جناب آقای سید محمد علی دادخواه، وکیل شجاع جمعی از اعضای نهضت آزادی ایران، روز دوشنبه ۳۰ دیماه از محل دفتر کار خود توسط مأموران اجرای احکام تحت الحفظ مستقیم به زندان اوین منتقل شدند. شایان ذکر است که آقای دادخواه همان روز در مجلس بزرگداشت هشتمین سال درگذشت شادروان مهندس بازرگان در حسینیه ارشاد شرکت داشتند و شعری را که در وصف زندانیان دربند نهضت آزادی در بهار سال ۸۰ سروده بودند، قرائت کردند.

آقای دادخواه بر اثر شکایت رئیس شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب به اتهام نشر اکاذیب و افترا در دادگاه بدوی به ۵ ماه حبس و ۱۰ سال انفصال از شغل وکالت محکوم شده بودند که در دادگاه تجدیدنظر فقط ۵ ماه حبس تأیید گردید. آقای دادخواه در حالیکه حکم خود را کاملاً نادرست، غیرعادلانه و فاقد وجهت قضایی می داند اما با اعتقاد به قانونمداری، اجرای حکم را می پذیرد تا با جلب توجه مقامات قضایی و سایر مقامات مسئول کشور وظیفه خود را در راستای کمک به جنبش اصلاحات و دفاع از حقوق اساسی ملت ادا کرده باشد.

نهضت آزادی ایران، ضمن اعتراض به بازداشت وکیل شجاع جمعی از اعضای خود که عملی جز دفاع از حقوق متهمین و تلاش برای اجرای قانون انجام نداده است، نسبت به پیامدهای اینگونه احکام خلاف قانون و موازین حقوق بشر بیم می دهد، تا مبدا تاریخ همان قضاوتی را که در خصوص محاکمه و محکومیت وکلای شجاع و سرافراز سران و فعالان نهضت آزادی ایران در دادگاه نظامی عشرت آباد در سال ۱۳۴۲ داشته است، در مورد آقای دادخواه و دیگر وکلای شجاع نظیر آقای عبدالفتاح سلطانی، بنماید.

**نهضت آزادی ایران**

## نامه به ریاست دادگستری استان تهران در مورد پلمپ ساختمان نهضت

حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای علیزاده

ریاست محترم دادگستری کل استان تهران

احتراماً اشعار می‌دارد: به قرار اطلاعی که از طرف سرایدار ساختمان ۲۳۴ واقع در خیابان استاد مطهری (محل دفتر نهضت آزادی ایران) داده شده است در ساعت ۹ لغایت ۱۵ روز سه‌شنبه مورخ ۱۵ بهمن ماه ۸۱ عده‌ای بدون اطلاع قبلی به ساختمان مزبور وارد شده و کلیه آپارتمان‌های مرتبط با نهضت آزادی را مهر و موم کرده‌اند و این عمل خلاف قانون قبل از قطعیت دادنامه کیفری شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب انجام گردیده است در صورتی که اصل بیست و دوم قانون اساسی حیثیت و جان و مال و حقوق مردم ایران را مصون از تعرض دانسته مگر به تجویز قانون. همچنین اصل سی و ششم قانون مذکور می‌گوید حکم به مجازات و اجراء آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. صرفنظر از این که نهضت آزادی ایران دادگاه‌های انقلاب را به دلایلی که هم حین محاکمه و هم در لوائح حقوقی و سیاسی اعتراض به صدور حکم و درخواست تجدیدنظر مبسوطاً اقامه گردیده است، اساساً صالح برای رسیدگی به اتهامات نهضت آزادی ایران و اعضای آن نمی‌داند. در این عمل غیرقانونی مهر و موم کردن ساختمان هم معلوم نیست که کدام دادگاه و به چه مجوز قانونی این دستور را صادر نموده است. با توجه به این که آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب اقدام به مهر و موم محل را در ماده ۲۷۸ آن هنگامی مصاد و مجاز می‌داند که احکام صادر شده کیفری قطعی شده باشد، این اقدام مأمورین کاملاً برخلاف منطوق ماده ۲۷۸ و در نتیجه برخلاف قانون اساسی، صورت گرفته است.

علاوه بر اقدام خلاف قانون فوق، از جمله از آپارتمان‌های پلمپ شده در محل ساختمان ۲۳۴ مطهری یکی دفتر بنیاد فرهنگی مهندس بازرگان و دیگری ملک شخصی آقای مهندس محمد توسلی و یکی هم دفتر شخصی آقای مهندس هاشم صباغیان است که در اختیار نهضت آزادی ایران نبوده‌اند و هیچ‌گونه دلیلی هم از طرف آقای دادستان دادگاه مشعر بر استفاده نهضت آزادی از این دفتر اقامه نگردیده است. قانون هم برای خیال و تصور افراد یا قاضی دادگاه یا مأمورین تحقیق محلی قایل نشده است که بگویند: «تصور می‌شود از این محل سوء استفاده می‌شود» و این امر خلاف قانون بین و آشکار انجام گردیده است که خود قابل تعقیب می‌باشد.

با توجه به نکات مشروحه فوق تقاضا دارد دستور فرمایید مقام صادر کننده دستور توقیف (که بر ما مجهول است) بلافاصله از ساختمان‌های مهر و موم شده به ویژه آپارتمان‌های واقع در طبقه چهارم دفتر بنیاد فرهنگی بازرگان و طبقه پنجم (واحد غربی) که متعلق به آقای مهندس توسلی و آپارتمان واقع در طبقه اول (واحد شرقی) که متعلق به آقای مهندس هاشم صباغیان است و دادگاه بدوی نیز حکمی در

خصوص این دو واحد صادر نکرده است، رفع توقیف نموده و مهر و موم‌ها را بی‌اثر نمایند.

با تقدیم احترام  
دکتر ابراهیم یزدی  
دبیرکل نهضت آزادی ایران

**رونوشت:**

- \_ ریاست محترم شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی تهران جهت اطلاع و اقدام مقتضی
- \_ ریاست محترم شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر انقلاب اسلامی تهران جهت اطلاع و رفع توقیف از ساختمان‌های فوق‌الاشعار
- \_ هیأت نظارت و پیگیری قانون اساسی
- \_ ریاست محترم کمیسیون اصل نود قانون اساسی
- \_ خبرگزاری ایسنا

## انگیزه شرکت در انتخابات و محورهای برنامه نهضت آزادی ایران

### برای شوراهای شهر

در بین تمامی نهادهای دموکراتیک که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی شده و بر آرای مردم تکیه دارند، شوراهای شهر و روستا از مردمی‌ترین و مؤثرترین نهادهایی هستند که مردمسالاری را تا ژرفای زندگی و نیازهای مردم گسترش می‌دهند و به فرهنگ عمومی و عرصه مشارکت همگانی تبدیل می‌کنند. این شوراها از جمله نهادهای مردمی هستند که به فرد فرد اعضای جامعه تعلق دارند و برای آنکه مردمسالاری عملاً به تمامی زوایای جامعه نفوذ کند و کارآیی خود را در همه جا نشان دهد، مناسب‌ترین شیوه اداره امور، دموکراسی شورایی است که می‌تواند در همه سطوح جامعه گسترش یابد.

شوراهای اسلامی شهر و روستا، با توجه به سراسری بودن و عمومیتشان، مدیریت متمرکز را به چند صد هزار نفر از برگزیدگان مردم منتقل می‌سازند و همگان را به میدان رقابت و مشارکت در اداره امور فرا می‌خوانند و به این ترتیب، انگیزه خدمت و مشارکت مستقیم در امور عمومی را در طیف گسترده‌ای از اعضای جامعه برمی‌انگیزند. شوراها می‌توانند در مقیاسی انسانی، ارتباطی بی‌واسطه و همکنشی بین مردم و منتخبانشان به وجود آورند و با همدلی و آشنایی بیشتر با مسائل مردم، در بهبود شرایط و ارتقای کیفیت زندگی و پیشرفت عمومی به دست خود مردم مؤثرتر عمل کنند و قدرت و تسهیلات را در پهنه کشور عادلانه‌تر توزیع نمایند.

### توسعه شوراها، عامل استبدادزدایی تاریخی

هرچند که در طول تاریخ چند هزار ساله کشور ما، بنابر نیازها و اهداف زندگی روزمره، فرهنگ و سنت همیاری و شور و مشورت و کمک متقابل و حتی اتحادیه‌ها و انجمن‌های صنفی و نیز انواع تشکل‌های محلی مختلف در محله‌های شهری و روستاها کم و بیش وجود داشته‌اند، از آنجا که نظام‌های حاکم در طول تاریخ، عمدتاً برای استمرار سلطه خود، آمرانه و دیکتاتور مآبانه عمل می‌کرده‌اند و هر رژیم مسلط، جامعه را از بالا به پایین از طریق سلسله مراتب عمومی و با شیوه‌های تحکم‌آمیز و دستوری و غالباً همراه با امر و نهی و خشونت و قساوت فرماندهان اداره می‌کرده است، مردم چاره‌ای جز فرمانبرداری و اطاعت نداشته‌اند و هر فرمانبر نیز به صورت واکنشی، در جایگاه و مرتبه خود، نقش فرمانده آمرانه را نسبت به زیردستانش ایفا می‌کرده است. به این ترتیب، در طول تاریخ شاهد جمود و استحکام فرهنگ استبدادی و آمرانه و تعمیم آن در روابط اجتماعی و سیاسی بوده‌ایم. نظام دیوان‌سالاری (بوروکراسی) عصر جدید نیز این فرهنگ را بیش از پیش در دوران ما تقویت کرده است، به گونه‌ای که امروز تحقق دموکراسی به

معنای عام و عمیق آن مستلزم تمرین، تجربه " تکرار مستمر و پایدار" است تا جمود استبداد گذشته شکسته شود و تعامل و مشورت و گفتگو جای امر کردن و فرمانبری را بگیرد و مردم از حالت رعیت به صورت شهروندانی با حق رأی و صاحب اختیار ارتقا یابند و در امور مربوط به خود مسئولانه شرکت کنند و به شیوه‌های شورایی خو بگیرند.

### نهادینه ساختن شورا، راه هموار کردن وفاق اجتماعی

نهادینه ساختن شوراها، باعث احساس تعلق خاطر و یگانگی مردم با نهاد شورا و پذیرفتن آن به عنوان محوری‌ترین ارگانهایی است که از مردم برمی‌خیزد، مسائل و مشکلات مردم را در هر شهر و روستا به خوبی می‌شناسد و از طریق تعامل با خود مردم، بی‌واسطه، خدمات شایسته‌ای را ارائه می‌کند. چنین همکنشی بر تعدیل انتظارات و خواسته‌های مردم اثر مثبت می‌گذارد و دستیابی به هدفهای همگانی و مشترک از راه گفتگو، منجر به تفاهم و وفاق جمعی می‌شود و راه را برای بکارگیری شیوه‌های کارآمدتر دموکراسی و مردم‌سالاری در معنای اخص آن آماده می‌کند.

طبق اصل هفتم قانون اساسی، " شوراهای استان، شهرستان، شهر، بخش، روستا .. از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند " و تشکیل شوراها در اصول یکصدم تا یکصدوششم فصل هفتم قانون اساسی به عنوان ارکان اداره امور به دست مردم پیش‌بینی شده است. متأسفانه اجرای اصول قانون اساسی برای مدتی بیش از ۲۰ سال مسکوت و مغفول مانده بود اما خوشبختانه اکنون پس از شک و تردیدهای فراوان، به عنوان یکی از دستاوردهای اصلاحات و مردم‌سالاری، آغاز شده است و باید آن را یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی و ملی شناخت که در کنار مجلس، نهاد ریاست‌جمهوری و تشکلهای مردمی و احزاب سیاسی و ... می‌تواند در فرایند تحقق مردم‌سالاری جایگاه و نقش مهمی داشته باشد. بنابراین، نباید تشکیل شوراها را به دست حوادث سپرد و یا امری تفنی و بی‌خاصیت که بود و نبودش از لحاظ سیاسی و اجتماعی یکسان است تصور کرد. شورا در نظام مردم‌سالاری ابعاد اخلاقی، انسانی و اجتماعی دارد که راه روشن دموکراسی را با شیوه‌های نوین اداره امور و کاستن از تمرکزگرایی بی حد و حصر و دیوانسالاری دولتی و سلسله مراتب کاملاً عمودی، هموار می‌سازد.

### مشکلات و معضلات دوره اول شوراها

بدون شک، یک نهاد مردمی و شورایی با وجود سازمان‌های عریض و طویل شهرداری و عادت کردن همگان به روابط یکسویه اداری، به آسانی شکل نمی‌گیرد و نباید در نخستین گام‌ها منتظر آثار و نتایج مؤثر آن بود، بلکه با معضلات و مانع‌تراشی‌های دست و پاگیری مواجه می‌شود که موانع انسانی- فرهنگی، موانع و معضلات سیاسی و موانع قانونی از اهم آنها است و این در آغاز کار امری طبیعی است. تا زمانی که فرهنگ، اخلاق و نظام شورایی در کنار امور اجرایی موجود، مفهوم و مقبول نگردد و راهش را باز نکند، انتظار اثرات عملی چشم‌گیری از شوراها نمی‌توان داشت. برای آن که شورا در فرایند رشد و بالندگی راه خود را هموار کند، به زمان و فرصت بیشتری نیاز است، به ویژه آنکه مخالفت‌ها، رانت‌خواهی‌ها و ضدیت با تفکر شورایی، موجب خصومت و بی‌مهری نسبت به رشد آزاد و پیشرفت چنین

نهادی می‌شود و شکست آن از سوی شوراستیزان جشن گرفته شده و بزرگنمایی می‌گردد. کسانی که کارآیی و مشروعیت شوراهای شهر و روستا را باور نداشته و زیر سؤال می‌برند و پیش از پایان دوره نخست آن با شادمانی پایان عمرش را جشن می‌گیرند، به چیزی جز فروپاشی و اخلال در نظم دموکراسی شورایی که آرام و تدریجی رشد و بالندگی طبیعی خود را ادامه می‌دهد، فکر نمی‌کنند. برعکس، آنانی که به نظام مردم‌سالاری گرایش و باور دارند و دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود را تنها راه رسیدن به خودبستگی، اتکای به نفس و رشد دموکراسی می‌شمارند، به جای بهانه‌جویی و دلیل‌تراشی برای کناره‌گیری خود و نفی شوراهای تشویق مردم به بی‌تفاوتی و دلسردی نسبت به آن، درصدد تجربه‌اندوزی و تغییر شرایط هستند تا این نهال دموکراسی جان بگیرد و رشد یابد. عدم حمایت از انتخابات شوراهای میدان دادن به انحصارگرایان، استبدادخواهان و مخالفان اصلاحات است. این مخالفان با کم‌رنگ کردن مشارکت مردم در انتخابات شوراهای، علاوه بر نفی نظام شورایی، به کل نظام اصلاحات و مردم‌سالاری آسیب وارد می‌کنند و مردم را به سمت مقصدی که چیزی جز فروپاشی نظام و سلطه استبداد نیست، سوق می‌دهند.

ما باید به حکم آیه شریفه " ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم " نتیجه عملکرد شورا و خوب و بد آن را در راه و روش خودمان جستجو کرده و تلاش نماییم شیوه‌های نادرست را به تدریج و با شکیبایی و استواری اصلاح و در آینده جبران کنیم.

ما نیز اذعان داریم که تجربه دوره اول شوراهای در برخی نقاط، از جمله در تهران، پس از گذشت نزدیک به ربع قرن از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تجربه‌ای موفق و قابل قبول در همه موارد نبوده است، اما اگر تنها به مشکلات و تلخی‌ها توجه کنیم و بر مورد خاص شهر تهران بیش از حد تأکید نموده، برای معضلات و پیچیدگی‌های این شهر و کشمکش‌های جناحی و ناکامی در هماهنگی میان بخش اجرایی شهرداری و شورای شهر بهایی بیش از اندازه قایل شویم، بدون آن که جایگاه شوراهای را در کل جامعه مورد نظر قرار دهیم، قضاوتی عادلانه نکرده‌ایم. باید توجه داشت که شهر تهران الگو، مدل و نیروی محرک سایر نقاط است و اگر شورای آن تقویت نشود تا بتواند نقش ملی خود را بازی کند، ضربه سختی به اندیشه شورا در ایران وارد خواهد شد. تجربه تلخ انحلال شورای شهر تهران هشدار سختی بود که نشان داد اگر مشکلات سیاسی و قانونی شوراهای عاقلانه حل و فصل نشود و هماهنگی‌های اجرایی لازم بین شورا و شهرداری شکل نگیرد، می‌تواند در قشرهایی از جامعه، ایجاد بدبینی و یأس کند و موجب شود که شکست در یک مورد خاص به فایده عام و همگانی شورا آسیب وارد سازد و در واقع، آینده درازمدت شوراهای فدای گذشته کوتاه مدت آن شود. به همین دلیل، باید در انتخاباتی که در پیش داریم و می‌باید با تبادل نظر و عقلانیتی بیش از گذشته با مشارکت تمامی قشرها و گروه‌ها برگزار شود، یک گام دیگر به سوی نهادینه شدن شوراهای برداریم. اکنون، با توجه به تبلیغات یکسویه‌ای که توسط محافل خارج و داخل کشور علیه شوراهای به راه افتاده است، بیم آن می‌رود که این انتخابات با سردی و بی‌تفاوتی برخی از جناح‌ها و جریان‌ها و بخشی از مردم ساده‌دل یا ناراضی روبرو شود و اساس شوراهای صدمه بیند. به نظر ما، این لطمه‌ای نه به حاکمیت یا جناح‌های خاص، بلکه لطمه‌ای است که به حقوق اساسی ملت و سرمایه‌های اجتماعی وارد خواهد شد. از این رو، تمامی نخبگان، احزاب و تشکل‌های سیاسی و اجتماعی در برابر آن

مسئول هستند و نمی‌توانند در هرگونه تصمیم‌گیری، شانه از زیر بار مسئولیت خالی کنند. متأسفانه وسائل ارتباط جمعی، به ویژه صداوسیما، تا کنون چنان که باید و شاید به موضوع شوراهای نپرداخته و راهکارهای بهتری را برای حل مشکلات کندوکاو نکرده‌اند و این شیوه برخورد، چه عمدی و چه سهوی، کمکی به ایجاد شرایط مناسب برای شکل‌گیری جامعه مدنی و مردم‌سالاری نخواهد کرد، بلکه به آن شدیداً آسیب خواهد زد.

### توجه به هماهنگی میان نظام شورا و دستگاه‌های مختلف

موفقیت آینده شوراهای در گرو نقد و تحلیل گذشته، برطرف کردن نسبی موانع، از جمله مشکلات قانونی و سیاسی و شفاف ساختن وظایف و مسئولیت‌هایی است که از عهده یک شورا با مقررات ویژه آن برمی‌آید.

از سوی دیگر، دولت و نهادهای ذیربط می‌باید مسئله شوراهای را جدی گرفته، هماهنگی‌های لازم را با مؤسسات و وزارتخانه‌هایی که با عمران و آبادانی شهرها و روستاها سروکار دارند و بخش مهمی از خدمات شهری (مانند تأمین آب، گاز، برق و تلفن و دفع فاضلاب و زباله) برعهده آنهاست، سامان دهند و اختیارات قانونی لازم را در امور شوراهای پیش‌بینی نمایند. به طور خلاصه، همه دستگاهها باید از فرصت حضور شوراهای مردمی استفاده کرده، با تفاهم و همگامی به نیازهای برحق شهروندان به صورت مناسبی پاسخ دهند و در راستای کاهش مشکلات روزافزون با شوراهای شهر، خاصه در کلان‌شهری همچون تهران که نیازهای وسیعی دارد، اقدامات هماهنگی را تدارک ببینند.

بدون شک، تمامی دستگاهها و سازمانها در سالم‌سازی محیط شهر و فراهم ساختن امکانات بهتر نقش دارند و نمی‌توان در شرایط ناهماهنگ و نامناسب، از شوراهای شهر انتظار معجزه داشت. اگر این ناهماهنگی‌ها برطرف نشود، به جایگاه شورا نیز لطمه وارد خواهد شد.

نهضت آزادی ایران با پیروی از اندیشه پیشگامان خود که مردم‌سالاری و اندیشه شورا را فارغ از هرگونه نظر شخصی و تنها برای سامان بخشیدن به مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، برای نخستین بار پس از انقلاب اسلامی مطرح کردند، معتقد به مشارکت فعالانه در انتخابات شوراهای شهر و روستا و تقویت و تحکیم این نهادهای مردمی و مدنی است.

شادروان آیت‌الله طالقانی، در نخستین روزهای پس از ۲۲ بهمن که هنوز نظام جدید شکل نگرفته بود و بیم آن می‌رفت که عده‌ای انقلاب را قبضه کنند و در اختیار خود گیرند، شورا را بهترین و مناسب‌ترین ابزار و نهاد دموکراتیک برای اداره جامعه اعلام کرد و در موارد متعدد، از جمله در نماز جمعه ۱۷ شهریور ۵۸ در بهشت زهرا، به شیوه اداره شورایی توصیه نمود.

زنده‌یاد مهندس بازرگان نیز که دیکتاتوری و استبداد را بزرگترین آفت تاریخی نظام حکومتی ایران می‌دانست، در همه پرسسی ۱۲ فروردین ۵۸، بر "دموکراتیک" بودن جمهوری اسلامی تأکید ورزید. او آزادی را به دلایل تاریخی، فرهنگی و سیاسی، نخستین اولویت در نظام جامعه می‌دانست و تا پایان عمر در راه ایجاد تشکلهای مردمی و آزادی احزاب و جریان‌های سیاسی از هیچ کوششی فروگذاری نکرد. به این ترتیب، نخستین شوراهای اسلامی در نخستین ماه‌ها از سال نخست پس از انقلاب شکل گرفت.

نهضت آزادی ایران، با اعتقاد راسخ به نظام مردم‌سالاری، از آغاز انقلاب تاکنون همواره به طور پیگیر و با تأکید، خواستار برگزاری انتخابات شوراها، در کنار آزادی احزاب سیاسی و تشکل‌های مردمی بوده است. در صورت نهادینه شدن شوراها زمینه شکل‌گیری ساختار سیاسی سالمی در جمهوری اسلامی ایران فراهم آمده و به تدریج فرهنگ استبدادی از جامعه محو می‌گردد.

هم‌اکنون یک فرصت تاریخی دیگر در پیش روی ملت ایران است و نهضت آزادی ایران، به خواست خداوند، می‌تواند در جهت تثبیت و تقویت شوراهای اسلامی مشارکت فعالانه داشته باشد. ما از این مسئولیت تاریخی استقبال می‌کنیم. از نظر نهضت آزادی ایران، تقویت و تحکیم شوراهای اسلامی و اقبال مردم به آنها، افزون بر ایفای نقش سازنده‌ای که در شکل‌گیری نظام مردم‌سالاری دارند، می‌تواند در بهبود کیفیت زندگی و شرایط محیط، کار و مسکن، توسعه پایدار شهری و رفع مشکلات شهری با توجه به نیازهای مردم و به دست خودشان و نهایتاً بسط عدالت شهروندی، آثار درازمدتی داشته باشد.

به همین دلیل ما فعالیت در راستای تشویق مردم به استقبال از شوراها را یک حرکت ملی که می‌تواند نشاط تازه‌ای برای جامعه به ارمغان آورد، می‌دانیم و امیدواریم که در آستانه سال نو، به یاری پروردگار توانا و همت والای ملت رشید و سرافراز ایران، انتخابات شوراها در سراسر کشور با موفقیت برگزار شود و شوراهای جدید نقش مؤثرتری در اداره امور مردم عزیز این سرزمین و فراهم کردن محیط مناسب زندگی برای شهروندان ایفا کنند.

## محورهای برنامه نهضت آزادی ایران

### برای شوراهای شهر

#### اهداف و محورهای برنامه‌های راهبردی

توضیح؛ مسائل و مشکلات کلان‌شهرها به ویژه تهران از پیچیدگی و گستردگی برخوردار است. بخشی از این مشکلات مربوط به حوزه اختیارات شوراها و مدیریت اجرائی شهرها است و بسیاری از معضلات شهری ریشه در ساختار متمرکز سیاسی-اقتصادی کلان‌کشور دارد که بایستی هماهنگ با دستگاه‌های ذیربط به تدریج برنامه‌ریزی و پیگیری شود. اهداف و محورهای برنامه‌های راهبردی نامزدهای نهضت آزادی ایران برای شوراهای اسلامی تهران و سایر شهرهای بزرگ در زیر ارائه شده است. برنامه‌های راهبردی با تفصیل بیشتر در فرصت مناسب تدوین خواهد شد.

#### ۱- بهبود کیفیت زندگی مردم از راههای زیر:

- \* جلب مشارکت بیشتر مردم در اداره شهر
- \* جلب مشارکت و تقویت نهادهای مردمی و غیرحکومتی (NGO ها) در توسعه و تسهیل خدمات شهری، فرهنگی، اجتماعی و به ویژه برای آسیب‌دیدگان اجتماعی و معلولان
- \* سیاست‌گذاری برای توزیع عادلانه امکانات و خدمات در سطح شهر



\* کمک به تأمین نیازهای همه‌جانبه مردم هماهنگ با توسعه پایدار شهر

۲- رفع موانع مشارکت واقعی مردم در اداره شهر از راههای زیر:

\* اقدامات فرهنگی برای تقویت روحیه کار جمعی و جلب مشارکت مردم در شوراهای محلات و مناطق

\* تقویت روحیه خدمت به مردم و باور شهروندمداری و همکاری با شوراهای در کارکنان شهرداری و

سایر واحدهای خدمات شهری

۳- اصلاح قانون و آیین‌نامه‌های شوراهای

اصلاح قانون و آیین‌نامه‌های شوراهای اسلامی شهر و روستا از طریق وزارت کشور و نمایندگان

مردم در مجلس شورای اسلامی به منظور:

\* شفاف‌سازی وظایف و اختیارات شوراهای به نحوی که آنها جایگاه مؤثرتری در مدیریت شهری پیدا

کنند،

\* تبیین وظایف سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی راهبردی و نظارت شورای شهر بر عملکرد مدیریت اجرائی

شهر،

\* اصلاح ساختار مدیریت شهرداری در جهت هماهنگی با وظایف و اختیارات شورای شهر و مبانی

مدیریت علمی و واقع‌بینانه،

\* هماهنگ کردن گردش کار شورای شهر با مدیریت اجرائی شهر،

\* تشکیل شوراهای محلات و مناطق شهری برای تقویت ارتباط شورا با مردم شهر،

\* افزایش تعداد اعضای شورای شهر متناسب با جمعیت شهرها و وظایف سنگین شورای شهر.

۴- افزایش کیفیت خدمات شهری و کاهش هزینه‌ها از راههای زیر:

\* سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی راهبردی، هدایت و نظارت عالی بر عملکرد مدیریت اجرائی شهر

\* سالم‌سازی و پایدار نمودن منابع درآمد شهرداری در راستای برنامه‌های توسعه پایدار

\* شفاف‌سازی گردش مالی مدیریت اجرائی شهرداری و سایر واحدهای خدمات شهری

\* پیگیری اجرای برنامه مدیریت متمرکز و یکپارچه شهری

\* جلب حمایت برنامه‌ریزی‌های کلان کشور در هماهنگی با نیازهای زندگی مردم به ویژه در شهرهای

بزرگ.

۵- تمرکززدایی به ویژه در شهر تهران

با توجه به اینکه ریشه بسیاری از مشکلات کلان‌شهرها، به ویژه تهران، در خارج از آنها و به ویژه در

سیستم متمرکز سیاسی-اقتصادی کشور نهفته است، اقدامات زیر از طریق دستگاههای ذیربط ضرورت

دارد:

\* پیگیری اجرای طرح آمایش سرزمین و توسعه متعادل روستاها، شهرها و کلان‌شهرها

\* اصلاح ساختار متمرکز سیاسی-اقتصادی کشور و حذف کارکردهای غیرضروری به ویژه در

کلان‌شهر تهران و مراکز استانها

\* تعدیل توسعه بی‌رویه در شهر تهران و مراکز استانها، با توجه به محدودیت زیرساختهای شهری و

منابع حیاتی، مانند شبکه ارتباط شهری، سیستمهای حمل و نقل، آب، محیط‌زیست و ...

- \* تبیین کارکردهای اقتصادی- اجتماعی- سیاسی هر یک از کلان شهرها به ویژه کلان شهر تهران در راستای برنامه‌های توسعه منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی
- ۶- کاهش مشکلات مهم کلان شهرها و کلان شهر تهران به ویژه در زمینه‌های زیر:
  - از طریق سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی راهبردی و نظارت بر اجرای برنامه‌های مصوب.
  - \* مسائل محیط‌زیست و آلودگی هوا
  - \* جلوگیری از توسعه بی‌رویه شهر و بی‌نظمی حاکم بر ساخت و سازها
  - \* معضلات سیستم حمل و نقل و ترافیک
  - \* توسعه اقتصاد شهری، اشتغال و بهبود شرایط مسکن
  - \* آسیب‌های فرهنگی- اجتماعی
  - \* تأمین بهداشت روانی جهت امنیت اجتماعی و ارزشهای اخلاقی، در جامعه شهری

نهضت آزادی ایران

## اطلاعیه ستاد انتخاباتی نهضت

نظر به اینکه ستاد انتخابات نهضت آزادی ایران در دومین دوره انتخابات شوراهای اسلامی با عنوان «ستاد یاران بازرگان، طالقانی، سحابی» فعالیت می‌کند، اعضا و علاقمندانی که در سایر شهرها تمایل داشته باشند از عنوان ستاد یاران مذکور در تبلیغات انتخاباتی نامزدهای مورد حمایت نهضت آزادی استفاده کنند، ضروری است با تلفنهای ستاد مرکزی یاران (۷۶۲۳۱۷-۷۵۰۳۹۶۸) هماهنگ نموده و موافقت کتبی ستاد را روی سربرگ رسمی دریافت نمایند. براساس گزارش‌های واصله متأسفانه در پاره‌ای از شهرها بدون اطلاع و موافقت ستاد یاران از عنوان نهضت آزادی ایران برای حمایت از نامزدها استفاده شده است.

روابط عمومی

نهضت آزادی ایران

## پیرامون انتخابات

### اتاق بازرگانی، صنایع و معادن

از تاریخ تأسیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران بیش از ۷۵ سال می‌گذرد. برخی از اتاق‌های بازرگانی در شهرستانها، مانند بوشهر تبریز و اصفهان، سابقه صد ساله دارند. چنین نهاد پرسابقه‌ای می‌تواند و باید در تصمیمات کلان اقتصادی کشور اثرگذار باشد. قرار است که انتخابات هیأت رئیسه اتاق بازرگانی صنایع و معادن ایران در روز هفتم اسفند ماه جاری برگزار شود. مدیریت اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران که اصولاً می‌بایستی یک نهاد غیردولتی باشد توسط اعضای اتاق، یعنی بازرگانان و صاحبان صنایع، انتخاب می‌شود و در توسعه اقتصادی کشور و تنظیم و سالم‌سازی مناسبات دولت و بخشهای مختلف اقتصادی نقش کلیدی دارد.

نهضت آزادی ایران، با توجه به اینکه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن می‌تواند عامل مؤثری در یاری‌رسانی به نهادهای تصمیم‌گیرنده دولتی در تنظیم سیاست‌های کلان اقتصادی و صنعتی باشد، از بازرگانان و صاحبان صنایع مستقل و ملی، عضو اتاق بازرگانی دعوت می‌کند که با علاقه و آگاهانه در انتخابات اتاق شرکت نمایند و به کسانی رأی دهند که به توسعه تولید ملی، ارتقای کیفیت کالاهای داخلی و جایگزینی واردات کالاهای مصرفی با تولیدات داخلی، کاهش تصدی‌گری دولت در اقتصاد ملی، افزایش نرخ سود پس‌انداز و سرمایه‌گذاری برای بالا بردن درآمد سرانه، اشتغال و عدالت اجتماعی که نتیجه آنها توسعه متعادل سرمایه‌داری صنعتی به جای رشد ناموزون سرمایه‌داری تجاری و از بین رفتن زمینه‌های رانت‌خواری، و حمایت از فعالیتهای کارآفرینی است، متعهد و ملتزم باشند.

با شرکت در انتخابات اتاق های بازرگانی و انتخاب افراد شایسته، امین و کاردان به رشد و شکوفایی اقتصاد ملی کمک کنید.

نهضت آزادی ایران

## درخواست رفع محدودیت استفاده از دفتر نهضت از رئیس جمهور

جناب آقای سید محمد خاتمی

ریاست محترم جمهوری و ریاست شورای عالی امنیت ملی ایران

با سلام و آرزوی سلامت و توفیق تحقق آرمانهای ملی، بطوریکه استحضار دارید، شرکت هرچه بیشتر مردم در انتخابات شوراها، بویژه در شرایط کنونی کشور، نشانه امیدواری مردم به اصلاحات و توسعه سیاسی جامعه خواهد بود.

نهضت آزادی ایران، با اعتقاد به لزوم نهادینه شدن مردم سالاری و با توجه به اهمیت انتخابات شوراها در این امر، مردم را دعوت به شرکت فعالانه در انتخابات کرده است و خود نیز با معرفی نامزدهایی در آن مشارکت می نماید.

متأسفانه در تاریخ ۸۱/۱۱/۱۵ از طرف دادگاه انقلاب اسلامی تهران، تعدادی از آپارتمانهای موجود در ساختمان شماره ۲۳۴ خیابان استاد شهید مطهری که برخی از آنها در اختیار نهضت آزادی ایران و برخی دیگر خصوصی و متعلق به اشخاص می باشد، لاک و مهر شده است.

از آنجا که نهضت آزادی ایران برای فعالیتهای انتخاباتی خود به این آپارتمانها نیاز مبرم دارد، پیرو نامه اعتراض شماره ۱۸۲۱ مورخ ۸۱/۱۱/۲۱ به رئیس دادگستری استان تهران، که تصویر آن ضمیمه است، بدینوسیله درخواست می شود که اقدام عاجل برای رفع این محرومیت و فراهم شدن امکان استفاده از آپارتمانهای یاد شده برای فعالیتهای انتخاباتی صورت گیرد. به اعتقاد ما این امر در راستای منافع و مصالح ملی می باشد.

با احترام

دکتر ابراهیم یزدی

دبیرکل نهضت آزادی ایران

## گزارش

### کنفرانس مطوعاتی کاندیداهای نهضت آزادی ایران در شورای شهر

#### بیانیه مطوعاتی

در ساعت ۹:۳۰ صبح دوشنبه مورخ ۸۱/۱۲/۵ کنفرانس مطوعاتی کاندیداهای نهضت آزادی ایران که در قالب ستاد انتخاباتی یاران "بازرگان، طالقانی، سحابی" فعال می‌باشند در محل یکی از ستادهای انتخاباتی آنها و با حضور تمامی کاندیداها و نیز جمعی از خبرنگاران داخلی و خارجی برگزار گردید. در ابتدای این جلسه آقای دکتر ابراهیم یزدی دبیرکل نهضت آزادی ایران ضمن خیر مقدم به حاضرین آرزو کردند که این انتخابات با حضور پرشور مردم در تعیین سرنوشت خود همراه گردد. در عین حال دکتر یزدی از کسانی که به روشهای مختلف در جهت کاهش مشارکت مردم در انتخابات تلاش می‌کنند انتقاد کردند. از جمله احضار مجدد چند تن از اعضای شورای مرکزی نهضت به دادگاه انقلاب، در حالی که محاکمه آنها خاتمه یافته و احکام بدوی آنها صادر گردیده و اینک در مرحله تجدیدنظر خواهی است و یا پلمب دو باب ساختمان متعلق به اعضای نهضت به جهت جلوگیری از فعالیت تبلیغات انتخاباتی در این اماکن و در آستانه ایام تبلیغات. پس از سخنان دکتر یزدی ابتدا بیانیه مطوعاتی نهضت آزادی ایران در رابطه با انگیزه شرکت نهضت آزادی در انتخابات دومین دوره شورای اسلامی شهر تهران و رؤس برنامه‌های آن توسط آقای دکتر غلامعباس توسلی قرائت گردید که متن آن پیوست می‌باشد. سپس هر یک از اعضای میزگرد خانم فریبا داودی مهاجر و آقایان دکتر غلامعباس توسلی و مهندس محمد توسلی حجتی به همراه دکتر یزدی به سئوالات خبرنگاران پاسخ دادند.

محور سئوالات خبرنگاران را بصورت زیر می‌توان بیان کرد:

هدف نهضت از شرکت در این انتخابات چه بوده است؟

نحوه برخورد با نهضت پس از برگزار شدن انتخابات چگونه خواهد بود؟

نحوه تعیین و گزینش افراد انتخاب شده در لیست نهضت آزادی چگونه بوده است؟

پس از ارائه پاسخ به سئوالات خبرنگاران، هر کدام از کاندیداهای نهضت نظرات خود را در رابطه با این

انتخابات و نیز شورای شهر تهران و مسایل و مشکلات آن بیان کردند.

اهم نظرات کاندیداهای نهضت آزادی را می‌توان به صورت زیر فهرست نمود:

شوراها هم دارای پشتوانه دینی در قرآن کریم و سیره نبوی و هم پشتوانه قانونی در قانون اساسی

می‌باشند.

شوراها از عوامل نهادینه شدن دموکراسی در جامعه می‌باشند. تنها راه ادامه اصلاحات نه شورش و انقلاب، و نه منفعل ماندن، بلکه حضوری فعال داشتن در عرصه تحولات اجتماعی و در چارچوب قانون می‌باشد. دومین شورای شهر تهران ضرورت دارد در این دوره نسبت به اصلاح قانون شوراها در جهت متناسب ساختن وظایف و مسئولیتها با اختیارات این شورا و نیز تبیین جایگاه شورای شهر تهران در مدیریت شهر و در قبال سایر نهادها و ارگانهای موثر در شهر تهران اقدام نماید. ضرورت تسری دادن شورا در سطوح مناطق و محلات و تقسیم قدرت شورای شهر تهران در شوراهای کوچکتر ضرورت وجود نگرشی کلان‌نگر به موضوعات و معضلات کلان شهری همچون تهران در بین کاندیداهای عضویت در شورا

جلسه با تشکر مجدد دکتر ابراهیم یزدی از تشریف فرمایی حاضرین و پوزش به جهت محدودیت مکان، در ساعت ۱۲/۰۰ پایان یافت.

**روابط عمومی**  
**نهضت آزادی ایران**

بسمه تعالی

**بیانیه مطبوعاتی نهضت آزادی ایران**

در نشست مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۵

پس از ۲۰ سال ...

**چرا نهضت آزادی ایران در دومین انتخابات شوراها شرکت می‌کند**

**و برنامه آن چیست؟**

نهضت آزادی ایران، طی ۴۰ سال گذشته، براساس اعتقاد به دو اصل مشارکت مردم در امور و نظارت و مراقبت آنان بر درستی و حسن جریان کارها، در راستای اصلاح جامعه ایران تلاش و مبارزه کرده است. حضور آزادانه و مشارکت واقعی مردم موجب تقویت و افزایش انگیزه و تلاش‌های فردی و جمعی در

راه سازندگی، همدلی و وحدت بین مردم و افزایش انگیزه برای همکاری و خدمت در جامعه خواهد شد و امیدواری مردم، بویژه جوانان، را نسبت به حل مسائل و بهبود شرایط زندگی و در نتیجه توانایی جامعه را برای پیشرفت و توسعه افزایش می‌دهد.

شوراهای شهر و روستا از مسائل مهم این مشارکت بوده، رسالت کمک به سالم‌سازی شهرها و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان را به عهده دارند.

در حالی که اهمیت و ضرورت شوراهای تشویق مردم به مشارکت در آنها و نهادینه ساختن شوراهای از دیدگاه‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کاملاً قابل دفاع است، متأسفانه امروز از خارج و داخل کشور، فشار تبلیغاتی عظیمی برای دلسرد کردن و ناامید ساختن مردم نسبت به مشارکت در انتخابات و اصلاحات واقعی، و نسبت به توانایی‌ها و قابلیت‌های خود، و در مقابل، چشم داشتن به عامل بیرونی، مشاهده می‌شود.

بدون شک، کسانی که کارآیی و مشروعیت شوراهای شهر و روستا را باور نداشته و زیر سؤال می‌برند به فروپاشی و اخلال در نظم مردم‌سالارانه شورایی کمک می‌کنند. این مخالفان، با کم‌رنگ کردن مشارکت مردم در انتخابات شوراهای، علاوه بر نفی نظام شورایی، به کل اصلاحات و مردم‌سالاری آسیب وارد می‌سازند و مردم را به سمت فروپاشی و استبداد سوق می‌دهند.

با کمال شگفتی و تأسف، به رغم اهمیت شورا و مشورت از دیدگاه قرآن و سنت و ارزش‌های اسلامی، دستگاهها، نهادها و رسانه‌های رسمی استقبال و تبلیغاتی قابل مقایسه با موارد مشابه، در جهت تشویق و ترغیب مردم به شرکت در انتخابات شوراهای شهر و روستا نشان نمی‌دهند. این شیوه برخورد، چه عمداً و چه سهواً، کمکی به ایجاد شرایط مناسب برای توسعه نهادهای مدنی و مردم‌سالاری نخواهد کرد و به آن آسیب خواهد زد.

در این شرایط است که نهضت آزادی ایران، با حمد و سپاس و استعانت از خداوند، وظیفه خود می‌داند که برای مبارزه با ناامیدی و بی‌تفاوتی مردم نسبت به اصلاح جامعه و سرنوشت خود و برای تشویق آنان به مشارکت گسترده و فعال در ریشه‌ای‌ترین انتخابات مردمی و برای تعمیق و تحکیم ریشه‌های جوان این نهاد مدنی، در انتخابات شوراهای شهر و روستا، به ویژه در شهر تهران که با مسائل فاجعه‌آمیزی مواجه است، شرکت نماید.

به طور خلاصه، از مهمترین انگیزه‌های شرکت نهضت آزادی ایران در انتخابات شوراهای شهر تمرین و توسعه مردم‌سالاری و استبدادزدایی تاریخی و فرهنگی و افزایش همدلی و همکاری و توانایی‌های مردمی است. در این راستا، رئوس برنامه نهضت آزادی ایران برای شوراهای را ذیلاً ملاحظه می‌کنید:

#### رئوس برنامه

مقدمتاً تأکید می‌نماید که مسائل و مشکلات کلان‌شهرها، به ویژه تهران، بسیار پیچیده است. بخشی از این مشکلات مربوط به حوزه اختیارات شوراهای و مدیریت اجرایی شهرها است و بخش بزرگی از آنها ریشه در ساختار متمرکز سیاسی-اقتصادی کلان کشور دارد، که بایستی هماهنگ با دستگاههای ذیربط به تدریج برنامه‌ریزی و پیگیری شود. اهداف و محورهای برنامه‌های راهبردی نامزدهای نهضت آزادی ایران برای شوراهای اسلامی تهران و سایر شهرهای بزرگ در زیر ارائه شده است.



بهبود کیفیت زندگی مردم از راههای زیر:

جلب مشارکت بیشتر مردم در اداره شهر

جلب مشارکت و تقویت نهادهای مردمی و غیر حکومتی (NGO ها) در توسعه و تسهیل خدمات شهری، فرهنگی، اجتماعی و به ویژه برای آسیب دیدگان اجتماعی و معلولان

سیاست‌گذاری برای توزیع عادلانه امکانات و خدمات در سطح شهر

کمک به تامین نیازهای همه جانبه مردم، هماهنگ با توسعه پایدار شهر

رفع موانع مشارکت واقعی مردم در اداره شهر از راههای زیر:

اقدامات فرهنگی برای تقویت روحیه کار جمعی و جلب مشارکت مردم در شوراهای محلات و مناطق

تقویت روحیه خدمت به مردم و باور شهروندمداری و همکاری با شوراها در کارکنان شهرداری و سایر واحدهای خدمات شهری

اصلاح قانون و آیین‌نامه‌های شوراها

اصلاح قانون و آیین‌نامه‌های شوراهای اسلامی شهر و روستا از طریق وزارت کشور و نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی، به منظور:

شفاف‌سازی وظایف و اختیارات شوراها به نحوی که آنها جایگاه موثرتری در مدیریت شهری پیدا کنند، تبیین وظایف سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی راهبردی و نظارت شورای شهر بر عملکرد مدیریت اجرایی شهر، اصلاح ساختار مدیریت شهرداری در جهت هماهنگی با وظایف و اختیارات شورای شهر و مبانی مدیریت علمی و واقع بینانه،

هماهنگ کردن گردش کار شورای شهر، با مدیریت اجرایی شهر،

تشکیل شوراهای محلات و مناطق شهری برای تقویت ارتباط شورا با مردم شهر،

افزایش تعداد اعضای شورای شهر متناسب با جمعیت شهرها و وظایف سنگین شورای شهر.

افزایش کیفیت خدمات شهری و کاهش هزینه‌ها از راههای زیر:

سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی راهبردی، هدایت و نظارت عالی بر عملکرد مدیریت اجرایی شهر

سالم‌سازی و پایدار نمودن منابع درآمد شهرداری در راستای برنامه‌های توسعه پایدار

شفاف‌سازی گردش مالی مدیریت اجرایی شهرداری و سایر واحدهای خدمات شهری

پیگیری اجرای برنامه مدیریت متمرکز و یکپارچه شهری

جلب حمایت برنامه‌ریزی‌های کلان کشور در هماهنگی با نیازهای زندگی مردم، به ویژه در شهرهای بزرگ،

تمرکززدایی، به ویژه در شهر تهران

با توجه به این که ریشه بسیاری از مشکلات کلان‌شهرها، به ویژه تهران، در خارج از آنها و خصوصاً در سیستم متمرکز سیاسی-اقتصادی کشور نهفته است، اقدامات زیر از طریق دستگاههای ذیربط ضرورت دارد:

پیگیری اجرای طرح آمایش سرزمین و توسعه متعادل روستاها، شهرها و کلان‌شهرها

اصلاح ساختار متمرکز سیاسی-اقتصادی کشور و حذف کارکردهای غیر ضروری، به ویژه در

## کلان‌شهر تهران و مراکز استانها

تعدیل توسعه بی‌رویه در شهر تهران و مراکز استانها، با توجه به محدودیت زیرساختهای شهری و منابع حیاتی، مانند شبکه ارتباط شهری، سیستمهای حمل و نقل، آب، محیط زیست و ...

تبیین کارکردهای اقتصادی-اجتماعی-سیاسی هر یک از کلان‌شهرها، به ویژه کلان‌شهر تهران، در راستای برنامه‌های توسعه منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی

کاهش مشکلات مهم کلان‌شهرها، از جمله تهران، به ویژه در زمینه‌های زیر، از طریق سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی راهبردی و نظارت بر اجرای برنامه‌های مصوب:

مسائل محیط زیست و آلودگی هوا

جلوگیری از توسعه بی‌رویه شهر و بی‌نظمی حاکم بر ساخت و سازها

معضلات سیستم حمل و نقل و ترافیک

توسعه اقتصاد شهری، اشتغال و بهبود شرایط مسکن

آسیب‌های فرهنگی-اجتماعی

تامین بهداشت روانی برای ارتقای امنیت اجتماعی و ارزشهای اخلاقی، در جامعه شهری

## هشدار ملی!

### ارزیابی دومین دوره انتخابات شوراها

انتخابات دوره دوم شوراهای شهر و روستا در نهم اسفند ماه برگزار شد. نحوه رسیدگی به صلاحیت نامزدها، برنامه تبلیغات احزاب و گروه‌های سیاسی مختلف، مشارکت بسیار کم‌رنگ مردم در شهرها به ویژه کلان‌شهرهای تهران، اصفهان، مشهد، شیراز و تبریز نتایج منتشر شده انتخابات و پیامدهای آن نقطه عطفی در تحولات اجتماعی سال‌های پس از پیروزی انقلاب محسوب می‌شود. اگر در دوم خرداد سال ۷۶، دور از انتظار همگان، مردم با حضور گسترده خود در انتخابات ریاست جمهوری به عملکرد حاکمان قبلی «نه» گفتند و برنامه توسعه سیاسی و اصلاحات آقای خاتمی را برای تحقق مطالبات تاریخی ملت ایران مورد تایید قرار دادند، در انتخابات ۹ اسفند ماه ۸۱، مردم ایران، به ویژه در شهرهای بزرگ، با عدم مشارکت موثر خود در انتخابات شوراها به حاکمان و به احزاب سیاسی واکنش شدید و دور از انتظار نشان دادند که می‌توان آن را یک فاجعه ملی توصیف کرد. در حالی که برخی از مسئولان و صدا و سیما در باره حضور گسترده مردم در انتخابات سخن راندند. بنابراین، جا دارد که ابعاد مختلف این رویداد مهم مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و پیامدهای آن ارزیابی شود.

#### ۱- آمار انتخابات

بنابر گزارش‌های رسمی مقامات مسئول در وزارت کشور، در کل کشور حداکثر ۴۹ درصد از واجدان شرایط در این انتخابات شرکت کردند. در روستاها و شهرهای کوچک، به خاطر رقابت‌های محلی و بعضاً قومی و نیز رضایت نسبی از عملکرد شوراها، میزان مشارکت مردم خیلی بیشتر از شهرهای بزرگ بوده است.

در تهران، تنها ۱۰/۲ درصد از واجدان شرایط در انتخابات شرکت کردند و این پایین‌ترین نسبت، نه تنها در رده‌بندی انتخابات تمام حوزه‌ها در این دوره، بلکه در تمام دوره‌های انتخاباتی گذشته می‌باشد. نفر اول در تهران ۱۹۲۷۱۶ رای و نفر پانزدهم ۸۵۸۳۹ رای داشته‌اند. میانگین آرای ۱۵ نفر فهرست تهران تنها ۱۰۷۷۲۰ رای بوده است. بدین ترتیب، آرای نفر اول ۳۴ درصد، آرای نفر پانزدهم ۱۵ درصد و میانگین آرای ۱۵ نفر کمتر از ۲۰ درصد کل آرای اعلام شده است. و اگر این آرا را نسبت به تعداد کل دارندگان حق رای در تهران بسنجیم، نفر اول با ۴ درصد، نفر آخر با ۱/۸ درصد و کل ۱۵ نفر به طور میانگین تنها با ۲/۳ درصد کل آرای مردم واجد شرایط انتخاب شده‌اند.

میزان مشارکت مردم در سایر شهرهای بزرگ نسبت به تعداد واجدان شرایط در آن شهرها به ترتیب،

اصفهان ۱۲/۳ درصد، شیراز ۱۸ درصد، یزد ۲۲/۵ درصد، مشهد ۲۴ درصد، تبریز ۲۵ درصد، اهواز ۳۰ درصد، کرمان و اراک ۳۲ درصد، بوشهر و همدان و قزوین ۳۴ درصد، رشت و سنندج ۳۵ درصد، اردبیل ۳۶ درصد، زنجان ۴۰ درصد، ساری ۴۲ درصد و زاهدان ۴۶ درصد بوده است. (آفتاب یزد ۸۱/۱۲/۱۵)

در این شهرها، آرای راه‌یافتگان به شوراها بین دو تا کمتر از ده درصد تعداد واجدان حق رای بوده است. آرای نفر اول منتخبان در شهرهای مذهبی مشهد و قم به ترتیب ۹۹ هزار و ۴۱ هزار بوده است که جای تامل و بررسی عمیق دارد.

## ۲- تحلیل آمار انتخابات

جدول منتشر شده توسط فرمانداری تهران از نتیجه انتخابات حاکی از آن است که ۱۵ نفر صدر فهرست انتخاب شدگان (به جز یک نفر) نامزدهای گروهی بدون سابقه و شناسنامه به نام «آبادگران» می‌باشند. چنین آرایش و ترتیب آرا در مورد نامزدهای هیچ یک از گروه‌های سیاسی دیگر شرکت کننده در انتخابات، نه در این دوره و نه در دوره‌های گذشته، دیده نمی‌شود. آرای کاندیداهای گروه‌های دیگر، از جمله جبهه مشارکت اسلامی، حزب کارگزاران سازندگی، حزب همبستگی اسلامی و حتی ستاد یاران «بازرگان - طالقانی، سحابی» (نهضت آزادی ایران) بطور طبیعی پراکنده است و نظم و سامان خاصی را نشان نمی‌دهد.

این گونه آرایش و ترتیب در آرای گزارش شده، نشانگر رفتار منسجم رای‌دهندگان به فهرست این گروه است و این سوال اساسی را به ذهن متبادر می‌سازد که آیا گروه آبادگران یک حزب یا سازمان سیاسی با تشکیلات گسترده و انضباط حزبی درجه بالا است، که اعضای آن، از دستور تشکیلاتی پیروی کرده و یکجا به لیست گروه خود رای داده‌اند و همچنین به علت آن که سایر احزاب و گروه‌ها انضباط و یا پایگاه تشکیلاتی مشابهی را ندارند و آرای آنها متشتت و متفرق بوده است، این گروه برنده شده است؟ اگر میانگین آرای همه این ۱۵ نفر یا رای نفر آخر ملاک قدرت سیاسی آنها فرض شود، این گروه می‌بایستی بین ۸۵ تا ۱۰۰ هزار عضو منضبط سیاسی داشته باشد که بر حسب دستور تشکیلاتی در انتخابات شرکت کرده رای یکپارچه خود را به صندوق‌های رای‌گیری ریخته‌اند.

اما همگان می‌دانند که چنین نیست. مجموعه آبادگران یک سازمان یا حزب و حتی یک گروه ائتلافی سیاسی نیست. بنابراین، پرسش اساسی این است که این آرای یکپارچه متعلق به کدام گروه یا نهاد منسجم می‌باشد که هم برای این گروه تبلیغ کرده و هم آرای خود را به صندوق‌ها ریخته است؟ این سوالی است که احتمالاً پاسخ آن برای آگاهان سیاسی روشن است. اما شاید بهتر آن باشد که جناح راست و محافظه‌کاران که پیروزی این گروه را به حساب موفقیت خود می‌گذارند، به این پرسش مردم پاسخ دهند و مشخص کنند که این تشکیلات منسجم پنهان به کجا مرتبط است.

منابع و تحلیل‌گران این جریان مدعی هستند که توفیق اصول‌گرایان و رویکرد مردم به آنان نشان می‌دهد که نگاه‌ها به سوی معیارهای ارزشی و اصول‌گرایی متوجه شده است. اما توضیح نمی‌دهند که سابقه اکثریت این افراد تقریباً ناشناس (به جز دو نفر) چیست و مردم با چه شناختی به آنها رای داده‌اند. آنان پیش از برگزاری انتخابات ادعا کردند که بسیاری از متدینین حاضر نیستند در انتخابات شرکت

کنند، اما پس از اعلام نتایج شمارش آرا، آن را رای مردم به متدینین قلمداد کردند! و سرانجام روشن نشد که آیا متدینین رای داده‌اند یا خیر و یا غیرمتدینین به این گروه متدین رای داده‌اند؟ در تحلیل دیگری، ادعا شد که، عدم مشارکت متدینین در انتخابات و کاهش آرای ماخوذه برای آن بوده است که متدینین مشاهده کردند که «منحرفین از انقلاب!» تایید صلاحیت شده‌اند!! البته تحلیل‌های مشعشعانه و شگفتی‌آور دیگری نیز از رسانه‌های عمومی منتشر شده است که داوری درباره آنها را به مردم آگاه و هوشیار واگذار می‌کنیم. اکنون روشن شده است که جناح محافظه‌کار از قبل برای پیروزی در انتخابات آگاهانه و عمدتاً در راستای دلسرد کردن مردم و به انفعال کشاندن آنان عمل کرده است. نگاهی به آمارهای انتخاباتی گذشته نشان می‌دهد که محافظه‌کاران در حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار رای در تهران دارند. اگر به همان صورتی که آمارگیری‌های قبل از انتخابات نشان می‌داد، ۲۵ تا ۳۵ درصد واجدان شرایط در انتخابات شرکت می‌کردند، جریان راست هرگز نمی‌توانست موفق شود و هیچ یک از کاندیداهای آن پیروز نمی‌شد. بنابراین، سخنگویان خط راست، از جمله خطیبان جمعه برخلاف دوره‌های گذشته، نه تنها مردم را به شرکت در انتخابات دعوت و تشویق نکردند و شرکت در انتخابات را «تکلیف شرعی» ندانستند، بلکه تعمداً با رفتارها و سخنانشان مردم را به خودداری از رای دادن دعوت کردند.

### ۳- علل کاهش مشارکت مردم

نهضت آزادی ایران انتخابات دومین دوره شوراها را یک انتخابات بی‌سابقه در ۲۰ سال گذشته می‌داند، نه فقط از جهت کاهش چشمگیر مشارکت مردم، بلکه از این جهت که به جز چند مورد در شهرستان‌ها، هیچ نامزدی به دلایل سیاسی ردصلاحیت نشد. عملکرد هیأت‌های اجرایی و نظارت در این مورد علی‌الاصول قانونمدارانه بوده است و جای تشکر و قدردانی دارد.

اما آزادی انتخابات، به مفهوم وسیع کلمه، پیش‌نیازهایی دارد که بدون تحقق آنها معنا و مفهوم و یا محتوا پیدا نمی‌کند. یک پیش‌شرط اصلی برای انتخابات آزاد تامین و تضمین حقوق و آزادی‌های اساسی مردم است.

شرط اعمال کامل و درست حق حاکمیت ملت (مصرح در فصل پنجم قانون اساسی) تامین و تحقق کامل حقوقی است که در اصول فصل سوم قانون اساسی تصریح شده است. در شرایط نبود آزادی‌های سیاسی، اعمال فشار بر روزنامه‌ها، بازداشت‌های پی در پی دانشجویان و وکلای مدافع متهمان سیاسی و در مجموع، فقدان امنیت فعالیت‌های سیاسی، آزادی فعالیت انتخاباتی در مدت ۷ روز کفایت نمی‌کند. در یک جامعه بسته سیاسی که روزنامه‌ها به شدت کنترل می‌شوند و احزاب و گروه‌های مستقل بیرون از حاکمیت امکان فعالیت بهینه سیاسی را ندارند، برگزاری انتخابات سالم، آزاد و مطلوب امکان ندارد. با وجود این، نمی‌توان منکر شد که انتخابات دومین دوره شوراها شهر و روستا از جهاتی آزادترین انتخابات بعد از سال ۶۰ بوده است.

کاهش چشمگیر شرکت کنندگان باید یک هشدار و اعلام خطر جدی تلقی گردد. قهر و بی‌اعتنایی مردم نسبت به انتخابات شوراها صرفاً به حوزه‌هایی که عملکرد شوراها در آن‌ها ناموفق بوده است محدود و منحصر نیست، بلکه یک پدیده سیاسی-اجتماعی عام‌تری است. نتایج انتخابات اخیر نشانگر آن

است که انسدادی که همه نیروها و نهادهای سیاسی و حکومتی، احزاب و گروه‌ها با آن روبرو هستند، عمیق‌تر و جدی‌تر از آن است که به راحتی بتوان از آن گذشت. هیچ گروهی، اعم از اصلاح‌طلبان، درون و بیرون از حاکمیت یا محافظه‌کاران، به خصوص محافظه‌کاران خردگرا، نمی‌تواند و نباید از این امتناع گسترده مردم خوشحال باشد. حتی گروهی که خود را پیروز و برنده این انتخابات می‌داند و به برخی شوراها دست یافته است، از این قاعده مستثنا نیست. این انتخابات برنده‌ای ندارد، همه شکست خورده‌اند. تنها یک مجموعه است که بیش از دیگران خوشحالی بی‌حد و حصر خود را پنهان نساخته و این شکست را جشن گرفته است و آن مجموعه نیروهای برانداز بیرون مرزها و عناصر نفوذی آنان در داخل کشور می‌باشد.

این شکست محصول توطئه قدرت‌های خارجی نیست بلکه نتیجه و دستاورد عملکرد حاکمان و همه نیروهای داخلی، به خصوص نیروهای درون حاکمیت، اعم از اصلاح‌طلبان طرفدار مردم‌سالاری یا محافظه‌کاران مخالف مردم‌سالاری، است.

برخی از نیروهای سیاسی هم اگر چه بیرون از حاکمیت قرار دارند، اما همانند برخی از محافظه‌کاران خردگرای به شدت تمامت‌خواه هستند و همه چیز را زود و با زور می‌خواهند. این نیروها نیز به دلیل دارا نبودن یک برنامه واقع‌بینانه سیاسی، هر حرکتی را که تدریجی و گام به گام به سوی نهادینه شدن مشارکت مردمی در چارچوب شرایط و وضعیت موجود باشد «مشروعیت دادن به نظام» دانسته، آن را علی‌الاطلاق نفی می‌کنند. متأسفانه، در انتخابات اخیر این شخصیت‌ها و نیروهای سیاسی مطلق‌گرایی خود را با شیوه‌های برچسب‌زنی همراه کرده، احزابی را که در انتخابات شرکت کردند «خواهان ورود به درون حاکمیت» دانستند. این گروه‌ها با موضع‌گیری‌های مذبذبانه خود بر طبل انفعال و ناامیدی مردم کوبیدند، بدون آن که هیچ برنامه راهبردی معین و شفاف‌ی را ارائه کنند.

علاوه بر عملکردهای حاکمان و محافظه‌کاران و تبلیغات گسترده رسانه‌های گروه‌های برانداز خارج از کشور که در کاهش مشارکت مردم در دومین دوره انتخابات شوراها آثار تعیین‌کننده داشته‌اند، به نظر می‌رسد که عملکرد و رفتار احزاب و گروه‌های سیاسی اصلاح‌طلب در نحوه همکاری و تبلیغات انتخاباتی نیز عامل موثر دیگری در کاهش مشارکت مردم بوده است.

براساس نتایج نظرسنجی‌های انجام یافته در شهر تهران تا پیش از آغاز تبلیغات، پیش‌بینی می‌شد که بین ۲۰ تا ۲۶ درصد واجدان شرایط در انتخابات شرکت کنند. (همشهری، ۸۱/۱۲/۳). کاهش مشارکت مردم در شهر تهران تا حد ۱۰/۲ درصد، پس از دوره تبلیغات انتخاباتی، می‌تواند ناشی از تأثیرات رفتار گروه‌های سیاسی در این دوره کوتاه باشد. عدم توافق احزاب و گروه‌های سیاسی جبهه دوم خرداد و انعکاس تنش‌های درونی آنها در رسانه‌ها و نهایتاً رایه چند لیست مستقل موجب کاهش اعتماد مردم نسبت به احزاب و تشکل‌های اصلاح‌طلب بوده است. به علاوه، جناحی از احزاب اصلاح‌طلب، علاوه بر لیست مستقل خود، بیش از ده لیست دیگر در این فاصله رایه کرد که در همه آنها افراد خاصی به طور مشترک حضور داشتند. گروه‌های متحد جبهه دوم خرداد، ائتلاف سبز، ائتلاف سه نسل دانشگاهی، ائتلاف بزرگ سبزه‌های تهران، کاندیداهای صلح سبز، اول مردم (۶+۹)، کارشناسان و دانشوران امور شهری، حزب جوانان ایران اسلامی، حزب اسلامی کار، ائتلاف بزرگ جبهه اصلاح‌طلبان و ائتلاف اندیشه پاک، نمونه‌هایی

از عناوین این لیست‌ها است. جا دارد که به این فهرست عناوین سایر لیست‌ها اضافه شود: ادوار تحکیم وحدت، ائتلاف ملی آزادی‌خواهان (ائتلاف معلمان ایران - حزب پاک)، ائتلاف بزرگ متخصصان، ائتلاف فراکسیون نمایندگان کرد مجلس، سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور، ائتلاف بزرگ جمعی از سردفتران اسناد رسمی، ائتلاف حقوقدانان، اعضای سابق شورای عمومی دفتر تحکیم وحدت و... جا دارد که در اینجا به دو لیست جداگانه دیگر یعنی لیست نهضت آزادی ایران با عنوان ستاد یاران «بازرگان- طالقانی- سحابی» و نامزدهای مورد حمایت آقای مهندس سحابی - که در روزهای پایانی هفته تبلیغات، پس از تجدیدنظر در مورد عدم ارائه لیست منتشر شد- و این که این مجموعه نیز عملاً نتوانست مانند انتخابات مجلس ششم به صورت ائتلافی لیست مشترکی ارائه کند اشاره‌ای داشته باشیم.

تنوع لیست‌های اصلاح‌طلبان - که بعضی آن را فرصت دانستند، نه تهدید! - تبلیغات چشمگیر و گسترده پاره‌ای از افراد و گروه‌های سیاسی و انعکاس هزینه‌های سنگین این تبلیغات، به طور طبیعی این سوال را در وجدان عمومی جامعه متبلور می‌سازد که منابع مالی این تبلیغات سنگین و گسترده چیست و انگیزه افراد و گروه‌های سیاسی برای ورود به شورای شهر، با توجه به تجربه اولین دوره شورای شهر تهران چه بوده است؟ شواهد و قراین نشان می‌دهد که جریانی در راستای برنامه سرد کردن فضای انتخابات در درون احزاب و گروه‌های جبهه دوم خرداد نیز عمل کرده و زمینه دلسردی و مایوس کردن بیشتر مردم را فراهم ساخته است. شایسته است که این موضوع در درون احزاب و گروه‌های دوم خردادی مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

#### ۴- پیامدهای احتمالی انتخابات

جریان راست بر تمامی امکانات گسترده برخی از شهرداری‌ها سلطه یافته و شهردار منتخب آنان در تهران در جلسات هیأت دولت شرکت خواهد کرد؛ پرتیراژترین روزنامه‌ها را در اختیار خواهد گرفت؛ شهرداران تمام مناطق از میان وابستگان به گروه‌های راست منصوب خواهند شد. آنان همچنین بر کلیه فرهنگسراهای متعلق به شهرداری تسلط پیدا خواهند کرد و این‌ها دستاوردهای کمی برای جریان راست که خود را از هر سو مطرود افکار عمومی می‌بیند نیست.

آیا جریان راست توان و قابلیت استفاده از این امکانات را برای ترمیم چهره سیاسی خود دارد؟ براساس تجربه گذشته، پاسخ منفی است، جناح راست در گذشته امکانات گسترده‌ای داشته است، اما آیا توانسته است در راستای منافع ملی از آنها استفاده بهینه نماید؟

نهضت آزادی ایران آرزو می‌کند که انتخاب‌شدگان شورای شهر بتوانند در عرضه کردن خدمات به مردم و کاهش مشکلات کلان‌شهر تهران و سایر شهرهای بزرگ موفق شوند و اگر چنین شود، آن را به فال نیک خواهد گرفت و بدون کمترین تردیدی، توفیق آنان را در خدمت به مردم تبریک خواهد گفت. اما متأسفانه ما نمی‌توانیم در این باره خیلی خوش‌بین باشیم. زیرا در کارنامه پاره‌ای از انتخاب‌شدگان که پیشینه آنان مشخص است، یک مدیریت موفق، حتی در سطوحی به مراتب پایین‌تر و ساده‌تر از اداره یک شهر بزرگ با پیچیدگی‌های متعدد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی وجود ندارد. بنابراین با توجه به مواضع اعلام شده منتخبان، نه تنها تردیدهای جدی در موفقیت این گروه در ارائه خدمات مورد نیاز مردم

وجود دارد، بلکه پیش‌بینی وخیم‌تر شدن مشکلات کلان‌شهرها منتفی و دور از ذهن نیست.

## ۵ - جمع‌بندی

نهضت آزادی ایران، همان‌طور که بارها در بیانیه‌های تحلیلی خود اعلام کرده است، حضور و مشارکت در انتخابات شوراهای و آرایه لیست نامزدهای واجد شرایط را ادای وظیفه در راستای منافع و مصالح ملی و در راستای تقویت فرایند مردم‌سالاری می‌داند.

نهضت آزادی ایران در شرایطی در این انتخابات شرکت کرد که هیچ روزنامه یا نشریه مستقلی نداشت. روزنامه‌ها، به دلیل احساس ناامنی، از درج بیانیه‌ها و آگهی‌های نهضت بی‌مناک بودند. دفاتر نهضت آزادی ایران و حتی آپارتمان‌هایی که امکان استفاده از آنها برای فعالیت انتخاباتی وجود داشت، لاک و مهر (پلمپ) شدند. پرونده محاکمه سران و فعالان نهضت آزادی ایران همچنان باز است. بازجویی از دبیرکل نهضت و برخی دیگر از فعالان ادامه دارد. اعضای فعال به دادگاه فراخوانده شدند. شرکت نهضت در انتخابات دعوت مردم به شرکت در این امر ملی، با وجود انتقادات شدید علاقه‌مندان به نهضت و پیش‌بینی دلسردی و بی‌تفاوتی مردم، در راستای استراتژی وفاق ملی و به منظور خروج کشور از انسدادهای کنونی، با رویکردی از درون نظام، بوده است.

سابقه و عملکرد نهضت آزادی ایران گواه بر این واقعیت است که نهضت همواره تلاش کرده است، هر آن‌چه را که در راستای مصالح و منافع ملی است، انجام دهد و از سرزنش، ملامت‌گران هم دلسرد یا سست نگردد. در زمانی که همه گروه‌ها و نیروهای سیاسی، از چپ و راست، گروگانگیری را تایید کردند و در هنگامی که جنگ تحمیلی پس از آزادی خرمشهر ادامه یافت، نهضت آزادی ایران با پذیرفتن و تن دادن به تمام خطرات و تهدیدها، با هر دو امر مخالفت کرد و بهای سنگین آن را به جان خرید. اکنون نیز، نهضت آماده قبول مسئولیت و پیامدهای مشارکت خود در انتخابات شوراهای می‌باشد.

به رغم تمام محدودیت‌های اعمال شده علیه نهضت آزادی ایران، هنگامی که هیأت‌های اجرایی و نظارت مرکزی صلاحیت کاندیداهای نهضت را تایید کردند، ناگهان بانگ «وا اسلاما» و «وا انقلابا» از گوشه و کنار برخاست و اعتراض‌ها از سوی، حامیان و سخنگویان آن‌جریانی که بارها سستی پایگاه مردمی خود را تجربه کرده است بالا گرفت. دو تن از نمایندگان مجلس و عضو هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات به عنوان اعتراض به تصویب صلاحیت نامزدهای نهضت آزادی استعفا کردند. رئیس هیأت مرکزی نظارت در پاسخ به این اعتراض اعلام کرد که وزارت اطلاعات در نامه خود استناد به نامه منتسب به رهبر فقید انقلاب نکرده است و قوه قضاییه هم پس از اتمام کارها به آن نامه استناد نموده است. هنگامی که آمارگیری‌ها و نظرسنجی‌ها نشان داد که در حدود ۲۵ تا ۳۵ درصد واجدان شرایط در انتخابات شرکت می‌کنند و احتمال برنده شدن کاندیداهای نهضت آزادی ایران وجود دارد، ابراز نگرانی‌ها شدت پیدا کرد. مقام رهبری در سفر استانی‌های سیستان و بلوچستان، در روز رای‌گیری فرمودند:

«برخی گفته‌اند که در تشخیص صلاحیت‌ها کوتاهی شده است... اگر افرادی نابجا و برخلاف مقررات به

انتخابات راه یافته باشند انتخاب آنها اعتبار ندارد ...»

رئیس هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات به این نگرانی و دغدغه واکنش نشان داد و قول داد که با انجام



تحقیقات دغدغه‌ها را مرتفع سازد، اما توضیح نداد که با چه ساز و کاری می‌خواهند دغدغه حضور فعالانه نهضت آزادی ایران در انتخابات و احتمال موفقیت لیست نهضت را برطرف سازند و کار را به رد اعتبارنامه منتخبان نکشند. اگر چه پیش از اعلام نتایج شمارش آرا به روشنی بیان نشد که چه کسانی مورد نظرند، پس از اعلام نتایج گفته شد: «چرا باید در انتخابات افرادی برخلاف نظر و مبنای امام(ره) وارد میدان شوند، که البته مردم جواب آنها را دادند و مشخص شد در میان مردم پایگاهی ندارند.»

بالاخره هم معلوم نشد که اگر دینداران در انتخابات شرکت نکرده بوده‌اند، کدام گروه از مردم به این کاندیداها جواب منفی داده‌اند؟ و یا اگر نهضت آزادی ایران پایگاهی میان مردم ندارد، نگرانی‌ها و دغدغه‌ها برای چه بوده است؟

اما برنده این انتخابات چه گروهی است؟ دبیرکل فقید نهضت آزادی ایران، شادروان مهندس بازرگان، بارها گفته بود که مبارزه نهضت آزادی برای حجت است و نه جنگ قدرت. ما با شرکت در انتخابات با حاکمان، با نیروهای سیاسی و با مردم خوب و صبورمان اتمام حجت کرده‌ایم. آینده درستی این حجت را نشان خواهد داد.

آیا حاکمان، مردم و نیروهای سیاسی آماده درس گرفتن از تجربه انتخابات دومین دوره شوراها و به کار بستن آن برای خروج از انسداد کنونی هستند؟ امیدواریم که چنین باشد.

مردم با خودداری از حضور و مشارکت در انتخابات دلسردی و ناامیدی خود را از مجموعه حاکمان ابراز کردند. آیا این اعتراض، دلسردی و رویگردانی مردم از حاکمان است یا از نظام؟ برخی از مقامات طراز اول مملکت آن را اعتراض به عملکرد مسئولان می‌دانند و نه نسبت به نظام. اما مشکل اساسی این است که مسئولان طراز اول کشور خود را نه تنها معادل نظام، بلکه حتی معادل مقدسات دینی می‌دانند. بنابراین، هر نوع انتقاد و اعتراض و یا تلاش مردم برای تغییر حاکمان را حمل بر «براندازی مسالمت‌آمیز» کرده و با آنان با شیوه‌های سرکوب برخورد نموده‌اند. بنابراین، تا زمانی که حاکمان نپذیرند که معادل نظام نیستند و تغییر آنان تغییر نظام نبوده و براندازی محسوب نمی‌شود، قهر و رویگردانی مردم هم از حاکمان خواهد بود و هم از نظامی که حاکمان خود را معادل آن می‌دانند. از این رو، امتناع و انفعال مردم کاملاً قابل فهم و درک است.

اما مردم، با عدم مشارکت خود در انتخابات، بیش از هر کس و هر چیز به خودشان زیان وارد کرده‌اند و این نوعی خودزنی سیاسی محسوب می‌شود. زیرا عدم شرکت گسترده مردم در انتخابات شوراها باعث توقف آن نگردید، بلکه عملاً به سود نیروهای راست تمامت‌خواه و کسانی که بر اساس مواضع اعلام شده خود اعتقاد به مدیریت شورایی و نهادینه شدن شوراها ندارند، تمام شد. مردم زمام کلان‌شهرها را به دست کسانی که به مدیریت آمرانه اعتقاد دارند، دادند. روندی که در دو دهه گذشته مانع نهادینه شدن نهاد شوراها و مشارکت مردم در اداره شهرها بوده است. حال مردم چه کسی را می‌خواهند سرزنش کنند؟! نهادینه شدن دموکراسی (مردم‌سالاری) فرایندی کند، پرهزینه و همراه با فراز و نشیب بسیار است. مردم نباید به علت عملکرد ناموفق یا منفی برخی از شوراها و یا اصلاح‌طلبان، اصل مشارکت را به زیر سوال ببرند. در تمام جامعه‌های مردم‌سالار، این نوسانات و فراز و نشیب‌ها طبیعی و عادی است. مهم این است که مردم نباید سرنوشتشان را به حال خود رها کنند تا مخالفان مردم‌سالاری به نام آرای مردم میدان یابند.

## هشدار و توصیه

نهضت آزادی ایران در بیانیه‌های تحلیلی خود در ماه‌های اخیر، بارها مسئله انسداد همه نیروهای سیاسی و وضعیت تعادل ناپایدار در کشور را مورد اشاره قرار داده و از روی دلسوزی و مشفقانه اعلام خطر کرده است که اگر اقدامات موثری برای برون‌رفت از این انسداد صورت نگیرد، عوارض و پیامدهای سنگینی در انتظار ملک و ملت خواهد بود. انتخابات اخیر جدی بودن انسداد و ضرورت و فوریت اقدامات فراگیر برای برون‌رفت از آن را با راهکارهایی از درون نظام نشان داد.

حاکمان باید چشمشان را بر واقعیت‌ها بکشایند و پیش از آن که خیلی دیر شود، برای اصلاح وضعیت خطرناک کنونی، صادقانه در جهت جلب اعتماد عمومی گام‌های موثری بردارند. آنان می‌توانستند با استفاده از فرصت پدیده آمده پس از خرداد ۷۶، با هزینه کمی، با بهره‌گیری از پیوند ایجاد شده بین ملت و دولت تغییرات و تحولات بنیادین در وضعیت سیاسی و اقتصادی کشور پدید آورند. اما اکنون، جلب اعتماد مردم، بسیار سخت‌تر و پرهزینه‌تر است. با وجود این، حفظ منافع ملت و مصالح کشور ایجاب می‌کند که این هزینه‌ها پرداخت شود.

احزاب و گروه‌های سیاسی نیز باید توجه کنند که اگر ضرورت وفاق ملی را نپذیرند و به الزامات آن تن ندهند، حوادث و شکست‌های آینده به مراتب سخت‌تر بوده و همانند انتخابات اخیر، هیچ کس برنده نخواهد بود. به ملت عزیزمان نیز صمیمانه و صادقانه هشدار می‌دهیم که قهر و بی‌تفاوتی چاره‌ساز نیست و ادامه این بی‌تفاوتی‌ها به بن‌بستی خواهد انجامید که تنها به سود گروه‌هایی که از سوی قدرت‌های بیگانه پشتیبانی و هدایت می‌شوند تمام خواهد شد و از این رو، به مردم آگاه و سرافرازمان اکیدا توصیه می‌کنیم که با وجود همه سختی‌ها و تلخی‌ها، با ایمان و استعانت از خداوند بزرگ، امیدشان را به راهبرد اصلاحات از دست ندهند و با ترک بی‌تفاوتی و دلسردی، به مبارزه و تلاش برای تامین حقوق اساسی ملت و تحقق مطالبات مردم و حفظ تمامیت و کیان کشور ادامه دهند. والعاقبة للمتقين

نهضت آزادی ایران

## یک بدعت خطرناک

### بالا بردن بودجه شورای نگهبان توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام

هموطنان عزیز

مجمع تشخیص مصلحت نظام در یک حرکت بی سابقه، بدون کسب نظر دولت و تصویب مجلس، بودجه شورای نگهبان را به میزان غیرقابل توجیه و بی سابقه‌ای تا یکصد میلیارد ریال بالا برده است. رؤسای قوای مجریه و مقننه، آقایان خاتمی و کروبی جلسه مجمع تشخیص مصلحت را به عنوان اعتراض ترک کردند. اکثریت نمایندگان مجلس به این عمل بی سابقه مجمع تشخیص مصلحت اعتراض کردند و اعتراض‌ها همگانی شده است.

نهضت آزادی ایران لازم می‌داند مراتب زیر را به اطلاع عموم برساند.

۱- اقدام مجمع تشخیص مصلحت نظام از دو بعد خلاف قانون اساسی است.

اول این که به موجب قانون اساسی این مجمع تنها در موارد اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان حق دخالت و اظهار نظر دارد. در این مورد شورای نگهبان رسماً اعتراضی به مجلس شورای اسلامی ننموده است. دوم این که هر نوع تصمیمی که موجب افزایش هزینه‌هایی گردد که تامین آن توسط دولت پیش‌بینی نشده باشد، خلاف قانون اساسی است.

۲- به موجب قانون اساسی شورای نگهبان فقط می‌تواند لوایح و طرح‌های مصوب مجلس شورای اسلامی را از دو منظر ارزیابی بنماید: یکی از جهت عدم مابینت آن با مبانی اسلامی و دوم عدم مغایرت با قانون اساسی. کم یا زیاد بودن بودجه شورای نگهبان یا هر نهاد دیگری نه ربطی به دین دارد و نه با اصول مصرح در قانون اساسی و با هیچ تفسیری از قانون اساسی و یا قرائتی از دین نمی‌توان آن را تایید نمود.

۳- قانون اساسی صراحت دارد که هیچ طرحی که متضمن هزینه‌های جدیدی برای دولت باشد، بدون پیش‌بینی منبع تامین آن از درآمدها توسط دولت قابل تصویب نیست. شورای نگهبان در گذشته به کرات مصوبات مجلس را به استناد همین اصل از قانون اساسی رد کرده است. حال چگونه نهادی که علی‌الاطلاق برای حفظ قانون اساسی از گزند دستبردها و خطاها و اشتباهات تشکیل شده است، با دستیاری مجمع تشخیص مصلحت نظام، قانون اساسی را زیر پا می‌گذارد؟

۴- اعتراض ملایم رئیس‌جمهور و رئیس‌مجلس و ترک جلسه تشخیص مصلحت یک اقدام مناسب و یک زنگ خطری است برای آنها که از هر فرصتی برای تضعیف قانون اساسی و نهادهای انتخابی استفاده می‌کنند.

۵- در شرایطی که در همسایگی ایران طبل جنگ با شدت تمام کوبیده می‌شود و منطقه خاورمیانه آبستن حوادث بسیار عظیمی است که با منافع، مصالح و امنیت ملی کشورمان به طور مستقیم و

غیرمستقیم سر و کار دارد، در شرایطی که کشورمان بیش از هر زمان به کاهش تشنجات و وفاق ملی نیازمند است، اقدام بی‌سابقه مجمع تشخیص مصلحت نظام، خلاف قانون و خلاف مصالح ملی می‌باشد. نهضت آزادی ایران از مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌خواهد با لغو مصوبه خود و اصلاح آنچه شده‌است اجازه ندهد که با افزایش تنش‌های سیاسی، بحران‌ها تشدیدگردد. و ما ارید الا الاصلاح ما استطعت.

نهضت آزادی ایران

## ۲۹ اسفند سالروز ملی شدن صنعت

### نفت را گرامی می‌داریم

تاریخ پر تلاطم سیاسی- اجتماعی کشورمان مجموعه‌ای است از روزهای تلخ و شیرین یا سیاه و تابناک که هر یک یادآور پیروزی‌ها و شکست‌ها، شادی‌ها و غم‌های ملتی است که همواره بالنده و سربلند در صحنه مبارزات اجتماعی، قیام‌های ملی و جنبش‌های مردمی قد برافراشته‌است.

۲۹ اسفند سالروز ملی شدن صنعت نفت ایران یکی از ایام الله است که با درایت شادروان دکتر محمد مصدق و پایداری و مقاومت ملت ایران تحقق یافت، در حافظه تاریخی ملت ایران و لوح زرین این مرز و بوم به عنوان اراده ملت، جاودان مانده است.

نقش تعیین‌کننده نفت این منبع انرژی بی‌بدیل در جهان معاصر و اثرات عمیق آن در زندگی، صنعت و اقتصاد جوامع بشری، عظمت و بزرگی کار ملی شدن صنعت نفت و نقش عظیم آن را در سرنوشت سیاسی- اقتصادی کشور و ملت ایران بیش از گذشته عیان می‌سازد.

از سال‌های ۱۹۰۳ میلادی (۱۲۸۰ شمسی) که اولین چاه نفت ایران توسط ویلیام دارسی انگلیسی در جنوب ایران به بهره‌برداری رسید تا ملی شدن صنعت نفت ایران و سرانجام ۲۹ خرداد ۱۳۳۰ که منجر به خلع ید از کمپانی‌های نفت انگلیسی گردید، منافع سرشاری از استخراج و حمل ذخایر نفت ایران عاید شرکت نفت انگلیسی گردیده و با تاراج نفت ایران، سوخت کشتی‌های جنگی و بازرگانی انگلیسی تامین و چرخ صنعت آنان چرخید، در حالی که با بی‌کفایتی شاهان ایران ملت در فقر و نابسامانی غوطه‌ور بود.

مجلس شانزدهم در سال ۱۳۲۸ تشکیل و با طرح ملی کردن نفت ایران مبارزه با استیلای خارجی، مقدرات ملت ایران در ابعاد جدیدی مطرح و سرانجام در روز ۲۴ اسفند ۱۳۲۹، همبستگی مردم کوچه و بازار، رشادت‌های دانشگاهیان ایران، نطق‌های ملیون در مجلس سرانجام قانون ملی شدن صنعت نفت ایران از تصویب نمایندگان گذشت و مهم‌ترین مصوبه تاریخ پارلمان ایران به ثبت رسید و سپس در روز ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ مجلس سنا نیز رای مجلس شورای ملی را تایید و صنعت نفت ایران در سراسر کشور ملی اعلام گردید.

آرزوی دیرینه ملت ایران تحقق عینی یافت و فصل نوینی در اوضاع سیاسی- اقتصادی و اجتماعی ایران پدیدار گردید.

افتخاری بزرگ نه تنها تاریخ مبارزات ملت ایران بلکه این دستاورد در بسیاری از مناطق آسیا و آفریقا به عنوان نمونه و الگویی کارآمد برای جنبش‌های آزادی‌خواهی و حق‌جویی ملت‌ها مطرح گردید. دکتر محمد مصدق با آگاهی از تضادهای منافع که پس از جنگ جهانی دوم بین انگلستان و آمریکا پدید

آمده بود ماهرانه در جهت منافع ملی کشورمان سود جست و با هوشیاری طرح ملی کردن صنعت نفت را به یک حماسه ملی تبدیل نمود، از پیوستن رهبران مذهبی همچون آیت‌الله کاشانی و سایر مراجع دینی به صحنه مبارزات سیاسی به خوبی استقبال و بهره جست.

نهضت آزادی ایران با بزرگداشت مجاهدت‌ها، جان‌فشانی‌های زنان و مردان شریفی که در تحقق آرمان ملت و نفی سلطه استعمار خارجی و استبداد داخلی کوشیدند ارج نهاده و خاطره آنان را گرامی می‌دارد. نهضت آزادی ایران معتقد است، تحولات جهان معاصر در همه ابعاد اقتصادی- اجتماعی- سیاسی و علمی و افزایش کیفیت زندگی مردم و ارتقاء سطح فرهنگ اجتماعی و ارتباطات اجتماعی، لاجرم دستیابی به تمدن پیشرفته همان را بیش از پیش ضروری و اجتناب‌ناپذیر ساخته است، این تعامل فرهنگی- اقتصادی- علمی در صورتی برای کشورمان کارآمد خواهد بود که منزلت اجتماعی و هویت ملی این سرزمین حفظ و پا برجا بماند، هویت ملی و جایگاه تاریخی نیز بدون پیوند با گذشته و با گسست تاریخی پایدار نخواهد ماند.

موفقیت دکتر محمد مصدق در بازگرداندن نفت این سرمایه ملی به صاحبان اصلی آن یعنی ملت ایران و استقرار یک دولت ملی برای اولین بار در جهان سوم قابل بررسی و ارزیابی خواهد بود. استقرار حکومت ۲۸ ماهه موفق دولت ملی علیرغم دسیسه‌های دولت‌های انگلیس، روس و امریکا، بدون اتکاء به درآمد نفت و افزایش صادرات غیرنفتی بر واردات برای اولین و آخرین بار، رعایت و احترام به قانون در ساختار قدرت، برخورداری مطبوعات از آزادی قلم و بیان و نقد دولت و حاکمیت، پایبندی به تعهدات اجتماعی و ملی از مشخصه دوران کوتاه دولت دکتر محمد مصدق می‌باشد که نسل امروز به ارزیابی آن می‌پردازد.

نسل امروز علیرغم همه بی‌مهری‌ها که از عوامل داخلی و دسیسه‌های بیگانگان در ملکوک و منزوی ساختن نام دکتر محمد مصدق به کار گرفته شده قضاوتی عادلانه و بجا دارد زیرا او را در گفتار مردی صادق و در میدان مبارزه، عمل‌گرای دانا یافته که وعده و شعار ملی شدن صنعت نفت را تا تحقق عملی آن به ایستادگی و مقاومت پرداخت.

امروز از اقبال جوانان و دانشجویان که علیرغم گسست تاریخی ایجاد شده، تلاش در جهت زنده کردن نام و خاطره مبارزات دکتر مصدق صورت می‌گیرد، به حقانیت او و قضاوت تاریخ دست خواهیم یافت. گر چه کودتای ۲۸ مرداد و استیلاي مجدد بیگانگان دستاوردهای جنبش ملی شدن صنعت نفت را با لطماتی مواجه ساخت ولی نتایج و محصول آن در تحولات اجتماعی در تاریخ ایران ماندگار گردیده است.

نهضت آزادی ایران همچنان بر اساس اعتقاد به شعار «ما مسلمان- ایرانی و مصدقی هستیم» همگام با ملت شریف ایران، خاطره همه شیرمردان و شیرزنانی که در مبارزه جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران جانفشانی نمودند را از یاد نخواهد برد و نام دکتر محمد مصدق نیز در حافظه و ضمیر ناخودآگاه جمعی جامعه ایران به عنوان یک سیاستمدار آگاه و خدمتگزار صدیق را زنده و جاوید خواهد داشت.

نهضت آزادی ایران در بزرگداشت این روز تاریخی بار دیگر از همه گروه‌ها، احزاب سیاسی، نهادها و مقامات دعوت می‌کند که به عوامل و ریشه‌های اجتماعی و سیاسی که موجب بی‌تفاوتی و یا سردرگمی مردم در مرداد ۱۳۳۲ و پیروزی کودتای نظامی بیگانگان در آن سال شد، بیندیشند و عبرت بگیرند و با

توجه به آنچه در خاورمیانه و همسایگی کشورمان می‌گذرد، از هر نوع رفتاری که موجب تشدید بحرانها، ازدیاد تنشها و تثبیت انسدادها می‌گردد، پرهیز نمایند. حاکمان دست از لجاجت و تقابل با مردم و نهادهای انتخابی بردارند و مردم هم منفعّل و بی‌تفاوت در برابر رویدادها نباشند.

والعاقبه للمتقين  
نهضت آزادی ایران

## جنگ آمریکا با عراق و پیامدهای آن

امریکا، با پشتیبانی قاطع و صریح انگلستان و تایید چند کشور دیگر، همچنان بر طبل جنگ با عراق می‌کوبد. تعداد نیروهای نظامی مستقر در کویت، عربستان و امارت و تجهیزات عظیم نظامی انتقال یافته به منطقه و آرایش‌های نظامی آنها حکایت از تهاجم قریب‌الوقوع آمریکا و متحدانش به عراق دارد. سازمان ملل متحد، با توجه به گزارش‌های ماموران بازرسی سلاح‌های کشتار جمعی در عراق، تا کنون دلیل محکمه‌پسندی برای صدور قطعنامه در جهت تجویز حمله نظامی به عراق نیافته است. کشورهای دارای حق و تو در شورای امنیت، مانند فرانسه و روسیه، تهدید به استفاده از این حق برای جلوگیری از وقوع جنگ کرده‌اند و همچنان امید به خلع سلاح و در نهایت، برکناری رژیم صدام، بدون جنگ دارند. عراق خود را برای دفاع تمام عیار آماده کرده است و با استفاده از تضاد منافع موجود بین کشورهای غربی و اعتراضات جهانی علیه جنگ، علاوه بر تشدید شکاف در جامعه جهانی، با نشان دادن انعطاف در برنامه خلع سلاح و همکاری با بازرسان سازمان ملل و مطرح کردن تهدیداتی مانند از بین بردن چاه‌های نفت و ضربه زدن به منافع آمریکا در جهان و حمله به متحدان آن در منطقه، به سیاست خرید زمان ادامه می‌دهد. تسلط بر منابع نفت دومین کشور نفت خیز جهان و تامین انرژی ارزان و فراوان برای آینده، حمایت بی‌دریغ از رژیم غاصب و جنایتکار اسرائیل و تامین امنیت آن به هر قیمت، حل مسئله فلسطین از طریق تغییرات جغرافیایی در منطقه، استقرار یک حکومت دست نشانده و هماهنگ با سیاست‌های آمریکا، آزمایش سلاح‌های جدید، مصرف سلاح‌های کهنه و فروش تجهیزات نظامی در منطقه و جهان از جمله هدف‌های آمریکا در این جنگ شمرده شده است. آتش‌افروزی آمریکا و متحدانش در منطقه همراه با کشتار وحشتناک مردم عراق و نابودی تاسیسات زیربنایی و ثروت ملی آن کشور خواهد بود. علاوه بر این، یکه‌تازی آمریکا در خاورمیانه عملاً موجب از اعتبار انداختن سازمان ملل، که فلسفه وجودیش جلوگیری از این قبیل رخدادهای ناگوار است، می‌گردد. هیچ یک از این اقدامات خودسرانه آمریکا به نفع جامعه جهانی نخواهد بود و تنها منافع کوتاه مدت آمریکا و متحدانش، به ویژه اسرائیل که محرک اصلی جنگ و خونریزی و تشنج است، را تامین خواهد کرد.

نهضت آزادی ایران، بر این اساس، هر گونه حمله خودسرانه آمریکا و متحدانش را به عراق و بهره‌گیری رژیم یاغی اسرائیل از اوضاع بحرانی برای نابود کردن ملت و آرمان فلسطین را به شدت محکوم و با اعتراضات گسترده ملت‌های جهان در این مورد هم‌آوایی می‌کند. شایان ذکر است که تا کنون هیچ دولتی به اندازه اسرائیل قطعنامه‌های سازمان ملل را زیر پا نگذاشته و دولت آمریکا در پشتیبانی از اسرائیل ده‌ها بار از حق و تو استفاده کرده‌است.

تا آنجا که به امنیت ملی کشورمان مربوط می‌شود، خلع سلاح کامل و تغییر حکومت عراق، چه از طریق جنگ و چه بدون آن، جمهوری اسلامی ایران را با مسائل و چالش‌های جدیدی مواجه خواهد نمود که بر امنیت کشور و آینده مردم ما تاثیر بسزایی خواهد داشت.

اگر قدرت تصمیم‌گیری در کشور را به دو مؤلفه اصلی، یکی مجموعه رهبری، نیروهای مسلح و



نهادهای انتصابی و دیگری مجموعه رئیس جمهوری و مجلس (نهادهای انتخابی) تقسیم کنیم و عامل موثرتر در تغییر سیاست‌های کلان کشور را همچنان مؤلفه اول بدانیم، امکان اتخاذ یکی از گزینه‌های زیر در روبرو شدن با حوادث آینده ناشی از جنگ عراق وجود دارد:

۱- گزینه اول: ادامه وضع موجود یعنی تداوم تقابل و درگیری بین اصلاح‌طلبان و محافظه‌کاران در عرصه سیاسی کشور و ناامید شدن بیشتر مردم.

بی‌شک سیاست توقف و کم‌اثر کردن مجلس توسط شورای نگهبان، عملکرد غیرقانونی و مداخله‌جویانه مجمع تشخیص مصلحت، تهدید و زندانی کردن اصلاح‌طلبان و مخالفان، تعطیل روزنامه‌های مستقل توسط قوه قضاییه، تهدید مردم توسط نیروهای نظامی و شبه نظامی، تئوریزه کردن خشونت، بیرون از حیطه قانون، توسط مجامع تبلیغی و بعضی از مسئولان از یک سو و طرح و تصویب قوانین جدید توسط مجلس اصلاحات در راستای حفظ حقوق و حاکمیت مردم، موضع‌گیری‌های ریاست محترم جمهوری و حضور و حرکت احزاب و گروه‌های سیاسی مستقل، از سوی دیگر، به افزایش بحران در کشور منجر خواهد شد که در شرایط کنونی منطقه مخاطرات بیشتری را متوجه کشورمان خواهد کرد.

۲- گزینه دوم: با بهره‌برداری از شرایط بحرانی خاورمیانه، بستن هر چه بیشتر فضای سیاسی کشور با تعطیل نهادهای انتخابی، متوقف کردن بیشتر انتشار روزنامه‌های مستقل، تشدید زندانی کردن اصلاح‌طلبان و مخالفان سیاسی، محدود کردن آزادی‌های مدنی، تهدید و ارباب مردم و ایجاد فضای بسته نظامی برای تامین مقاصد سیاسی در کشور.

۳- گزینه سوم: پذیرفتن راهبرد وفاق ملی و فرایند اصلاحات از طریق تمکین به برنامه‌های توسعه سیاسی ریاست جمهوری و اجرای کامل قانون اساسی، التزام همه مسئولان به رعایت قانون و پذیرش نظارت منتخبان مردم بر عملکرد آنها، اصلاح و تغییر اساسی در قوه قضاییه، رفع موانع تصویب قوانینی مانند اصلاح قانون مطبوعات، قانون منع شکنجه، قانون تعریف جرم سیاسی، اصلاح قانون انتخابات و حذف نظارت استصوابی، قانون تبیین اختیارات ریاست جمهوری و نیز رفع توقیف روزنامه‌های مستقل، آزادی دانشجویان و زندانیان سیاسی و مطبوعاتی که برخلاف قانون بازداشت و زندانی شده‌اند، تعطیل دادگاه‌های غیرقانونی، خشکاندن ریشه‌های فساد با رسیدگی قاطع و سریع به پرونده‌های سوء استفاده‌های مالی، توقف فعالیت‌های محافل خودسر و اقداماتی مانند آنها.

نهضت آزادی ایران، برپایه تجربه‌های تاریخی و آموزه‌های دینی، آگاهی از اوضاع اجتماعی و سیاسی کشور و پیش‌بینی وضع آینده منطقه، گزینه سوم را تنها راه حل مطلوب و واقع‌بینانه برای حفظ منافع و تامین امنیت ملی و کاهش اثرات ویرانگر تغییرات و رویدادهای آینده در جنگ عراق و تحولات منطقه می‌داند و به همه مسئولان کشور مشفقانه توصیه می‌کند که همه توان خود را در راستای تحقق گزینه سوم به کار گیرند. در غیر این صورت، آنان مسئول پیامدها و عوارض خطرناک ناشی از گزینه‌های اول یا دوم خواهند بود و بایستی در پیشگاه خداوند، ملت و تاریخ پاسخگوی نتایج تصمیمات و عملکرد خود باشند. ربا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و انت خیر الفاتحین<sup>۱</sup>

**نهضت آزادی ایران**

<sup>۱</sup> پروردگارا، میان ما و ملت ما به حق داوری کن که تو بهترین داورانی (اعراف - ۸۹)